

خبرنامه



سال یازدهم، شماره نود و هشتم، خردادماه ۱۴۰۲

بازتاب سیره امام علی (ع) در سیره امام خمینی (ره)



«داوری» در ترازوی داوری

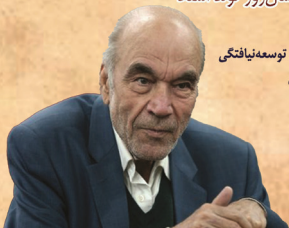
Revisiting Reza Davari's Philosophy and Social Theory

نگاهی به آثار و آراء دکتر رضا داوری اردکانی
به مناسبت نودمین سالروز تولد استاد

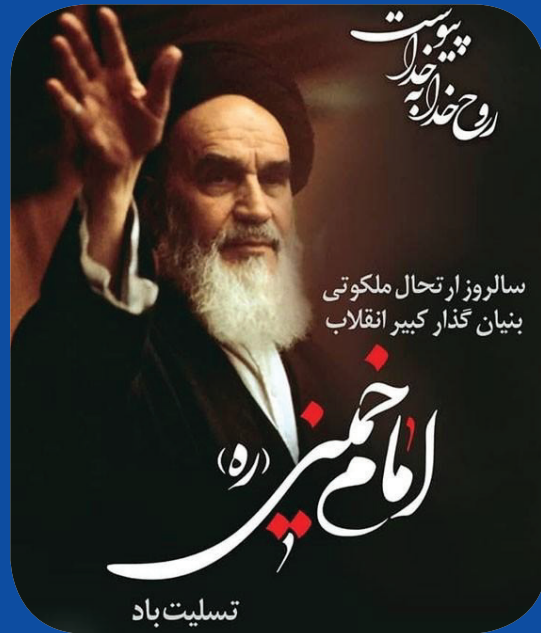
محورهای نشست:

- فلسفه اسلامی
- اسلامی سازی معرفت
- مدرنیته و پسا مدرنیته
- فلسفه غرب و گفتگوی بیناتمدنی
- علم و مسئله دانشگاه
- فلسفه تاریخ
- زبان شناسی

- توسعه و نقد توسعه نیافتگی
- هویت ایرانی
- غرب زدگی



سوم داد
سالروز فتح خرمشهر
روز مقاومت و پیروزی
گرامی باد



فهرست

- * بازتاب سیره امام علی (ع) در سیره امام خمینی (ره)..... ۳
- * سمینار «داوری در ترازوی داوری»:..... ۷
- * تحلیل و بررسی نقش فضای مجازی بر فعالیت‌های سیاسی اجتماعی جوانان ایران زمین..... ۲۱
- * نگاه نقادانه استاد مجتهدی به سیدجمال‌الدین اسدآبادی..... ۳۶
- * نکوداشت یک عمر فعالیت علمی استاد کریم مجتهدی..... ۳۸
- * باشگاه دانش‌آموزی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی راه‌اندازی می‌شود..... ۴۰
- * ضرورت تقویت گروه‌های علمی پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی..... ۴۳
- * پیش‌نویس آئین‌نامه و ضوابط انتخاب قطب‌های علمی و شیوه‌نامه انتخاب استادان سرآمد پژوهشی پژوهشگاه..... ۴۷
- * استعمارزدایی در جامعه‌شناسی امروز..... ۴۹
- * منطق و فرهنگ..... ۵۰
- * بررسی تفاسیر قرآنی اردو زبان شبه قاره هند..... ۵۲
- * روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی: رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو..... ۵۳



بیانات مقام معظم رهبری درباره آزادسازی خرمشهر

واقعاً ارتش و نیروهای سپاهی و بسیجی‌ها مظلومانه و با کمترین امکانات جنگیدند. هزاران بار مبارک باد بر شما عزیزان و نور چشمان اسلام این فتح و نصر عظیم.



پرو، شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

بازتاب سیره امام علی (ع) در سیره امام خمینی (ره)

به مناسبت ایام رحلت حضرت امام خمینی (ره) هشتمین نشست از نشست‌های ماهانه مرکز تحقیقات امام علی (ع) با سخنرانی دکتر محمدحسین رجبی دوانی، استاد تاریخ دانشگاه و رئیس بنیاد ایران‌شناسی، نهم خرداد ماه برگزار شد.

در آغاز این نشست دکتر مالک شجاعی جشوقانی، رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع)، با اشاره به پیام امام خمینی (ره) به کنگره نهج‌البلاغه، هدف از برگزاری سلسله نشست‌های ماهانه مرکز را برقراری گفت‌وگوی جدی میان مباحث سیره‌پژوهی و علوم انسانی دانست و با اشاره به تصویب برنامه و محورهای پیشنهادی در شورای مشورتی مرکز و شورای پژوهشی پژوهشگاه، به معرفی کوتاه اولویت‌ها برنامه‌های آتی پرداخت.

دکتر دوانی هم با گرمی داشتن یاد و خاطره امام خمینی (ره) در آستانه سی و چهارمین سال ارتحال ملکوتی آن رهبر فرزانه سخنرانی خود را در خصوص بازتاب سیره امام علی (ع) در سیره امام خمینی (ره) ارائه کرد.

وی سخنرانی خود را با کلام امام خمینی (ره) در توصیف علی (ع) مبنی بر آنکه امیرالمؤمنین پس از پیامبر دومین شخصیت عالم خلقت بودند و به اذعان امامان دیگر که فرزندان آن امام بودند، غبطه به آن حضرت می‌خوردند کما اینکه حضرت سجاد (ع) به سجده‌های طولانی معرف حضور هستند در وصف امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند، عبادات من در برابر عبادات جدم چیزی به حساب نمی‌آید.

به تعبیر امام خمینی علما، فقها و مفسران برای بازگویی فضایل امیرالمؤمنین از بیان ابعاد گوناگون شخصیت امام علی (ع) درمانده‌اند. در ادامه دکتر دوانی در بیان شخصیت امام خمینی (ره) به نقل از پدر بزرگوارشان مرحوم دوانی فرمودند «به جرأت می‌توانم بیان کنم در میان اصحاب ائمه شخصیتی به عظمت و جامعیت امام خمینی

سراخ ندارم» اما امام هر چقدر هم بزرگ باشد قیاس ایشان با امام علی (ع) نیاز به دقت و احتیاط دارد و اگر بخواهیم هر آنچه در سیره عملی امیرالمؤمنین هست را در روش امام خمینی تجلی داشته باشد، انتظار زیادی است.

وی به نقل از امام خمینی گفت: «با تأسف شدید نگذاشتند حضرت علی (ع) در دوران خلافتش آنچه را می‌خواهد برای سعادت جامعه به اجرا درآورد (به دلیل تحمیل بحران‌ها و فتنه‌ها)» با همه این اوصاف همان اندک تجربه حکومت‌داری که از علی (ع) مانده برای ما راهنمای بزرگی است تا حدی که بتوانیم به سیره علی (ع) عمل کنیم. با یک نگاه اجمالی در تاریخ، ۱۲ قرن که از عصر غیبت می‌گذرد، امام خمینی تنها فقیهی بودند که با عنوان نایب امام زمان (عج) توانستند تحولی عظیم در جهان پدید آورند و حکومت ولایت را پایه‌ریزی کنند.

وی در ادامه در وصف عظمت کار امام در ایجاد و برقراری نظام اسلامی بیان کرد: براساس اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت که فقط نایب برحق امام زمان (عج) می‌تواند حکومت کند و مشروعیت داشته باشد در طول این ۱۲ قرن جز امام خمینی (ره) کسی نتوانست از این مهم برآید، که خود نشانگر آن است که امام خمینی بهره فراوان از سیره ائمه به‌ویژه حضرت علی (ع) برده‌اند.

به مناسبت ایام سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) برگزار می‌گردد

مرکز تحقیقات امام علی (ع)

بازتاب سیره امام علی (ع) در سیره نظری و عملی امام خمینی (ره)

دبیر علمی: دکتر مالک شجاعی

سخنران:

دکتر محمد حسین رجبی دوانی
(استاد تاریخ اسلام و رئیس بنیاد ایران‌شناسی)

سه‌شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۲ ساعت ۱۰:۱۵

مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

لینک مجازی نشست:
<https://webinar.ihs.ac.ir/b/ihs-bhg-neu-nuv>

حضرت علی(ع) هر جامعه‌ای را ملزم به داشتن حکومت می‌داند و می‌گوید، داشتن حکومت حتی نوع نامطلوب آن بهتر از نداشتن آن است. امام خمینی(ره) نیز با تأسی از امام علی(ع) تشکیل حکومت را از وظایف برحق نایب امام زمان(عج) می‌داند، چون وظیفه هدایت بشری را بهتر از هر حالتی در زمان داشتن حکومت می‌توان انجام داد و به نتیجه رساند. از منظر امام علی(ع) داشتن حکومت و تأسیس حکومت توسط رهبری اسلام یک اصل است. فرق حکومت اسلامی(با تسلط نایب امام زمان) با سایر حکومت‌ها آن است که علاوه بر مدیریت اقتصادی و اجتماعی و تأمین رفاه جامعه، وظیفه شکل‌دهی درست به رفتار و اخلاق جامعه و مردم را برعهده دارد، حال آنکه سایر انواع حکومت صرفاً به رتق و فتق امور عمومی، اجتماعی، اقتصادی می‌پردازد. امام خمینی(ره) نیز منظورش از تأسیس حکومت علاوه بر سعادت جامعه و مردم، اجرای احکام الهی، ایجاد فضای معنوی و اخلاقی بود.



دکتر دوانی در ادامه به ۱۱ اصل از اصول حکومت از منظر امام علی(ع) و بازتاب آن در سیره عملی امام خمینی(ره) پرداخت و به موارد زیر اشاره کرد:

اصل اول: برقراری عدالت اجتماعی در همه عرصه‌ها و تأمین حقوق مردمان بدون هیچ‌گونه تبعیضی در وصف این اصل، امیرالمؤمنین فرمودند: «حکومت از کفش بی‌ارزش وصله‌زده برایم ناچیزتر است، مگر آنکه حقی را احقاق کنم و عدل را برقرار سازم». امام خمینی نیز در این خصوص از دیرباز به این اصل توجه داشتند، و در پی خروج مردم از دست ظالمان زمان و برخورداری ایشان از تمام مواهب الهی بودند. ایجاد جمهوری عدل علی(ع) جز شعائر انقلاب بود.

اصل دوم: نگاه زاهدانه به دنیا و پرهیز از دنیاپرستی در بیان زهد امام علی(ع) حتی دشمنان آن حضرت به آن معترفند. امام خمینی نیز خود زاهد بود و نگاه دنیاگریزی ایشان، سعی در تفهیم این مهم در جامعه مسئولان داشت. کما آنکه ایشان در خطابه‌های خود به مسئولان همواره بیان می‌کردند: «شما نوکر مردم هستید».

اصل سوم: احقاق حق مظلومان و مبارزه با ظلم امام علی(ع) در خطبه شقشقیه می‌فرمایند: «اگر خدا از علما عهد و پیمان نگرفته بود که نباید شاهد سیری ظالمان و فقر و فلاکت محرومان باشند. افسار مرکب خلافت را بر پشتش رها می‌کردم تا هر کس می‌خواهد بر آن بنشیند و بتازد».

در کلام و سیره امام خمینی نیز ظلم‌ستیزی دیده می‌شود همان‌طور که در مقابل مظالم طاغوت شجاعانه ایستادگی کردند و هزینه آن را نیز پرداختند و از هیچ فشاری نهراسیدند.

دکتر دوانی تفاوت امام علی(ع) را با امام خمینی(ره) از منظر مدیریت جامعه متذکر شدند که امیرالمؤمنین در زمان خلافت خود در دهه ششم عمر خود بودند و از این حیث بسیار جوان‌تر از امام خمینی که در زمان به‌دست آوردن حکومت اسلامی در آستانه دهه هشتم زندگی با انواع بیماری‌ها و کهولت به سر می‌بردند، بودند.

همچنین امیرالمؤمنین همه اختیارات را در دست داشتند حتی گاهی به جای قضات حکومت رأی صادر می کردند حال آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی هر چند قانونی متری است اما محدودیت های زیادی برای رهبر جامعه ایجاد می کند. بنابراین اختیارات رهبری انقلاب با آنچه امام علی (ع) در اختیار داشت، متفاوت است.

اصل چهارم: تأمین رفاه جامعه و خدمت رسانی به مردم با وجود مدت کوتاه حکومت امام علی (ع) حضرت توانست فقر را در جامعه ریشه کن سازد. همان گونه خود بیان کردند: خدا را سپاس می گویند که همه از یک رفاه مناسب برخوردارند (مسکن مناسب، نان گندم و...). آن حضرت در دوران حکومت خود تمامی رانته ها را از میان برد و حتی به بازپس گیری آنچه از بیت المال به ناحق برداشته شده بود، پرداخت. امام خمینی نیز با وجود ضیق معیشت مردم همان اول که وارد شد بیان کرد: «آمده ام تا برای مردم رفاه بیاورم» و این مهم را به عنوان وظیفه و تکلیف خود می دانست.

اصل پنجم: حکومت از آن صالحان است به تعبیر امروزی همان شایسته سالاری امام علی (ع) آنان که با زد و بند بالا آمده بودند را برکنار کرد و صالحان و پاکان را منصوب کرد، همانان که از تقوای نسبی برخوردار بودند، کارآمد و وفادار به حاکمیت بودند. امام خمینی نیز در اوایل انقلاب به این مهم توجه داشتند و در کلام خود بیان کردند: «اگر کسی مسئولیت دارد اما احساس می کند در آن کار دیگران از او شایسته ترند آن مسئولیت را واگذار کند یا حتی اگر مسئولی حس می کند در پست بالاتری خدمت بیشتری می تواند انجام دهد، پیشنهاد دهد».

اصل ششم: نقش و درخواست مردم امیرالمؤمنین در عین آنکه برای حکومت کردن مشروعیت خود را از خدا می گیرد اما به نقش و خواست مردم بسیار اهمیت می دهد چنانکه پس از فوت پیامبر در «کودتای سقیفه بنی ساعده» مردم نخواستند حق را یاری کنند و امام علی (ع) کنارگیری کرد. امام خمینی نیز با وجودی که نهضت خود را از سال ۱۳۴۱ آغاز کرد اما با خواست مردم در سال ۵۷ به حکومت رسید چنانکه در پاریس از ایشان سؤال شد اگر انقلاب پیروز شود شما چه می کنید؟ ایشان گفتند: «من مثل یک طلبه به قم می روم» اما به دلیل خواست و رأی میلیونی توده ای مردم رهبری جامعه را به دست گرفتند.



اصل هفتم: توجه خاص به مستضعفان و ستم‌دیدگان و رسیدگی به مساکین و محتاجین در این خصوص نیز امام(ره) به مانند حضرت فرمودند، نباید گذاشت تا مردم ستم‌دیده و محروم زیر چرخ جامعه خرد شوند. به نقل از امام خمینی(ره) «یک موی کوخ نشینان را به همه کاخ نشینان نمی‌دهم»

اصل هشتم: عدم سکوت در برابر انحراف‌ها، بدعت‌ها و سیاست‌های نادرست همان‌گونه که امیرالمؤمنین در زمان خلیفه سوم آنچه جامعه‌پذیر نبود را به خواست مردم طرح کرد و از هیچ چیز نهراسید، امام خمینی نیز قسم جلاله خورد که من هرگز در عمرم نترسیدم و در مقابل قانون‌شکنی یک تنه ایستاد و هزینه داد (اشاره به رفراندوم قانون مشروطه و زیر پا گذاشتن آن).

اصل نهم: مکلف به انجام تکلیف در این مورد نیز امیرالمؤمنین در صورت یاری مردم و بنا بر مصلحت جایی که مردم از دست خلفای غاصب در خطر بودند به میدان آمد. امام خمینی نیز معتقد به این اصل بود و به نقل از ایشان: خمینی اگر یکه و تنها بماند به راه خود ادامه می‌دهد.

اصل دهم: نقش هدایت‌گری جامعه امیرالمؤمنین در زمان خلافت خود تلاش کرد تا جامعه به حال و هوای زمان پیامبر برگردد. حتی در مواجهه با کسانی که به جنگ با حضرت می‌آمدند(خوارج)، به دنبال هدایت و نجات بود. امام خمینی نیز به تبعیت از این اصل در صدد هدایت منافقین و چپی‌ها بودند.(اشاره به وقایع سال‌های ۵۸ تا ۶۰ هجری شمسی)

اصل یازدهم: تحمل مخالفان تا پیش از دست بردن به سلاح همین که امیرالمؤمنین با خواست مردم به خلافت رسید عده‌ای شقی از بیعت با ایشان خودداری کردند، حضرت فرمودند تا مادامی که دست به سلاح نبرند، آزادند. امام خمینی نیز همین شرایط را فراهم کردند. زمان پس از انقلاب حتی در دانشگاه‌ها اتاق جنگ بود. ایشان گفتند مارکسیست‌ها در بیان عقیده آزادند. و در عمل نیز به‌طور مثال، استان کردستان با وجود اینکه تقریباً مجزا شده بود اما حقوقشان را از حکومت می‌گرفتند. این نشست با برگزاری جلسه پرسش و پاسخ پایان یافت.



سمینار دو روزه «داوری در ترازوی داوری»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در طول یکی-دو سال اخیر تلاش کرده است بیش از گذشته به جایگاه علمی و تلاش‌های استادان و دانشمندان برجسته علوم انسانی بپردازد. به‌همین مناسبت و به بهانه نودمین سالروز تولد استاد رضا داوری اردکانی، فیلسوف و دانشمند برجسته کشورمان و رئیس فرهنگستان علوم، مراسمی با عنوان «داوری در ترازوی داوری» برگزار شد که اکثر استادان برجسته فلسفه کشور در این نشست به ارائه سخنرانی و مقاله پرداختند که چکیده مقالات نیز منتشر و در اختیار حاضرین قرار گرفت.

دکتر نجفی:

استاد داوری در نیم قرن اخیر جزو برجسته‌ترین کسانی هست که در اندیشه معاصر اثر گذاشتند



دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در نشست «داوری در ترازوی داوری» که ششم خردادماه در تالار تمدن پژوهشگاه برگزار شد، با تبریک دهه کرامت و خوش‌آمدگویی به میهمانان حاضر، گفت: از برگزار کنندگان مراسم مخصوصاً دکتر میری تشکر می‌کنم و خدا را شکر کار برگزاری نشست هم به‌خوبی جلو رفت و مطالب خوب و مفیدی هم گردآوری شد. بنده تمایل نداشتم به‌عنوان اولین نفر در این مراسم سخنرانی کنم اما به‌رسم میزبانی و خوش‌آمدگویی به میهمانان گرامی و دوستان و شاگردان استاد داوری در خدمت شما گرامیان هستم.

دکتر نجفی بحث خود را با موضوع «تناسب در دو حوزه تمدنی اسلام و غرب (نسبت گذشته با آینده برای فهم وضعیت امروز ما و نقدی بر بیعالم شدن جوامع غیر غربی)» آغاز و به خاطرات و تجربه زیسته خود با دکتر داوری اشاره کرد.

دکتر نجفی گفت: تجلیل از بزرگان سنت حسنه‌ای است که ما در پژوهشگاه آن را ادامه خواهیم داد. به‌خصوص اینکه استادان تا حیات دارند و زنده هستند، از آنها تجلیل کنیم بهتر است. حتی به خود دکتر داوری هم گفتم که شاید حجاب معاصریت باعث شود، برخی از مطالب مغفول بماند. آشنایی من با دکتر داوری به حدود ۳۰ سال قبل مربوط می‌شود که طی همایشی در دانشگاه حقوق با موضوع فارابی برگزار شد. پس از آن هم در مقاطع مختلف خدمت ایشان رسیدیم و مباحثات و گفت‌وگوهایی با ایشان داشتیم و از ایشان آموختیم و به مرور رفاقت و شاگردی ما نسبت به ایشان بیشتر شد و در ادامه هم به همراه دکتر مجتهدی با پژوهشگاه همکاری کردیم. همچنین استاد داوری برای سه کتاب من مقدمه و تقریظ نوشته‌اند و دیدارهای نوروزی خوبی نیز باهم داشتیم و پرسش‌های سالانه خوبی مطرح می‌شد وای کاش! سخنان استاد را ضبط می‌کردیم.

دکتر نجفی ادامه داد: زمانی خدمت ایشان بودم و پرسیدم که چرا شهید مطهری فلسفه تاریخ دارند، اما فلسفه سیاسی ندارند؟ و آن را با افق سیاسی «ابن‌خلدون» مقایسه کردم. ایشان گفتند سؤال و بحث خوبی است و نوشته مرا در این خصوص خواندند و مقدمه حدود ۱۰ صفحه‌ای نوشتند. نکات تاریخی ایشان همیشه برای ما رهگشا بود و بیشتر تاریخ تحولات را برای ما تبدیل به تاریخ اندیشه می‌کردند.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ادامه داد: ما همیشه در خصوص بحث‌های اندیشه‌ای استبداد و آزادی و ... از دکتر داوری کمک می‌گرفتیم و در مجموع من ایشان را فیلسوف مدنی می‌بینم که در نیم قرن اخیر جزو برجسته‌ترین کسانی هستند که در اندیشه معاصر اثر گذاشتند، اگر در سه حوزه تمدنی ایشان را مؤثر بدانیم، نسبت به بسیاری از فلسفه‌خوانده‌ها در رأس تأثیرگذاری بودند. بررسی‌ها نشان می‌دهد نظرات این فیلسوف در سه حوزه و دوره تمدنی تعامل اسلام و ایران حضور دارد. دوره اول که مرحوم مطهری هم به آن پرداختند و آن عصر طلایی سوم و چهارم که تاریخ علمی ایران و اسلام بوده است. در دوره دوم، عصر صفویه و قرن دهم که عصر هویت ماست و خیلی از بحث‌های دکتر اردکانی نیز به هویت و آن دوره مربوط است و دوره سوم که به عصر انقلاب اسلامی مربوط می‌شود که با توجه به کتاب‌های ایشان در این دوره نیز صاحب اثر هستند.

وی ادامه داد: با توجه به بحث‌های دکتر داوری در نقد غرب، ایشان به نکات دقیقی اشاره می‌کردند و حتی نقدی به مرحوم نائینی داشتند و مراسم‌هایی هم که در خانه مشروطه اصفهان می‌گرفتیم کتاب «مقیم و مسافر» را که در مشروطیت نوشته شده بود، مطالعه کردند و نکته‌ای عالی مطرح کردند: برای من عجیب است که این کتاب در دفاع از مشروطه نوشته شده، ولی لیبرالیسم نیست و این امر اتفاق عجیبی است که می‌توان از آزادی صحبت کرد ولی در فضای لیبرال قرار نگرفت و موضوع خیلی عجیبی برای من است.

بحثی که راجع به ایشان در جامعه است و برخی از داوری شماره یک و داوری شماره دو صحبت می‌کنند، به‌نظر من از دید خودم می‌گویم، انقلاب اسلامی دو بعد دارد، بعد اول اینکه اسلام را از حاشیه به متن آورده است که از آن به تمدن اسلامی یاد می‌کنیم و در آن مباحث فقهی و حقوقی دخیل است. بخش دومی در انقلاب اسلامی مغفول مانده که اندیشه‌های داوری به‌همین بخش مربوط می‌شود و آن پرسش و نقد از غرب است و به قول ایشان انقلاب اسلامی در افق مدرنیته زائیده نشده است. این بخش انقلاب کمتر دیده شده است و گروهی که فقط قسمت اول را نگاه کنند نسبت به داوری نتوانستند تحلیل درستی داشته باشند. این بخش دوم را برخی دیگر نپسندید و اعتراضی نسبت به ایشان شد به‌دلیل اینکه ایشان به بعد دوم انقلاب اسلامی (پرسش و نقد غرب) توجه داشتند. اگر فلسفه مدنی فارابی را کنار بگذاریم باعث می‌شود به دو حوزه تمدنی نگاه کنند و وارد مسائل سیاسی و روز شوند. ما می‌توانیم در نظرات دکتر داوری توأمان شاهد امکان‌ات فلسفه اسلامی و ایرانی با جریان‌ات عقلی فلسفی غرب باشیم و در افق انقلاب اسلامی به پرسش از غرب بپردازیم و به امکان‌ات یک انقلاب دینی و عهد جدیدی که در ایران پیدا شده توجه بهتری داشته باشیم. مهمترین وجوه این اندیشه وجود عالم جدیدی غیر از عالم غربی است.

دکتر نجفی در پایان سخنانش گفت: ما در خانه مشروطه اصفهان از دکتر داوری یاد گرفتیم سنخ اندیشه و اندیشه‌ورزی «عبور» است و ایستادن در یک قسمت در ذات اندیشه‌ورزی نیست. در اصفهان به ایشان گفتیم، حتی شاید بشود با داوری از خود داوری هم عبور کرد که البته کار مشکلی است!

والسلام



آیت‌الله محقق داماد:

خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند اما حکیمان باید جامعه دینی را از جهل و خرافات نجات دهند



دکتر سیدمصطفی محقق داماد، در ابتدای سخنانش با قدردانی از برگزار کنندگان نشست «داوری در ترازوی داوری»، گفت: از این مؤسسه علمی محترم سپاسگزارم که برای این شخصیت عالی‌قدر این برنامه را ترتیب دادند که امیدوارم آغازی باشد، برای کارهای دیگران. به هیچ وجه این جلسه برای مدح آقای دکتر داوری نیست هرچند که مدح خورشید مداح خود است ولی در عین حال قضاوتی برای کارهای داوری است.

دکتر محقق داماد ادامه داد: من سخنانم را در ادامه فرمایشات دکتر نجفی بیان خواهم کرد اما قبل از آن اجازه بدهید قطعه‌ای را نقل کنم: یک بیتی را فخر رازی از فخر کبیر ذکر کرده و خیال کرده مربوط به صاحب تفسیر یعنی «مبیدی» است، در حالی که مال خود ایشان نیست. مبیدی در تفسیر یکی از آیات سوره انفاق نقل می‌کند جنید عارف می‌خواست برود کوه تور سینا و جای پای موسی (ع) را ببیند. از کوه بالا رفت و وقتی آن بالا رسید یاد آن لرزه‌ای که بر یاران موسی پیش آمده بود افتاد و به خود لرزید و گفت: ونظرو بعدنا الی آثار انا آثارنا تدل علینا (بعد از ما به آثار ما نگاه کنید آثار ما دلالت بر ما می‌کند)؛ لذا من از دکتر نجفی و سایر همکارانشان برای داوری آثار دکتر اردکانی و دیگران تشکر می‌کنم و کار بسیار ارزنده‌ای است.

وی که با عنوان «فلسفه و چالش‌های پیش‌روی حکیمان مسلمان» سخنرانی می‌کرد، ادامه داد: تا حدود یک قرن و نیم قبل اگر در ایران می‌گفتند؛ فلسفه، مراد فلسفه اسلامی یعنی فلسفه مشا، اشراق و ملاصدرا بود. در حالی که در همین تاریخ در مغرب‌زمین فیلسوفان بزرگ هر کدام مکتبی ایجاد کرده بودند. دکارت، کانت، هگل از جمله فیلسوفانی بودند که مکتب‌های متفاوتی مطرح کردند ولی در ایران تا آنجائی که من اطلاع دارم، ردپایی از این قضیه نبود. از حدود ۱۵۰ سال قبل یک مرد سیاست‌مدار، شاهزاده بزرگ و والی چند ولایت یعنی بدیع‌الملک علاقه‌مند به فلسفه شد، او حس کرد باید سراغ سرچشمه‌های دانش برود. یک شیخ فقیه منزوی در قم به نام شیخ علی‌اکبر حکمی بود نزد ایشان رفت و شاگردی کرد او سؤالاتی مطرح کرد و شیخ جواب‌هایی داد اما او قانع نشد به نزد استادی در تهران آمد و هفت سؤال مطرح کرد که خواستگاه آنها فلسفه غرب بود و آنها را برای اولین بار به فلسفه اسلامی عرضه کرد تا پاسخ داده شود که نتیجه‌اش کتابی به نام بدایع‌الحکم با چندین بار چاپ بوده است.

محقق داماد افزود: بعد از او مرد دیگری که سفیر فرانسه در ایران بود از شیخ علی خواست تا به فرانسه برود و نظرات خود را تدریس کند، شیخ علی پذیرفت، اما شاگردش آقا میرزا حسن آشتیانی او را از رفتن به فرانسه منصرف کرد. من تأسف می‌خورم چرا که اگر ایشان به فرانسه رفته بود و آنجا تجلی می‌کرد دیگر اتهام پایان یافتن فلسفه اسلامی با «ابن‌رشد» به وجود نمی‌آمد. به هر حال از تاریخ آمدن این افراد فلسفه اسلامی با غرب چالش پیدا کرده و بعدها هم در آثار افراد دیگر همچون دکتر اردکانی به آن اشاره شده است. اتهامی به فلسفه اسلامی می‌زنند و می‌گویند فلسفه اسلامی کاری به زندگی مردم ندارد و فقط به مباحث نظری همچون اصیل بودن وجود یا ماهیت می‌پردازند. درحالی که فلسفه غرب از سه چهار قرن پیش با زندگی روزمره مردم تماس پیدا کرده است. مثلاً فیلسوف معاصر برتراند راشسل براساس فلسفه خود با جنگ مخالفت و از صلح دفاع کرد و او را به جرم دفاع از صلح زندان انداختند؛ سیاست فیلسوفان باید با الهیاتشان ارتباط داشته باشد یک بخش اثر ارسطو سیاست مدن است که با متافیزیکش مرتبط است. اما آیا در فیلسوفان اسلامی همچون ابن‌سینا و فارابی این ارتباط وجود دارد؟ حتی خواجه که وزیر هلاکو بود آیا وزارتش با تئوری الهیاتش مرتبط است؟ این اشکال هست.

وی افزود: این اشکال هست زیرا مبحث سیاست مُدُن از یک تاریخی به فقها واگذار شد. برای مثال، نائینی یک فیلسوف رسمی نبود اما فلسفه از طریق آخوند خراسانی به آنها رسیده بود و خودشان فلسفه درست و مستقلاً نداشتند، لذا از موضع فقهی سخن می‌گفتند. به همین سبب سیاست جامعه اسلامی به فقها سپرده شد و فیلسوفان هیچ دخالتی نداشتند و این اشکال تا اینجا وارد است.

محقق داماد در ادامه به چالش‌های روز پرداخت و گفت: به نظر می‌رسد تا اینجا در قرن معاصر چند چالش پیش روی فیلسوفان قرار دارد. در دنیای امروز، آنچه درباره سفره مردم و زندگی آنها مطرح می‌شود حقوق بشر است و فیلسوف اسلامی باید به آن پاسخ دهد. ما باید حقوق بشر را به فلسفه ابن‌سنا، ملاصدرا، فارابی عرضه کنیم اگر مدعی نظام فلسفی هستیم، باید پاسخ بگیریم. اگر پاسخ ندهد یعنی نظام ندارد. نظام فلسفی نمی‌تواند بگوید من در عصری بودم که این سؤالات مطرح نبود.

آیت‌الله محقق داماد با تأکید بر اینکه «محیط زیست» مسئله اصلی دیگری است که فیلسوفان باید به آن بپردازند، گفت: فیلسوفان باید به محیط زیست که معضل جهانی است بپردازند. ما باید بدانیم فیلسوفان چه نظری در خصوص آن دارند. مسئله دیگر که باید گفت این است خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند. منطقه خاورمیانه و کشور ایران ام‌القرء و پایگاه دین است و دین مرز بسیار باریکی با خرافات دارد. اگر درست فهمیده نشود باعث جهل می‌شود و انسان را به هلاکت می‌رساند. حکیمان باید جامعه دینی را از جهل نجات دهند. اندیشه‌ورزی براساس استدلال و برهان و جامعه را آشنا با خرد کردن، کار حکیمان است و خرد دین داری کردن و دین داری خرد ورزانه از ویژگی‌های حکیمان است. باید کار را بر روی این امر قرار دهیم. یکی از مشکلات و چالش‌های مهم مسئله ورود اندیشه‌ورزی، تعقل، حکمت و خرد در فهم دینی است.

آیت‌الله محقق داماد در خصوص ویژگی‌های استاد داوری ادامه داد: او از بیتی از بیوتات اصیل اردکان است که مظهر تواضع و ادب هستند. یکی از شاگردانش می‌گفت، او هنگام دیدن ما، از دوچرخه پیاده می‌شد و احوال‌پرسی می‌کرد. او متفکری شجاع است چراکه تحمل بحث و اشکال را دارد. خطرناک‌ترین مسئله برای بشر می‌تواند عقیده باشد. اینکه انسان بعضاً خودسانسور می‌شود برای اینکه عقیده و باور دارد. در حالی که تفکر باعث رشد و تعالی انسان می‌شود. داوری متفکر است و متفکر آن است که اگر متوجه شد حرفش نادرست بوده تغییر دهد. او شجاعت اعتراف اینکه فکر اشتباه بوده را داشته است. استاد داوری تحمل بحث و اشکال را همواره دارد و این امر روحیه‌ای عالی است که باید در همه اهل اندیشه وجود داشته باشد.

محقق داماد در پایان ضمن آرزوی عمر طولانی به درازای آفتاب برای دکتر اردکانی، گفت: خداوند ایشان و سایر استادان فلسفه را حفظ کند و از این مؤسسه (پژوهشگاه علوم انسانی) که تابوت نیمه‌جان فلسفه را حفظ می‌کند، سپاسگزاریم.



دکتر عبدالکریمی:

ما نیازمند ایده‌هایی هستیم که بتواند وحدت ملی را در جامعه ایجاد کند



دکتر بیژن عبدالکریمی در نشست «داوری در ترازوی داوری» سخنانش را با عنوان «اندیشه‌های رضا داوری اردکانی گامی ضروری اما نامکفی برای تغییر «منطق فهم و روش تحلیل» معضله تاریخی توسعه‌نیافتگی» آغاز کرد و گفت: بی‌تردید در روزگار ما برای بخش عظیمی از ساکنان جهان یعنی برای اکثر جوامع غیرغربی توسعه نیافتگی و آثار آن نه به یک مسئله بلکه به یک معضل یا دشواره یا حتی به یک ابرمعضل و ابر دشواره تبدیل شده است. سه مسئله‌ای که حتی از عهده صورت‌بندی درست آن بر نمی‌آییم.

وی افزود: بدیهی است هیچ تفکر اصیل و حقیقی نمی‌تواند نسبت به این ابرمعضل بی‌تفاوت باشد. داوری نیز در زمره اندیشمندانی است که هر چند نسبت به خود واقعیت تاریخی بسیار دیر اما در قیاس با متفکرانی چون علی شریعتی، سیداحمد فردید، سیدحسین نصر و... بسیار زود به فهم و توسعه‌یافتگی به منزله یک معضل فلسفی اجتماعی در جوامعی چون ایران نائل آمد.

این استاد دانشگاه اضافه کرد: توسعه نیافتن در جامعه ما یک امر جهانی است و به همان اندازه که جهانی و تمدنی است متافیزیکی هم هست مراد از متافیزیکی آن است که در حوزه سیاست، اقتصاد و بین‌المللی به صورت جدا نمی‌شود آن را حل کرد و جوهی دارد که دیگر رشته‌ها نمی‌توانند به آن نزدیک شوند. توسعه‌نیافتگی با یک امر تاریخی ارتباط دارد و توسعه‌یافتگی به یک عقلانیت نیاز دارد.

عبدالکریمی بیان کرد: انبوه اندیشمندان و روشنفکران ما آنچنان درگیر مسئله بحران هویت تاریخی حاصل از چالش میان سنت و مدرنیته بودند که مسئله توسعه به منزله شری ضروری لکن به نحو مطلق اجتناب‌ناپذیر را یا همچون فردید یا همچون بسیاری دیگر آنچنان که شایسته و بایسته بود، مورد امعان نظر ندادند. داوری در این میان یک استثنا است.

این استاد دانشگاه بیان کرد: پرسشی که اینجا مطرح می‌شود این است، آیا داوری در مواجهه با مسئله توسعه و توسعه‌نیافتگی از همان منطق فهم و روش تحلیل دو قرن اکثر قریب به اتفاق روشنفکرانمان تبعیت کرده است؟ پاسخ این است ضمن توضیح این منطق فهم و روش تحلیل تا حدود زیادی منفی است و بنده معتقدم همین امر داوری را در میان اندیشمندان و روشنفکران ما ممتاز و یگانه می‌سازد.

وی گفت: اما آیا ما با داوری می‌توانیم به یک شیفت پارادایمی و تغییر در منطق فهم و روش تحلیل معضل توسعه‌نیافتگی در کشور نائل شویم، پاسخ این است به دلیل توسعه‌نیافتگی به منزله یک وضعیت تاریخی-تمدنی و نه صرف یک مسئله سیاسی اندیشه‌های داوری واسطه و گامی ضروری برای تغییر منطق فهم و روش تحلیل معضل تاریخی توسعه‌نیافتگی است.

عبدالکریمی خاطر نشان کرد: به دلیل نزدیک نشدن به نگرش مارکسی و هایدگری یعنی عدم توجه به هستی اجتماعی و نیروهای تاریخی لازم برای توسعه مثل فرایندهای انباشت سرمایه و ظهور و رشد طبقه متوسط در پهنه جهان و آنچه هایدگر ماهیت تکنولوژی می‌نامد و در نتیجه نادیده انگاشتن ابتدای خرد توسعه بر نوعی فراماسیون اجتماعی خاص و نه نوعی اخلاق یا معرفت‌شناسی اندیشه‌های داوری برای امر ضروری نیل به نوعی شیفت پارادایمی در منطق فهم و روش تحلیل معضل تاریخی توسعه‌نیافتگی ناکافی و ناپسند به نظر می‌رسد.

برخی معتقدند، «هستم، پس می‌اندیشم»!

وی بیان داشت: انتقادی که به جامعه فلسفه وارد می‌کنم آن است که ایده‌هایی را برای جامعه پیدا کند. ایده‌ها می‌تواند یک ملت را به ملت تبدیل کند. ما نیازمند ایده‌هایی هستیم که بتواند وحدت ملی را در جامعه ایجاد کند و جامعه را از تفرق اراده‌ها نجات دهد و توسعه نایافتگی می‌تواند نقطه شروع باشد. امروز یک ناامیدی و استیصال بین مردم و نخبگان مشاهده می‌شود. نوعی ناامیدی امروز ما را گرفته است حال سؤال است، آیا می‌توان در اندیشه‌های داوری راهی برای نجات از ناامیدی پیدا کرد. چگونه می‌شود به توسعه دست یافت و حاصل هویتی و فرهنگی خود را حفظ کرد. در دو قرن اخیر روشنفکران طرح‌های نظری بسیاری داشتند اما منطبق فهم و روش تحلیل مسائل آنان تغییری نکرده است. تاوقتی درک مشترکی بین توسعه نیافتگی وجود دارد، نمی‌توان راه برون شدی از وضعیت کنونی یافت. در بین اندیشمندان ما فقدان نگرش تاریخی دیده می‌شود و به همین دلیل است که تفاوتی میان پوزیسیون و اپوزیسیون وجود ندارد. به زبان فلسفی‌تر هم پوزیسیون و هم اپوزیسیون ما در تحلیل مسائل اجتماعی و تاریخی‌مان و نیز برای ارائه راهکار برای حل آنها در چارچوب دکارتی می‌اندیشند. آنها همه مسائل تاریخی ما را بر اساس اصل «می‌اندیشم پس هستم» تعریف می‌کنند. آنها می‌انگارند که نحوه اندیشیدن ما بنیاد هستی اجتماعی و تاریخی ماست. به همین دلیل اکثر تحلیل‌های سیاسی-اجتماعی ایرانیان سرشار از رویکردهای گوناگون نظری و حرکت از سوی ذهنیت به سوی واقعیت و مملو از انتقادهای معرفت‌شناسانه، اخلاقی و روان‌شناسانه است. یعنی ما نقد اخلاقی می‌کنیم و می‌گوئیم، برخی مسئولان ما آدم‌های بدی هستند. وقتی می‌گوئیم مسئولان بی‌عرضه هستند، نقد روان‌شناسانه می‌کنیم و کمتر درک ساختاری داریم که شرایط کنونی ما یک مسئله تاریخی است و ما یک مسئله تاریخی-تمدنی و یک مسئله ساختاری را به یک مسئله شخصی اخلاقی و روان‌شناسی تعریف می‌کنیم. گویی که اگر برخی از این مسئولان بد بروند جامعه درست می‌شود و قرار است آدم‌های خوب بیایند! اول اینکه، این آدم‌های خوب کجا بودند دوم اینکه چه تضمینی دارد آنچه را که شما آدم‌های خوب تلقی می‌کنید، دوباره همین سرنوشت را تکرار نکنند؟ من به شما قول یقین می‌دهم هر تغییری در سطح سیاسی قضیه رخ دهد، بی‌آنکه ما بتوانیم منطق تحلیل‌مان را تغییر دهیم، در واقع ما نتیجه‌ای نخواهیم گرفت، اما یک منطق دیگری وجود دارد که من این منطق را متصف می‌کنم به مارکس، هگر و هایدگر. اینها بر خلاف منطق دکارتی که می‌گوید، «می‌اندیشم، پس هستم» می‌گویند، «هستم، پس می‌اندیشم»! یعنی نظام اندیشگی و دیدگاه‌های ایدئولوژی، سیاسی و اجتماعی ما ربط وسیعی با واقع‌بودگی و هستی-اجتماعی ما دارد. هگل می‌گوید، جزء نابخردی نیست اگر گمان بریم که ضمانت‌های ظاهری اجرای قانون می‌تواند به قوانین ثبات بخشد. قوانین مصوب نمی‌تواند حامی حیات اجتماعی باشد. باید ضمانتی وجود داشته باشد این ضمانت بر روی قانون‌هایی که می‌نویسیم نیست، این ضمانت در قوانین مصوب نیست این ضمانت در واقع‌بودگی اجتماعی-تاریخی و قوانین نانوشته‌ای است که در زندگی ما وجود دارد، این‌ها هستند که قوانین را تحقق‌پذیر یا تحقق‌ناپذیر می‌کنند نه افراد، نه ایدئولوژی‌ها و... که یک و نیم قرن است پرسش‌های زیادی در خصوص عملکرد مسئولان وجود دارد، اما تعجب اینجاست که این پرسش‌ها چرا کماکان پس از انقلاب بزرگ مشروطه، نهضت ملی، و انقلاب ۵۷ بی‌پاسخ مانده است؟

دکتر عبدالکریمی در بخش پایانی سخنانش تصریح کرد: قبل از انقلاب می‌گفتیم، تمام فساد در شاه خائن است، و اگر شاه برود مشکلات حل می‌شود الان هم دوباره برخی معتقدند تمام فساد در نظام سیاسی است و اگر اینها بروند مشکلات حل می‌شود. قسم حضرت عباس(ع) می‌خورم که هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. در واقع باید ما به این موضوع فکر کنیم که جامعه ما از چه ساختاری برخوردار است که حتی پس از انقلاب هم نتایج مطلوب (در زندگی عمومی مردم) نگرفتیم که دلیلش این است که روشنفکران ما درک کمتری از سیستم اجتماعی دارند. تا درکی از این مسئله نداشته باشیم در واقع ما دور خودمان خواهیم چرخید. در چنین شرایطی ما با دکتر داوری مواجه هستیم که با روشنفکران ما فاصله بسیار زیاد و نجومی دارد. داوری می‌کوشد، وضع و جایگاه ما را آشکار کند و ما با داوری به یک خودآگاهی تاریخی می‌رسیم و این چیز کمی نیست. داوری به خوبی راه را نشان می‌دهد، فلسفه فضل نیست و به منزله خودآگاهی است و ما اگر خودآگاه باشیم و فلسفه را به منزله خودآگاهی بفهمیم، مسئله توسعه نایافتگی نمی‌تواند از ذهن ما غایب باشد. داوری به خوبی نشان می‌دهد توسعه نایافتگی ما امری فلسفی و موضوع تفکر فلسفی است، نه محل مناقشات سیاسی و ایدئولوژیک. داوری به معضل تاریخی توسعه نایافتگی خودآگاهی دارد و مواجهه‌اش پدیدارشناسانه است و می‌کوشد جهان ما و حال و هوای آن را آشکار کند.

دکتر حسین کلباسی اشتری:
فضیلت علم به عمل کردن است



دکتر حسین کلباسی اشتری، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی در ادامه این نشست طی سخنانی گفت: روشن است که استادان یاد می‌دهند و شاگردان مفردات دانش را یاد می‌گیرند. چیزی که ارسطو بر آن تأکید کرده این است که فرونیسیس در هر دانشمندی محقق نمی‌شود. وقتی از حکمت عملی صحبت می‌کنیم منظور این است که دانش در کجا خرج شود. در تعلیمات دینی هم گفته شده که فضیلت علم به عمل کردن است لذا گرامی‌ترین دانشمندان هم کسانی هستند که از فرونیسیس برخوردارند. این کلمه در دوران قرون وسطی به زبان لاتین به دور اندیشی و حزم یا به تعبیری محافظه‌کاری ترجمه کردند. دکتر داوری به طور خلاصه می‌گوید عقلانیت و خردورزی نشانه‌هایی دارد که از مهمترین نشانه‌های آن این است که انسان به مقدرات و ضعف‌ها و توانایی‌های خود پی ببرد؛ یعنی حدود و توانایی‌ها را بشناسد.

کلباسی افزود: داوری می‌گوید توسعه یافتگی به معنای علم و توجه به دانستن‌ها و ندانستن‌هاست. نتیجه توسعه یافتگی، بی‌نظمی و از اینجا رانده و از آنجا مانده شدن است. ایشان بیش از شصت سال در این حوزه به تفکر پرداخته‌اند و دائماً بیان کرده‌اند که معنای توسعه یافتگی آسان ولی فهم آن دشوار است و خودشان می‌گویند توسعه یافتگی به معنای علم به امکان عمل است. در نتیجه وقتی امکانات هدر می‌رود و در جای خودش مصرف نمی‌شود به معنای عدم توسعه یافتگی است. برخی از عالمان و شبه عالمان در امور جاری زندگی خود نیز می‌لنگند و به همین دلیل است که ارسطو می‌گوید فرونیسیس به معنای علم به جزئیات است.

وی ادامه داد: بارها حقیر در جلسات و محافلی توفیق این را داشته‌ام که در خدمت استاد داوری باشم و از اینکه فلان مطلب را از ایشان می‌شنیدم دچار شگفتی می‌شدم و وقتی خارج از نشست، به ایشان می‌گفتم انتظار این بود که شما این مطلب را نگویید اما وقتی توضیح می‌دادند به این نتیجه می‌رسیدیم که چقدر ما خام و شتابزده عمل کرده‌ایم چراکه سخنی که استاد بر زبان رانده برای طرف مقابل تناسب بیشتری دارد تا آنچه امثال ما می‌اندیشیدند. ای بسا افرادی که ایشان را به محافظه‌کاری متهم کرده‌اند اما ایشان همواره فرموده‌اند که اقتضای حکمت عملی این بوده ولی هیچ وقت حقیقت را فدای مصلحت نکرده‌اند.

دکتر محمدعلی فتح‌اللهی
توجه به عقل و سیاست است که فرهنگ را می‌سازد



دکتر محمدعلی فتح‌اللهی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دیگر سخنران این همایش بود. او با بیان اینکه بخشی از هویت، جنبه معرفت‌شناسانه دارد و عقلانی است عنوان کرد: هرچند که بخشی از آن سیاسی و بخش مهمتر، فرهنگی و حرکت عمومی جامعه است. در واقع مجموعه‌ای از اقدامات باعث می‌شود یثرب تبدیل به مدینه‌النبی شود اما ممکن است برخی افراد که سیاستمدار حرفه‌ای هستند حکومتی که پیامبر(ص) در مدینه داشت را حکومت تلقی نکنند و بگویند این ضایع کردن سیاست است چراکه سیاست بود اما سیاست مرسوم نبود. هویتی که پیامبر(ص) عرضه کرد فلسفه بود اما فلسفه مرسوم نبود.

وی در ادامه افزود: در فلسفه، بحثی داریم که ماهیت حق وجود است و وقتی می‌خواهیم وجود را تحدید کنیم ماهیت پدید می‌آید. هویت که پدیده‌ای یکپارچه است وقتی برای آن حدی قائل شویم سیاست و فلسفه مرسوم پدید می‌آید و گرنه آن هویت در ذات خودش همه اینها را دارد و پدیده‌ای یکپارچه است لذا حکومتی که پیامبر اسلام(ص) بنیانگذاری کرد در ذات خود، هویت، سیاست و فرهنگ و فلسفه داشت اما ممکن است فیلسوفان مرسوم بگویند این فلسفه را قبول نداریم. این قصه در آموزه‌های امام جعفر صادق(ع) به عنوان رئیس مذهب هم کاملاً بازسازی و در ولایت‌عهدی امام رضا(ع) نمود اجتماعی پیدا کرد و به هر حال تاریخ عالم اسلام را رقم زد یعنی هویتی داریم که در آن همه چیز وجود دارد.

این مدرس دانشگاه بیان کرد: هزار و چهارصد سال است که می‌خواهیم فلسفه را به ماهیت جامعه نزدیک کنیم و بگوییم اصالت با وجود است نه با ماهیت‌ها و الان در حال تحول به سمت این است که اصالت را به وجود بدهد. لذا ما اگر از موضع ماهیتی نگاه کنیم، ممکن است بگوییم دین چه ربطی به فلسفه دارد؟ از بدو خلقت حضرت آدم در بهشت مباحث عقلی وجود دارد اما در آنجا فلسفه مستقل دیده نشده است. دین نیاز به فلسفه و سیاست دارد اما این نیاز در ذات آن است و فلسفه مستقل و ماهیت شده نیست. اینکه سنگ بنای مباحث خود را بر اساس استقلال فلسفه بگذاریم از مهمترین معضلات ماست چراکه فرهنگ شامل توجه به مباحث عقلی و سیاسی در دل هم است و توجه به عقل و سیاست است که فرهنگ را می‌سازد.

دکتر سید جواد میری
استاد داوری از معدود فیلسوفانی است که در باب انقلاب اسلامی اندیشیده است



دبیر علمی همایش، دکتر سید جواد میری، یکی از دلایل برگزاری این برنامه را عدم خوانش انتقادی آثار استاد داوری اردکانی بیان نمود.

او در این راستا ادامه داد علی‌رغم اینکه استاد داوری فیلسوف است و بیش از ۶۰ سال است که می‌اندیشد و در باب مسائل جهانی صحبت می‌کند و قلم می‌زند؛ قائل به رویکرد چندوجهی و چندرشته‌ای است که به نوعی رشته‌های گوناگون را تحت تأثیر قرار داده است، و خودشان نیز از بسیاری جهات از نظریات خویش عدول کرده و یا آن را مورد بازخوانی قرار داده‌اند ولی کمتر قلمی آثار ایشان را مورد خوانش انتقادی قرار داده است.

دکتر میری ادامه داد، مطلب دیگری که حائز اهمیت است و کمتر بدان پرداخته شده اینک استاد داوری از جمله معدود فیلسوفانی است که در باب انقلاب اسلامی اندیشیده و انقلاب را مورد تأمل خود قرار داده است تا جایی که باعث شد برخی او را «فیلسوف حکومتی» بدانند. به نظر من، رضا داوری از این منظر نیز شاید یکی از یگانه‌ترین فیلسوفان ایران باشد.

این، خلاصه‌ای از پیشینه نظری‌ای بود که باعث شد وارد این حوزه شوم و ایده برگزاری همایش «داوری در ترازوی داوری» را با رئیس محترم پژوهشگاه طرح نمایم. ایشان هم با روی باز پذیرفتند و حمایت فرمودند. در این همایش قریب به ۶۰ نفر از شهرهای مختلف ایران و خارج از ایران دعوت شدند، و شرکت داشتند. هر چند از آنجا که متأسفانه از میان آثار ایشان تنها یک اثر توسط بنیاد ابن سینا در موسکو، به زبان روسی ترجمه شده، و هیچ یک از آثار استاد داوری به زبان انگلیسی ترجمه نشده است. کمتر اساتید غیرایرانی توانستند در این حوزه مشارکت نمایند.

نگار داوری اردکانی:

داوری زبان شعر را زبان ازلی معرفی می کند



نگار داوری، فرزند استاد رضا داوری اردکانی با حضور در نشست «داوری» در ترازوی داوری که ششم خردادماه در تالار تمدن پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد، گفت: پدرم به این دلیل در این نشست حاضر نشد تا اندیشمندان به صورت آزاد و راحت بتوانند نقدهای خود را ارائه دهند. وی با تشکر از برگزار کنندگان این مراسم و استادان و پژوهشگران حاضر ادامه داد: نوشتن درباره فیلسوفی که بیش از ۶۰ سال به تفکر پرداخته کار دشواری است علاوه بر اینکه نقش پدر را داشته باشد. یکی از سؤالهای ما به عنوان فرزند از پدر در خصوص فایده فلسفه است. ایشان می گفتند، فلسفه مادر علوم است و بدون فلسفه نمی توان زندگی کرد. در یکی دو دهه در عالم هنر بحثهایی قرار گرفته که آیا پژوهشهای هنری در قضاوت ما نسبت به آن تأثیر دارد یا نه؟ برای آنهایی که شاید بخواهند زندگی در خانه این فیلسوف چگونه است باید خلاصه بگوئیم، در ۲۰ سالی که ما در خانه پدری بودیم، هیچ زمانی نبود که او را بدون کتاب، قلم و کاغذ دیده باشیم هنوز هم منوال بر آن است مگر زمانهایی به صرف چایی. هنوز هم وقتی پدر شعری می خواند یا حتی فوتبال می بیند، به یک بحث فلسفی می انجامد. توجه به فلسفه رسمی صرف میراث مشهور نیست او به فلسفه حقیقی توجه دارد که در واقع پرسش به مسائل زمان است و دردش درد زمانه است. او بر این گمان است که در قرون اخیر فیلسوفان به هنر و علم و شعر توجه نکردند. سیاست نظر دارد و به سیاست نظرش به این نبود که چه کسی حکومت می کند بلکه سیاستها را در نظر آورده دارد. اینکه اقتضای طبع سیاست چیست و به کجا می رود را مدنظر قرار داده و در آنجا زبانش سیاست نیست. اما وقتی سیاست وجود بشر را به مخاطره می اندازد از جمله چیزهایی که راه نجاتی بگشاید هنر است چون با هم بودن آدمیان با زبان آغاز شده و زبان با شعر پدید می آید. دغدغه به زبان و شعر در تصحیح غلط عبارات مشهود بود و در آثار او به صورت بیشتری مطرح شده است.

وی با اعلام اینکه تورقی بر آثار داوری، دغدغه وی را نسبت به مسئله زبان و شعر به خوبی نشان می دهد و چهار اثر او که به طور خاص به زبان و هنر پرداخته است مرور می کنیم. وی اظهار داشت: توجه فیلسوف به زبان و شعر عجیب نیست و هم زبانی فیلسوف با مخاطبش را ضروری می داند و بر همین اساس در کتاب فارابی فیلسوف فرهنگ می کوشد زمان و زبان فارابی را درک کرده و با او هم زبان شود.

دختر این فیلسوف برجسته ادامه داد: رضا داوری نحوه زبان را موجب آشفته گی ذهن دانسته و در کتاب فارابی فیلسوف فرهنگ زبان فارابی را درک کرده با مخاطبش هم زبان شود داوری بر آن است که آدمی از ابتدا زبان داشته است و آنطور نیست که به مرور زمان بهتر و کارآمدتر شده باشد. او به ویژه در خصوص زبان شعر تأکید می کند که کمال این زبان در طی تاریخ تحقق نیافته بلکه این زبان هم آغاز و هم کمال زبان است.

وی افزود: داوری دستیابی به مفهوم تاریخی بودن تفکر و اندیشیدن به زبان برهان را مرهون تلاقی دو فرهنگ در اندیشه او می‌داند. او بیگانگی با زبان گذشته را مانع درک قلمداد می‌کند و طرح زبان را پرسش از زبان بشر دانسته و بر این عقیده است که آدمی زبان اصیل خود را از دست داده و این همه برای گذراندن معاش است. نگار داوری اردکانی ادامه داد: پدرم معتقد است، هرچه زبان ما زنده‌تر باشد استعاره‌تر است و بر گفتمان قالب بر جهان امروز تأثیر می‌گذارد. در نظر داوری زبان اصیل، زبان اشاره و شعر است. زبان با شعر آغاز می‌شود و چون با هم بودن با زبان و شعر آغاز می‌شود زبان دوستی و راستی است؛ او شعر را حاصل هنر و حافظ طبیعت قلمداد می‌کند.

وی بیان کرد: داوری در خصوص عهد از دست رفته ابراز تأسف می‌کند که منتهی به عقل جزئی و عقل مشترک شده است و جای هم‌زمانی و هم‌داستانی را گرفته است. او یکی از اوصاف شعر را شادی‌بخش بودن آن می‌داند چون درد را آزاد می‌کند. در شعر تفکر و زبان یگانه است. او می‌گوید، در شعر مولوی زمانی که دست عرفان غلبه می‌کند شعر سست می‌شود و معتقد است نباید در شعر در جستجوی کارکرد آن بود.

دختر این فیلسوف برجسته ادامه داد: او توضیح می‌دهد که زبان رسمی به قصد و مرسوم است زبانی که در او قصد نباشد به چیزی گرفته نمی‌شود از نسبت متفاوت آنها سخن می‌گوید. وحدت صورت مضمون از زبان علم و عرفان کمتر است. زبان‌های شعر و فلسفه و علم را از جمله زبان‌های بی قصد و غرض می‌داند. و آن را در مقابل زبان سیاست قرار می‌دهد. نقطه مقابل شعر از منظر داوری، زبان دروغ است. در حالی که سخن شاعران حقیقی سخن بی قصد و غرض است زبان دروغ را قصدمند توصیف می‌کند. دروغ برای پوشاندن حقیقت و فضیلت عقلی باشد.

وی ادامه داد: در مجموع این فیلسوف معاصر ساختن و توانا کردن زبان را یک سودا می‌داند و این امر زبان را از منظر کلان می‌نگرد و معتقد است تا تفکر اصلاح نشود زبان نیز پرورده نمی‌شود. چرا که زبان و عقل جلوه‌های حقیقت واحد می‌داند. زبان وقتی اعتلاء پیدا می‌کند که تفکر تعالی داشته باشد. در نظر داوری سیر تاریخی بشر عادت و تقلید غلبه پیدا کرده و تفکر معنوی مورد غفلت قرار کرده است. شاعران هستند که با کنار زدن عادت‌ها و تقلید به تفکر معنوی دست پیدا می‌کنند.

او ادامه می‌دهد: داوری زبان شعر را زبان ازلی معرفی می‌کند بدین‌سان زبان شعر را از بند واژه‌ها فارغ می‌کند و اینجاست که شعر بستر حاصل وحدت زیبای معنا قرار می‌گیرد.

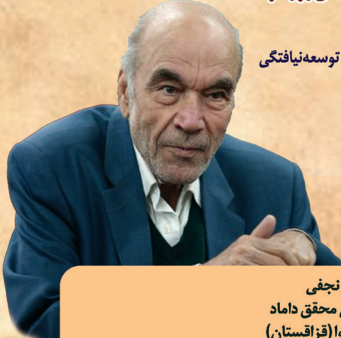
وی در پایان گفت: او معتقد است که زبان سیاست بر زندگی مردم غلبه کرده و دروغ امری عادی شده و سیاست امروز کل زندگی اجتماعی را در بر گرفته بر نظر این فیلسوف در جهانی که غایت آن تملک، تصرف و قدرت است همه چیز از جمله زبان در خدمت غلبه در می‌آید و دست آخر این پرسش را مطرح می‌کند اگر زبان خادم غلبه باشد چگونه می‌تواند ملتزم به راستی شود؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌کند

«داوری» در ترازوی داوری

Revisiting Reza Davari's Philosophy and Social Theory

نگاهی به آثار و آراء دکتر رضا داوری اردکانی
به مناسبت نودمین سالروز تولد استاد



محورهای نشست:

- فلسفه اسلامی
- اسلامی‌سازی معرفت
- مدرنیته و پسا مدرنیته
- فلسفه غرب و گفت‌وگوی بین‌تمدنی
- علم و مسئله دانشگاه
- فلسفه تاریخ
- زبان‌شناسی



موسی نجفی
سید مصطفی محقق داماد
سَمال تولوبایوا (قرقستان)
بهار داوری (آمریکا)
قاسم پورحسن
حسین کلیاسی
رضا سلیمان حشمت
محمدعلی فتح‌اللهی
سیدمحمدتقی چاووشی
سیدحسین حسینی
سیدمحمدتقی موحدابطحی
و
سایر سخنرانان

شنبه و یکشنبه ۶ و ۷ خرداد ماه ۱۴۰۲ ساعت ۹ تا ۱۹

بزرگراه کردستان، خیابان دکتر آینه‌وند، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن تمدن

لینک حضور مجازی:

<https://webinar.iics.ac.ir/b/ihc-jvh-hew-fq7>

دکتر داوری:

روشنفکران به سخن من وقعی نمی‌نهادند چنان‌که تاکنون هم نهاده‌اند

در ابتدای مراسم «داوری در ترازوی داوری» به مناسبت نودمین سالروز تولد استاد داوری، پیام تصویری دکتر داوری برای حاضران در نشست و همچنین مخاطبان برخط این سمینار پخش شد که در ادامه متن سخنان وی از نظرتان می‌گذرد:

یافته‌هایی که با جوهر جان نوشته‌ام

بسیار ممنون و خوشبختم که آثار و نوشته‌هایی که حاصل ۶۰ سال مطالعه دائم بوده است برای اولین بار مورد توجه و نقد اهالی علم و فرهنگ قرار می‌گیرد. آنچه خود درباره آنها می‌توانم و باید بگویم این است که اینها حاصل پژوهش نیستند بلکه بیشتر یافته‌هایی هستند که آنها را به جان پرورده و با جوهر جان نوشته‌ام و البته می‌دانم که جان‌ها همواره پرورش دهنده حقایق نیستند و دچار خطا و لغزش می‌شوند پس به فرض اینکه سخنی از دل برآمده باشد آن را نباید معاف از نقد دانست.

نکته دیگر این است که هر آنچه نوشته‌ام فلسفه است اما هرگز خود را در پژوهش‌های تاریخ فلسفه محدود نکرده‌ام. در حدود ۷۰ سال پیش، نوشتن را با روزنامه‌نویسی آغاز کردم. از آن زمان تاکنون در جهان و ایران حوادثی روی داده و تحولاتی صورت گرفته است که کمتر کسی تصور آن را می‌کرده است. در کشور ما با پایان یافتن دهه ۳۰ قرن چهاردهم هجری شمسی، سکوتی که بر اساس کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ پدید آمده بود، تا حدودی شکسته شد و مخصوصاً در شعر، ادب، سیاست و روشنفکری، نشانه‌هایی از تحول پدیدار گشت.

بنده ناظر این شرایط بودم و با آن همدلی‌ها داشتم اما در مسیر آن وارد نشده و ترجیح دادم در حاشیه بمانم و در حاشیه ماندنم را به این صورت توجیه می‌کردم و هنوز آن را موجه می‌دانم که کار سیاست و فلسفه و روشنفکری نباید خلط شود اما مگر ما راه خانه فلسفه را می‌شناختیم و به آن نزدیک بودیم؟ اگر می‌شناختیم چه نسبتی با آن داشتیم؟ مارکس می‌گفت که فیلسوفان باید جهان را تغییر دهند. اگر این سخن را بپذیریم فلسفه را از سیاست و جامعه نباید دور نگاه داشت. البته سخن مارکس قابل چون و چراست اما با آن نگاه به فلسفه اندکی تغییر کرده یا بهتر بگویم، سخن مارکس نشانه تغییر نگاه به فلسفه است.

اهمیت فیلسوفان قدیمی به اخلاق و سیاست

راستی آیا فیلسوفان صرفاً جهان را تفسیر کرده بودند و به تغییر آن نظر نداشتند؟ پس تکلیف طرح مدینه افلاطونی چه می‌شود؟ چرا همه فیلسوفان قدیمی به اخلاق و سیاست اهمیت می‌دادند. طرح مدینه ضرورتاً ناظر به تغییر جهان نیست بلکه بیشتر ناظر به حفظ جوهر اخلاق و سیاست و پیروی از خرد ثابت دارد؛ مثلاً فارابی که از مدینه فاضله گفت بیشتر مفسر ارسطو بود و به فضیلت عقلی توجه داشت. او در طرح مدینه فاضله خود، بیشتر از آرای اهل مدینه و صفات و آموزگاری رئیس آن سخن گفت در حالی که فیلسوفان قدیم بیشتر به خرد جاویدان اعتقاد داشتند و فکر می‌کردند باید به چیزها همان‌گونه که هستند توجه کرد و قصد دگرگونی آنها را نداشت. این نشان می‌دهد که فیلسوف فقط به مباحث انتزاعی نمی‌پردازد بلکه فلسفه معتقد است که چیزها نظم و سامانی دارند و اگر دچار پریشانی و آشوب شوند چیزی نیستند که بمانند.

فلسفه پاسداری از وجود است و جهان تفرقه و پریشانی از وجود، دور است. فلسفه به معنای تفکر باید باشد تا کارها را تذکر دهد. البته اگر نباشد پریشانی، نابه‌سامانی و ندانم‌کاری همه جا را می‌گیرد. پیدا بود که من با این تلقی از جهان روشنفکری دور می‌ماندم و روشنفکران هم به سخن من وقعی نمی‌نهادند، چنانکه تاکنون هم نهاده‌اند. البته بنده هم اندکی از سوسیال دموکراسی و لیبرال دموکراسی باخبر بودم اما نمی‌خواستم اینها پیله‌هایی شوند که فکر و روح من را در حصار خود قرار دهند و نسبتم را با آنچه می‌گذرد قطع کنند. نمی‌خواهم از تنهایی خود چشم‌پوشی کنم مخصوصاً از همان اوان جوانی و مخصوصاً در چند دهه اخیر مورد لطف و احسان دانشمندان، استادان و دانشجویان و گروه‌هایی از جوانان کتابخوان بوده‌ام و این لطف در حدی است که توهین‌ها و تهمت‌ها در برابر آن هیچ است.



امتیاز لطف این مجلس توجه به نوشته‌ها و نقد آنهاست که تاکنون به تأخیر افتاده بود. من می‌دانستم که کارم بیهوده نبوده و پس از مرگم حجاب‌های زمان برداشته می‌شود و نوشته‌های من هم در حد جوهری که دارند جایی پیدا می‌کنند اما مقدر این بود که چندان دیر بمانم تا جمعی بزرگ از اهالی علم و دانش به بررسی آثارم پردازند و این بررسی در بزرگترین پژوهشگاه علوم انسانی کشور صورت گیرد.

تشکر از دانشمند گرامی، دکتر نجفی

از دانشمند گرامی آقای دکتر نجفی، ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که با برگزاری این مجلس موافقت کرده و با لطف خاص خود از آن حمایت کردند، بسیار سپاسگزارم. استاد گرانمایه آقای دکتر سیدجواد میری، بانی و برگزار کننده این مجلس هستند که بزرگوارانه مدت زیادی از وقت گرانبها و همت بلند خود را صرف برگزاری این مجلس کردند که نمی‌دانم با چه زبانی شکر احسان ایشان را به جای آورم، اما می‌دانم باهم؛ هم‌سخنی‌ها، همدلی‌ها و همدردی‌ها داریم و همه اینها به تعبیر ایشان فقط در یک کلمه می‌گنجد، و آن اینکه، عشق اولسون

ابیاتی که وصف حال من نیست اما...

از دانشمندان، فاضلان و استادانی هم که نوشته‌های بنده را نقد می‌کنند سپاسگزارم و از آنچه می‌گویند، درس می‌آموزم. درست است که دیگر مجال تجدیدنظر در نوشته‌ها را ندارم اما همین که نظر نقادان را بدانم، غنیمت است. به قول ابوریحان بیرونی؛ بدانم و بمیرم بهتر از آن است که ندانم. می‌خواستم وصف حالی از اکنون و این روزهایم را بگویم اما فکر کردم ابیاتی که سعدی در زمان پیری خود گفته برای شما بخوانم:

این ابیات همگی وصف حال من نیست اما هر سالخورده‌ای کمابیش وضع و حال خود را در سخن شاعر می‌خواند. رجوع من به شعر، یک وجه دیگر هم دارد و با آن می‌خواهم بگویم من به هوش مصنوعی دل نبسته‌ام بلکه هنوز امیدم به شعر و فلسفه است و شاید این ابیات، مصداق شعری که بشارت و انذار می‌دهد و زمان آینده را می‌نمایاند، نباشد اما به هر حال شعر سعدی وصف حال ایام پیری شاعر است. ابیات را می‌خوانم و با سپاسگزاری خود سخن را ختم می‌کنم:

دریغ روز جوانی و عهد برنایی
سر فروتنی انداخت پیری‌ام در پیش
دریغ بازوی سرپنجه‌گی که برپیچد
زهی زمانه ناپایدار عهد شکن
که اعتماد کند بر مواهب نعمت
به‌زارتر گسلی هر چه خوب‌تر بندی
به عمر خویش کسی کامی از تو برنگرفت
اگر زیادت قدرست در تغیر نفس
مرا ملامت دیوانگی و سرشغبی
شکوه پیری بگذار و فضل و ادب
چو با قضای اجل بر نمی‌توان آمد
سخن دراز مکن سعدیا و کوتاه کن

نشاط کودکی و عیش خویشتن رأیی
پس از غرور جوانی و دست بالایی
ستیز دور فلک ساعد توانایی
چه دوستی‌ست که با دوستان نمی‌پایی
که همچو طفل ببخشی و باز بربایی
تباه‌تر شکنی هر چه خوش‌تر آراییی
که در شکنجه ناکامی‌اش نفرساییی
نخواستم که به قدر من اندر افزاییی
تورا سلامت پیری و پای برجاییی
کجاست جهل جوانی و عشق و شیدایی
تفاوتی نکند گریزی و داناییی
چو روزگار به پیرانه سر به رعناایی

پیام تبریک رئیس دانشگاه قزاقستان به مناسبت نودمین سالروز تولد استاد داوری

پروفسور سریک ماکوش، رئیس دانشگاه ملی اوراسیایی گومیلیوف جمهوری قزاقستان به مناسبت برگزاری کنفرانس دو روزه «داوری در ترازوی داوری» به میزبانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ایران و همچنین به مناسبت نودمین سالروز تولد استاد رضا داوری اردکانی پیام تبریکی منتشر کرد.

همچنین اخبار این کنفرانس توسط بنیاد ابن سینا در روسیه منتشر و اطلاع رسانی شد که در آن به اسامی سخنرانها و موضوعات مورد بحث اشاره شده است. در پیام تبریک بنیاد ابن سینا (حمید هادوی، رییس بنیاد مطالعات اسلامی ابن سینا در روسیه) آمده است:



«جناب استاد دکتر رضا داوری اردکانی

بنیاد مطالعات اسلامی ابن سینا در روسیه و همه پژوهشگران همکار در موضوعات فلسفه اسلامی و علوم عقلی، بزرگداشت ۹۰ سالگی شما را تبریک می گوید. خدمات علمی و تفکری شما بر همگان آشکار است و اندیشمندان روس هم در طی حضور و سخنرانی شما در کنفرانس فلاسفه روسیه در دانشگاه دولتی مسکو و همچنین کنفرانس فلسفی در انستیتو فلسفه آکادمی علوم روسیه، با گوشه‌ای از دانش و تفکر عمیق شما آشنا شدند و همچنین ترجمه و انتشار اثر شما با موضوع فارابی مورد توجه محققین روس واقع شد.

گزارش نشست هشتم از سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی:

تحلیل و بررسی نقش فضای مجازی بر فعالیت‌های سیاسی اجتماعی جوانان ایران زمین

هشتمین نشست از سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی با عنوان «تحلیل و بررسی نقش فضای مجازی بر فعالیت‌های سیاسی اجتماعی جوانان ایران زمین» دوم خردادماه با حضور پژوهشگران، کارشناسان و علاقه‌مندان به مباحث و مسائل علوم ارتباطات و فضای مجازی در رابطه با فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به‌ویژه ارتباط با اندیشه‌ها و رفتارهای جوانان و نوجوانان در سالن ادب پژوهشگاه برگزار شد. در این نشست دکتر سیدجواد میری، استاد جامعه‌شناسی تطبیقی پژوهشگاه؛ دکتر محمد مهدی فتوره‌چی، پژوهشگر علوم ارتباطات و فضای مجازی دانشگاه تهران و دکتر داود مهرابی، استادیار علوم ارتباطات پژوهشگاه به سخنرانی پرداختند و ضمن ارائه تحلیل و ارزیابی خود از ابعاد مختلف فعالیت‌های مجازی جوانان و نوجوانان در شبکه‌های مجازی، به نقش رسانه‌های مجازی مختلف در شکل‌گیری وقایع و حوادث سال ۱۴۰۱ در کشور پرداختند.

دکتر نصیری:

رسانه‌ها صرفاً ابزار نیستند و به‌نوعی وجود و هستی ما را تعیین می‌کنند



دبیر علمی این نشست، دکتر بهاره نصیری، استادیار علوم ارتباطات و مدیر فرهنگی پژوهشگاه در ابتدای جلسه ضمن خوشامدگویی به حاضران، از ریاست و معاونان پژوهشگاه به‌ویژه معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی بابت برگزاری این سلسله‌نشست‌ها و توجه به ابعاد و زوایای مختلف مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور قدردانی کرد. دکتر نصیری با اشاره به موضوع نشست و عناوین سخنرانی سخنرانان گفت: در این نشست که از سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی با عنوان «تحلیل و بررسی نقش فضای مجازی بر فعالیت‌های سیاسی اجتماعی جوانان ایران زمین» است، دکتر فتوره‌چی با موضوع «نقش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در هویت‌سازی و برساخت هویتی نوجوانان و جوانان»؛ دکتر میری با موضوع «جایگاه جوانان در تغییر و تحولات آینده ایران»؛ و دکتر مهرابی با موضوع «الزامات استفاده اثربخش از رسانه‌های اجتماعی» سخنرانی خواهند کرد. این پژوهشگر علوم ارتباطات با اشاره به همزمانی برگزاری این نشست با هفته جهانی ارتباطات و تریک آن گفت: این تعبیر که گفته می‌شود محتوا در ارتباطات، پادشاه است ولی می‌توان موارد و مسائل مهم‌تر و بیشتری همچون اتخاذ رویکرد همدلانه با پیام‌ها اعم از فردی یا اجتماعی و به‌صورت مکتوب، دیداری یا شنیداری در کنار رمزگشایی از محتوای آنها، هنر خوب صحبت کردن، استخراج اطلاعات و خرد از میان واژه‌ها، مشارکت در یک گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز درباره موضوعات با یکدیگر و نه درباره یکدیگر و... را نیز در حوزه ارتباطات طرح کرد. مدیر فرهنگی پژوهشگاه به‌منظور طرح مقدمه و بستر لازم برای طرح مسائل در ارتباط با موضوع نشست با اشاره به کلیدواژه‌های موضوع مورد بحث، یعنی فضای مجازی و جوانان به طرح این سوال پرداخت که رسانه‌ها و شبکه‌ها در عصر ما چه جایگاه نقشی دارند و ادامه داد: «رسانه‌ها صرفاً ابزار نیستند و می‌توانند ساختار، فضا و محیط زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده و در واقع، در امتداد وجود و هستی ما قرار می‌گیرند و تمام حواس ما اعم از بینایی، شنوایی و... به نوعی تحت تأثیر این ابزارهای رسانه‌ای قرار می‌گیرند. بنابراین مراد ما از این تکنولوژی‌ها، تکنولوژی‌های فرهنگی است، یعنی کارکردشان فراتر از ابزار است».

وی در ادامه گفت: کارکرد اصلی و اولیه این تکنولوژی‌ها تولید، توزیع و کاربست معناها و نمادهای مختلف است که می‌توانند دلالت‌های معنایی اولیه و ثانویه متفاوتی داشته باشند. امروزه تکنولوژی‌های نوظهور، نحوه خواندن، نوشتن، صحبت کردن و اندیشیدن ما و حتی نحوه بودن ما را تعیین می‌کنند. دکتر نصیری با طرح بحث عبور از رسانه‌های جمعی به فردی گفت: شاید بتوانیم بگوییم به تعداد افراد روی زمین رسانه فردی وجود دارد. هر کدام از ما رسانه خود همچون گوشی، تبلت و لپ‌تاپ متعلق به خودمان را داریم و این نشان می‌دهد که ما خواه ناخواه در محیطی زندگی می‌کنیم که زندگی ما رسانه‌ای شده است. در ایران به تکنولوژی به مثابه یک ابزار نگاه می‌شود، در حالی که فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی صرفاً ابزار نیستند بلکه یک شیوه زیست اجتماعی را شکل داده‌اند.

با تغییر سبک زندگی، امروزه با نسلی بسیار داناتر، تواناتر و عمیق‌تر از نسل‌های گذشته مواجهیم

وی به منظور پیوند موضوع فضای مجازی با جوانان و نوجوانان تأکید کرد: یکی از بهترین بسترها برای بررسی این پیوند، ملاحظه آن در بستر خانواده است. در عصر ظهور رسانه‌های دیجیتال، خانواده‌های ایرانی هم دچار سبک زندگی دیجیتال شده‌اند، ما با مادران رسانه‌ای و پدران دیجیتالی در عصر حاضر مواجه هستیم. اگر با نگاه جامعه‌شناسانه، چنانکه گیدنز در بحث از سبک‌ها و مدل‌های خانواده اشاره می‌کند، به این موضوع نگاه کنیم می‌توان گفت در گذشته نوع رابطه در خانواده از نوع اقتدارگرا بود، یعنی پدر خانواده مسئول کنترل همه امور و صاحب قدرت بود ولی امروز ماتریس رابطه‌ها تغییر کرده است و افراد در خانواده براساس ویژگی‌های اکتسابی می‌توانند صاحب قدرت باشند. مثلاً حتی فرزند کوچک خانواده با توجه به آشنایی بیشتر با فضای مجازی می‌تواند صاحب قدرت باشد. امروز با نسلی مواجه هستیم که بسیار داناتر، تواناتر و خیلی عمیق‌تر از نسل پدران و مادرانشان هستند. دکتر نصیری تأکید کرد: «درواقع، امروزه ما با سبک زندگی موبیتال، که ترکیب واژه‌های موبایل و دیجیتال است، روبه‌رویم. ما با ایجاد حساب کاربری در فضای مجازی، در این فضا اعلام حضور می‌کنیم و فعالیت‌های مختلف ما اعم از سرگرمی، کسب خبر، یادگیری و حتی آموزش ما از این فضا دریافت شده و از آن به شدت متأثر است.»

مدیر فرهنگی پژوهشگاه با اشاره به رویکرد خودبیان‌گری و خودابرازی جوانان در رسانه‌های مجازی گفت: جوانی که به دنبال خودابرازی است و هر اتفاقی را دست‌مایه دیده شدن خود قرار می‌دهد و دست به تولید محتوا می‌زند. این تولید محتواها و خودبیان‌گری‌ها به صورت‌های مختلف با ارائه متن، تصویر یا صوت یا سایر تعاملات همچون پیام گرفتن، پخش زنده و... انجام می‌شود و بدین شکل جوان یا نوجوان خود را در فضای اجتماعی نشان می‌دهد. وی در ادامه تأکید کرد: مشکل اینجاست که در این فرهنگ اشباع از اطلاعات، ما و فرزندانمان ذهن خود را روی پردازش خودکار (اتوپایلوت) می‌گذاریم. خودمان را به دست رسانه‌ها می‌سپاریم و خانواده‌ها اغلب فرزندان و نوجوانان خود را در این فضا رها کرده و این رسانه‌ها هستند که فرایند فکری و بینش رسانه‌ای ما را شکل می‌دهند.»

دکتر نصیری تأکید کرد: با وجود اینکه فضای مجازی در بستر اینترنت یکسری فرصت‌هایی را برای ما ایجاد کرده است، اما این واقعیت را نباید نادیده گرفت که تمام این ربات‌ها، ماشین‌ها، الگوریتم‌های کامپیوتری، نرم‌افزارها و... هرگز روح نخواهند داشت، هرگز اخلاق را نمی‌توانند معنا کنند، هرگز نمی‌توانند انسانیت را بفهمند. فقط با کدهای صفر و یک سروکار دارند. بنابراین با وجود اینکه در بسیاری از حوزه‌ها، انسان‌ها به مدد این فناوری‌ها و دستگاه‌ها کاراتر شده‌اند، اما موضوع مهم این است که بدانیم ذخیره اطلاعات و داده‌هایی که به یک سیستم داده شده است، ممکن است نادرست یا مغرضانه باشد پس راه‌حلی که ارائه می‌دهد قطعاً نمی‌تواند کاملاً درست و مناسب باشد، بنابراین باید به سمت توسعه ویژگی‌های فردی با کمک بحث سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی رفته و مصرف مسئولانه‌تری در استفاده از فضای مجازی و دریافت محتواهای آن داشته باشیم.

وی در پایان گفت: حال باید دید در این فضای مجازی جایگاه جوانان ما و تأثیراتی که می‌تواند بر شکل‌گیری هویت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنها داشته باشد به چه صورت است؟ نقش گروه‌های مرجع یا سلبریتی‌ها در این فضا می‌تواند به چه صورت باشد؟ بحث اعتماد اجتماعی و جوانان، امید و جوانان، بحث والدگری رسانه‌ای و جوانانی که در بستر خانواده‌ها حضور دارند و از آن بستر در حال برقراری ارتباط با دنیای پیرامون خود هستند، به چه صورت خواهد بود؟

دکتر فتوره‌چی:

امروزه گوشی‌های هوشمند جزو جدایی‌ناپذیر و هویت‌ساز کاربران شده است



دکتر محمدمهدی فتوره‌چی یکی از سخنرانان این نشست بود که با موضوع «نقش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در هویت‌سازی و برساخت هویتی نوجوانان و جوانان» به سخنرانی پرداخت و گفت: ما در عصری زندگی می‌کنیم که یک جهان فرهنگی جدید در حال شکل‌گیری است و ذائقه نوجوانان و جوانان ما تغییر کرده است. این کارشناس علوم ارتباطات و اطلاعات با اشاره به قابلیت‌های مختلف فضای مجازی که منجر به گرایش کاربران فضای مجازی و جوانان و نوجوانان به آن شده است با اشاره به نتایج تز دکتری‌اش گفت: با مقایسه اطلاعات موجود از کشورهای مختلف در زمینه گرایش و استفاده جوانان و نوجوانان از فضای مجازی همچون فرانسه با ایران می‌توان دریافت هرچند زمینه گذران اوقات فراغت یا اشتغال جوانان در آن کشور فراهم است یا امکانات متعددی برای گذران اوقات فراغت در اختیار دارند، میزان رجوع جوانان در هر دو کشور به فضای مجازی مشابهت زیادی دارد، چراکه این فضا چندکاره بوده و قابلیت‌های بسیاری دارد و صرفاً فقدان اشتغال یا فراهم نبودن اوقات فراغت جوانان ایرانی در فضاهای حقیقی باعث رجوع به این فضا نمی‌شود.

دکتر فتوره‌چی در ادامه سخنرانی خود برخی از ویژگی‌های خوب و بد تلفن همراه را برشمرد و ادامه داد: امروزه گوشی‌های هوشمند به کاربران کمک کرده است تا دسترسی سریع‌تری به فناوری‌های مصرفی در جهان حتی سریع‌تر از ارتباطات اینترنتی داشته باشند. امروزه گوشی‌های هوشمند جزو جدایی‌ناپذیر و هویت‌ساز کاربران عصر ما شده است، به اصطلاح جزئی از بدن آنها شده است. مثلاً گاهی که فراموش کرده و گوشی خود را در منزل جا گذاشته‌ایم، باوجود طی کردن مسافت زیادی، بازمی‌گردیم تا گوشی همراه خود را برداریم. حتی گوشی همراه مهم‌تر از اشیائی چون طلا، ساعت لوکس و... در برخی نظرسنجی‌ها به‌عنوان یکی از چند کالایی نام برده شده است که انسان‌ها از دزدیده شدن آنها هراس دارند. این نشان از پیوستگی این فناوری و استفاده از آن توسط انسان‌ها است. امروزه از تلفن‌های همراه و پیام‌رسان‌ها برای گسترش ارتباطات استفاده می‌کنیم و تمام تعاملات انسانی و تجاری امروز ما را تحت‌الشعاع قرار داده است. گوشی‌های همراه یکی از مهم‌ترین کالاهای سحرآمیز، چالش‌برانگیز و عامل نگرانی اغلب کاربران حتی پس از مرگ است، به‌نحوی که در یک نظرسنجی در ایتالیا شهروندان این کشور گوشی همراه را یکی از اقلامی ذکر کرده‌اند که دوست دارند هنگام مرگ در قبر با ایشان دفن شود! گوشی همراه امروز باعث پدید آمدن یک نگرانی و ترس در بین کاربران شده که در گذشته تجربه نشده و آن ترس از دست دادن گوشی موبایل است. امروزه گوشی همراه مبدل به عامل مهم حواس‌پرتی کودکان و نوجوانان شده است و به واسطه محرک‌های سمعی و بصری و تأثیرات زیادی که در روح و روان کودکان ما می‌گذارد، طبیعتاً ایجاد وابستگی‌هایی می‌کند، لذا، از آن نمی‌توان به‌راحتی دل‌کنند. بنا بر تحقیقات یک پژوهشگر آمریکایی، نگرانی دانش‌آموزان از ورود تلفن همراه به مدارس و مخفی کردن گوشی در کلاس در مدارس آمریکا بیشتر از نگرانی استفاده نادرست از گوشی در بین آنان است. از سوی دیگر گوشی‌های هوشمند امروزه مهم‌ترین ابزار آموزشی در آموزش‌های ترکیبی است که به‌عنوان نمونه در دوران شیوع کرونا نقش برجسته‌ای داشت و گفته می‌شود شکاف دیجیتالی را حدود ۲۰ سال کاهش داد. همچنین گوشی همراه به شدت در تغییر هنجارهای اجتماعی و رفتاری کاربران مؤثر بوده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های تلفن همراه بازمی‌گردد به قابلیت چندکارگی آن، یعنی همزمان می‌توان از چند قابلیت تلفن همراه استفاده کرد و این امر البته موجب اختلال حافظه و کاهش تمرکز کاربرانه و ویژه نوجوانان می‌شود و روان‌شناسان که روی مغز انسان کار می‌کنند، معتقدند که این قابلیت منجر به در تنگنا قرار گرفتن مغز می‌شود.

در دوران نوجوانی مغز به لحاظ بیولوژیکی بازسازماندهی می‌شود

مدیر گروه رسانه و فرهنگ انجمن ترویج مسولیت اجتماعی سپس در بررسی ویژگی‌های دوره نوجوانی به حساسیت و شکل‌گیری هویت در این دوره اشاره کرد و گفت: «دوران نوجوانی دوره حساس رشد عصبی، انعطاف‌پذیری و دوره طوفانی فشار ناشی از تغییرات مهم در مغز است. لذا هر روز می‌تواند رفتار خاصی از نوجوان سر بزند. در این دوره والدین و مربیان تربیتی باید سعی کنند صبوری بیشتری داشته باشند. این دوران به گونه‌ای است که ترشحات هورمونی همچون تستسترون در نوجوانان و جوانان به شدت زیاد می‌شود، در شش ماه ابتدایی نوجوانی شش یا هفت برابر معمول نسبت به دوران کودکی می‌رسد و این باعث رفتارهای هیجانی و عصبی گسترده‌ای در نوجوان می‌شود. در دوران نوجوانی مغز به لحاظ بیولوژیکی به بازسازماندهی می‌پردازد. همان‌طور که در سازمان‌ها هنگام بازسازماندهی انتظار انجام مأموریتی نداریم، در مورد نوجوان هم نباید در این مقطع سنی انتظار انجام یک کار جدی را داشت. با درک این نکته می‌توان کمی بهتر با نوجوان رفتار کرد. در این دوره طبیعی است که رفتارهایی که با ریسک همراه است با نوجوان ارتباط تنگاتنگ دارد. نوجوانان به شدت هیجان‌خواه هستند و حتی از افرادی که باعث هیجان می‌شوند استقبال می‌کنند و این یکی از عوامل وابستگی به سلبریتی‌های ورزشی یا همسالان‌شان است. اینکه نوجوان به رفتار و کنش همسالان تمایل می‌یابد و سعی می‌کند به گروه همسال خود بپیوندد ناشی از اقتضائات دوره نوجوانی است. نوجوانان به شدت از اجتماعی شدن برای هویت‌بخشی استقبال می‌کنند و راه رفع این نیاز را امروزه فضای مجازی فراهم کرده است. از آنجا که امروزه فرصت‌های کافی برای هویت‌یابی در تعاملات حضوری وجود ندارد نمی‌توان ایرادی به نوجوانان و جوانان گرفت که چرا زمان زیادی را در فضای مجازی سپری می‌کنند». ویژگی مهم دیگر نوجوانان این است که خصلت و رفتار آنان در فضای مجازی بشدت متأثر از کنشگری‌هایی است که در جهان واقعی صورت می‌گیرد لذا، این دو جدا از هم نیستند و اغلب رفتارهای نوجوانان در فضای واقعی هم متأثر از فضای مجازی است و بالعکس.

امروزه مهم‌ترین عامل هویت‌بخش جوانان و نوجوانان و جامعه‌پذیری آنان فضای مجازی است

این پژوهشگر فضای مجازی در ادامه به بررسی نسبت فضای مجازی و هویت‌جویی کاربران نوجوان و جوان پرداخت و گفت: اساساً هویت بدون تعامل با دیگران معنی پیدا نمی‌کند. البته در گذشته بیشتر هویت‌های بقا برای ما مهم بود ولی امروزه این ارزش‌ها جای خود را به خوداظهاری یا خودابرازی داده و لذا بدون تعامل و ارتباط با دیگری هویتی بر ساخت نمی‌شود. کاربران امروز برای هویت‌یابی به دنبال خوداظهاری یا خودابرازی هستند و آن ارزش‌های هویت بقا که به هستمندی ما اشاره داشت، دیگر نسبتاً رنگ باخته است. از سوی دیگر فضای مجازی محیط مساعدی برای ارتباطات نمادین و بازنمایی هویت‌های نو و خویش ساخته است. در اینجا مقوله تمایز یافتگی یا تمایزجویی که از ویژگی‌های نسل پست مدرن است، بهتر تجلی پیدا می‌کند. این قابلیت برخلاف گذشته وجود دارد که کاربر نوجوان یک هویتی را به نمایش بگذارد که در میان همسالان خودش نبوده و تجربه نشده است، فقط به این دلیل که دنبال‌کننده (فالوئر) بیشتری داشته باشد یا پسند (لایک) بیشتری بگیرد. همچنین ویژگی دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که فردگرایی کاربران بنا به تعبیر استاد ساروخانی زمینه‌ساز پیدایش خانواده‌های سلولی است. چنین زمینه‌ای امروزه فراهم شده و هر کدام از اعضای خانواده با یک دستگاهی در گوشه‌ای مشغول تعامل با جهان خودشان هستند. در واقع، آنچه ویلیام گود از آن به عنوان پبله‌های تنهایی یاد می‌کند عملاً امروزه اتفاق افتاده است. امروزه مهم‌ترین عامل هویت‌بخش جوانان و نوجوانان و جامعه‌پذیری آنان فضای مجازی است. کاربران نوجوان و جوان در عصر حاضر به شدت تحت تأثیر فضای مجازی هستند و به نظر می‌رسد در این فضا مرتباً در حال بر ساخت هویت خودشان هستند. طبیعتاً این فضا عامل ترویج روابط بدون تعهد است (Hook-up generation). برای این نسل گویی تعهد هیچ معنایی ندارد و چنان‌که در پست‌مدرن‌ها هم شاهد هستیم، نسلی هستند که به دنبال لذت حداکثری و لذت جویی به هر شکل و قیمتی هستند. در همین ارتباط یک آمار منتشر شده نشان می‌دهد که تقریباً ۵۰٪ دانش‌آموزان پایه ۱۰ آمریکایی، تجربه مقاربت جنسی داشته‌اند که شاید یک عامل آن، توسعه و گسترش ارتباطات با جنس مخالف در فضای مجازی باشد.

امروزه مفهومی طرح شده است که هویت با اکنون پیوند خورده است. تعبیر «همین الان، یهویی» که در تویتر به شدت رواج دارد، نشان‌دهنده این واقعیت است که آنچه در زمان حال دارد اتفاق می‌افتد، به شدت در تغییر هویت ما مؤثر است. یکی دیگر از عوامل بسیار مهم و مؤثر در هویت‌جویی نوجوانان این عصر، تبعیت از گروه‌های همسال یا همال و انگیزه برای کسب محبوبیت بیشتر و گرفتن هوادار بیشتر است. امروزه شاهدیم که فضای مجازی و پیام‌رسان‌های اجتماعی عاملی است برای تمایز یافتگی یا داشتن یک پرستیژ اجتماعی متفاوت و مقایسه خود با دیگران...

فشار همسالان از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری هویت نوجوانان است

مدیر علمی انجمن سواد رسانه‌ای ایران سپس ذیل بحث شهرت و هویت به نقل قولی از «مارک زاگر برگ»، بنیانگذار فیسبوک اشاره کرد که گفته است: فکر می‌کنم آرزوی اصلی مردم این است که نشان دهند چه کسی هستند، و این آرزوی همیشگی آنان است. دکارت هم معتقد بود که من فکر می‌کنم پس هستم. (Je pense donc je suis) اما امروز شأن هستومندی به لایک کردن کاهش پیدا کرده است. هویت ما در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد و امروزه، چنان‌که گافمن می‌گوید، امکان ایفای نقش‌های متفاوت در فضای مجازی فراهم است، امکانی که در گذشته کمتر شاهد آن بوده‌ایم. امروزه رسانه‌های اجتماعی با یکی از نیازهای اصلی بشر که خودافشایی است، تلاقی یافته است و این نیاز به خود افشایی، گاهی به شدت با سیستم پاداش درگیر می‌شود. این اتفاق که کاربران در موقعیت‌های مختلف می‌گویند «من الان»، که این عبارت در تویتر دو برابر سایر پیام‌رسان‌ها تکرار می‌شود، گواهی است بر اشتیاق دیده شدن است. مطابق نظر «اندی وار هول» در سال ۱۹۶۰ پانزده دقیقه زمان برای شهره شدن نیاز بود و لازم بود که فرد طالب شهرت یک هنرنمایی انجام می‌داد اما امروزه این زمان به شش ثانیه کاهش پیدا کرده است. نوجوان یا جوان بدین منظور اگر نیاز باشد حتی با یک مقدار هنجارشکنی، به دنبال شهره شدن در این مدت کم و دیده شدن است. اینکه سلبریتی‌ها هرکاری می‌کنند تا دنبال‌کنندگان کاهش پیدا نکند به این دلیل است که نفع مادی برایشان مهم است، بنابراین از این فرصت استفاده می‌کنند و حتی کارهای نامتعارف و هنجارشکنانه هم انجام می‌دهند و بعد در یک فرصت بعدی عذرخواهی می‌کنند که همان هم باعث دیده شدن بیشتر می‌شود. امروزه رسانه‌های اجتماعی مهم‌ترین عامل کسب هنجارهای فرهنگی و اجتماعی و نمایش جذابیت‌های فیزیکی و ترویج نابهنجاری‌هاست. یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها در جوامع اسلامی و ارزش‌مدار این بُعد آسیب‌زاست که متأسفانه برخی از کاربران به این سمت گرایش پیدا می‌کنند.

وی با تشریح مفهوم مدیریت تصویرپردازی و طرح آن از سوی خانم اولز گفت: مفهوم مدیریت تصویرپردازی (خودبیانگری) فرایندی برای کنترل و مدیریت تصویر از خودمان در ذهن دیگران است که این در دوره نوجوانی به حد اعلای خود می‌رسد. یکی دیگر از عوامل مهم در شکل‌گیری هویت نوجوانان، فشار همسالان در شکل‌گیری هویت نوجوانان است. نوجوان به شدت تأثیرپذیر از کسانی می‌شود که با آنها تعامل دارد، به‌ویژه کسانی که تحت تأثیر اخلاق و منش و روش آنها هستند. تعبیر خودپنداره نابالغ تصویری است که ما از خودمان می‌سازیم و آن تصویری نارس و ناقص بوده و یا کامل نیست. برداشت نادرستی که از خودمان داریم و این عامل باعث می‌شود که ما تصاویر نادرست را هم واقعیت تلقی کنیم. وی افزود: رفتارهای بد و هنجارشکنانه که موجب دریافت توجه، پسند و دنبال‌کننده بیشتر می‌شود منجر به درآمد بیشتر می‌شود. نباید فکر کرد که سلبریتی‌ها و شاخ‌های اینستاگرامی تابع نظام اخلاقی ما هستند. بازدید بیشتر از منظر آنها یعنی منفعت بیشتر.



هویت‌ها پیوسته در حال برساخته شدن در پرتو استیلای فرهنگ حاکم بر فضای مجازی هستند

این مدرس دانشگاه سپس به بیان ویژگی‌های خانواده‌های عصر اطلاعات و جامعه شبکه‌ای پرداخت و گفت: امروزه چنان‌که «گافمن» به طرح نظریه خانواده دوساحتی پرداخته است، ما با خانواده‌های اسمارتفونی و حاکمیت گوشی‌های هوشمند بر خانواده‌ها مواجهیم. البته این وضعیت یک مزیت‌هایی نیز همچون مراقبت از راه دور یا نظارت مجازی بر فرزندان یا به اصطلاح مادری از راه دور را دارد. هویت‌ها امروزه پیوسته در حال برساخته شدن در پرتو استیلای فرهنگ حاکم بر فضای مجازی هستند. در این فضا صرفاً ارزش‌های فرهنگی ما حاکم نیستند و فرهنگ جهانی بسته به تعاملات و میزان آشنایی مان با زبان‌های خارجی میزان تأثیرپذیری مان هم از فرهنگ‌های بیگانه در این فضا بیشتر است. خانواده امروزه در اثر عدم وضع حدود و ثغور، ناآگاهی از مهارت‌ها و فرهنگ استفاده از فضای مجازی، خودگشودگی، خودافشایی و تعاملات غیرهم‌سطح مخرب به شدت در معرض طلاق عاطفی، خیانت و فروپاشی قرار دارد. فرد گاهی آنچه درباره زندگی خصوصی خانواده است را در معرض نمایش دیگران می‌گذارد. آنچه باعث جذب جوانان و نوجوانان به این فضا می‌شود تعاملات غیر هم‌سطح است. این امکان در گذشته نبود، برای دسترسی به یک مسئول محلی در گذشته باید چند نفر واسطه می‌شدند اما امروزه این دسترسی برای نوجوان فراهم شده است که با یک سلبریتی ورزشی، هنری و... حداقل با نوشتن یک کامنت توهمین آمیز و یا مدحی ارتباط برقرار کند. خانواده امروزه به اصطلاح فست فودی شده است که حاصل ارتباطات سطحی و گذراست. به گفته یک روان‌شناس آمریکایی یک فرد سالم و متمکن با مهارت‌های ارتباطی بسیار بالا در بهترین حالت و داشتن سرمایه و انگیزه با ۱۱ نفر بیشتر نمی‌تواند ارتباط عمیق برقرار کند! خانواده امروزه در چنین فضایی تبدیل به ویرین شیشه‌ای شده که امکان اینکه همه رفتارهای ما از سوی مخاطبان دیده شود، افزایش پیدا کرده است.

دکتر فتوره‌چی ادامه داد: «وبر» در دوره مدرنیته از خانواده به‌عنوان اعضای محبوس در قفس آهنین یاد می‌کرد و امروزه خانواده به ویرین شیشه‌ای تبدیل شده است. امروزه والدین آرزومند سپری کردن اوقاتی خوش در مقابل یک موبایل یا رسانه‌ای چون تلویزیون با همدیگرند زمانی که سواد رسانه‌ای مطرح شد زمانی بود که جعبه جادویی به خانه‌ها آمد و این نگرانی ایجاد شد که اوقات گفت‌وگو با اعضای خانواده به شدت کاهش پیدا کرده است و امروزه جالب است که یکی از شاخص‌های خانواده سالم در عصر ارتباطات، این است که اعضای خانواده بتوانند گاهی یک برنامه تلویزیونی را با هم تماشا کنند. آنچه زمانی یک آسیب بود، الان یک آرزو شده است.



وی در ادامه گفت: خانواده امروز سلولی و از هم گسسته شده، فردگرایی رواج یافته، دچار توهم خوشبختی شده‌ایم، و در یک کلام امروزه خانواده مونیتوری شده است، تاجایی که به محض به دنیا آمدن کودک با دوربین از آن عکس می‌گیرند و گویی اولین چیزی که کودک می‌بیند صفحه دوربین است و آخرین چیزی که میت نیز مشاهده می‌کند، دوربین است و همه با او سلفی می‌گیرند و گویی باید در زمان ترک عزیزی از این جهان هم با وی عکس یادگاری بگیریم! امروزه خانواده تحت تأثیر رسانه‌های مختلف به اصطلاح عرفی شده است، یعنی نظام ارزشی که بر خانواده حاکم است به شدت تحت تأثیر عرف است و آنچه عرف در فضای مجازی به ما تحمیل می‌کند ناچاراً آن را تقلید می‌کنیم. یا اصطلاحاً گفته می‌شود، خانواده زنانه شده است. از آنجا که زنان لطیف، ظریف و حساس و زودرنج هستند، کاربران در این فضا هم همین ویژگی‌ها را پیدا کرده‌اند و آن بن‌مایه رفتار که در دوره پدرسالاری شاهد بودیم، الان بسیار کمتر شده است و در نهایت باید گفت، خانواده به شدت تحت تأثیر فرهنگ رسانه است.

رفتار برخط و ارزش‌های رسانه‌ای ما، فضای رسانه‌ای خانواده ما را شکل می‌دهد

دکتر فتوره‌چی در پایان سخنرانی خود در توصیه به والدین و مربیان تربیتی گفت: امروزه فضای مجازی و جهانی شدن ارتباطات و فرهنگ، عامل اصلی تغییر ارزش‌های فرهنگی جوامع است. امروزه مصرف نمایشی شده و فرهنگ مصرف در حال ترویج در جوامع است. ارزش‌های خانواده و مرزهای زناشویی در حال تغییر هستند. مدیریت و حفظ زیبایی‌های بدن برای کاربران اصل شده است. ارزش‌های سنتی در حال جایگزینی با ارزش‌های عقلانی هستند. به‌همین دلیل است که امروزه مخالفت با ارزش‌های سنتی به شدت از سوی جوانان و نوجوانان دیده می‌شود. به هر حال شبکه‌های اجتماعی اگر امروزه به‌درستی درک شود موجب تقویت مهارت‌هایی در نوجوان و جوان به‌ویژه مهارت‌های اجتماعی‌شان می‌شود. چون نوجوان علاقه‌مند به اجتماعی شدن و دیده شدن است، طبیعتاً وابسته به این فناوری می‌شود و امروزه گریزی از آن نیست. آنچه در امر تربیت رسانه‌ای و والدگری رسانه‌ای مهم است این است که رفتار برخط (آنلاین) و ارزش‌های رسانه‌ای ما، فضای رسانه‌ای خانواده ما را شکل می‌دهد. عدم هماهنگی میان پدر و مادر در انتقال آموزه‌ها (اصطلاحاً دو تربیتی شدن فرزندان) مبدل به یکی از آسیب‌های خانواده شده است.

وی در خاتمه افزود: باید امروزه بپذیریم که تلفن همراه، رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های لمسی سه عامل تحول‌زا و تغییر هنجارهای اجتماعی فرهنگی نوجوانان و جوانان است و باید تلاش کنیم فرزندان، ما را هم به‌عنوان یکی از دوستان و کاربران فضای مجازی، به گروه و کانال خود دعوت کنند.



دکتر سیدجواد میری:

می‌توان وقایع اخیر در کشور را به‌مثابه یک تحول اجتماعی دانست



دکتر میری، به‌عنوان دیگر سخنران این نشست با موضوع «جایگاه جوانان در تغییر و تحولات آینده ایران» به سخنرانی پرداخت و گفت: در مباحث جامعه‌شناسی، حوزه مربوط به مسائل جوانان، یک حوزه وسیع و مستقل است که درباره آن نظریات مهمی مطرح شده است و اساساً یک جامعه‌شناس باوجود پژوهش‌های گسترده در حوزه‌های مختلف اجتماعی، ممکن است تخصصی در مباحث متنوع حوزه جوانان یا نوجوانان نداشته باشد. من نیز متخصص جامعه‌شناسی جوانان به معنای دقیق کلمه نیستم اما به‌عنوان یکی از مسائل اجتماعی درباب جوانان هم اندیشیده‌ام و هم نکاتی را در سطح طرح موضوع مطرح می‌کنم تا مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد.

استاد جامعه‌شناسی تطبیقی پژوهشگاه، با اشاره به ضرورت بررسی و ملاحظه مباحث مربوط به جوانان در یک فضای انضمامی و مشخص از یکسو و اهمیت وجود نوعی هم‌افقی درباره مباحث مرتبط با حوادث مختلف به‌عنوان بستر لازم برای گفت‌وگو و اندیشه درباره آنها ادامه داد: در کشور ما از حدود شهریور ماه سال ۱۴۰۱، اتفاقاتی روی داد که شاید بتوان گفت، نقطه کانونی و بدنه اصلی این تحولات و حوادث، جوانان بودند. دو روایت در همان بجهت آن اتفاقات درباره این حوادث وجود داشت: یک روایت، روایتی بود که توسط افرادی در آن سوی مرزها برساخته و مطرح می‌شد که بنا بر آن این اتفاقات که در کشور در حال روی دادن است، انقلاب است. روایت دیگری نیز در داخل ایران برساخت می‌شد که هر آنچه در حال روی دادن است، اغتشاش و شورش است. این استاد جامعه‌شناسی با طرح دیدگاه خود به‌عنوان منظر دیگری میان این دو روایت درباره اتفاقات و حوادث کشور در سال ۱۴۰۱ گفت: این وقایع نه انقلاب است و نه شورش و اغتشاش، بلکه تحول اجتماعی است. اگر بپذیریم که این وقایع تحول اجتماعی است، نیاز داریم زبان تحول اجتماعی را درک کنیم. بسیاری از بازداشت‌شدگان وقایع اخیر که از میان نوجوانان و جوانان بودند حداکثر سن آنها حدود ۲۰ ساله بود، حتی معنای ایدئولوژی یا جهان‌بینی را نمی‌دانستند یا مثلاً مارکسیست یا لیبرالیست یا... نبودند. وی با اشاره به گزارش‌های مختلف از تعداد بازداشت‌شدگان وقایع اخیر، گفت این مشکل یک مسئله فردی نبوده، بلکه این وقایع یک مشکل یا مسئله اجتماعی است. چنان‌که سی‌رایت میلز، جامعه‌شناس آمریکایی می‌گفت: اگر یک حادثه صرفاً برای یک نفر یا دو نفر روی دهد مثلاً یک نفر بیکار شود یا دو نفر بیکار شوند، می‌توان گفت این مسئله، یک مشکل شخصی است ولی وقتی برای ۱۰۰ یا ۲۰۰ یا تعداد بیشتری این اتفاق روی دهد، دیگر نمی‌توان گفت، مشکل یا مسئله شخصی است بلکه ما با یک مشکل یا مسئله اجتماعی مواجه هستیم.

دکتر میری در ادامه تأکید کرد: از آنجا که جوانان یا نوجوانان هم در کانون این وقایع قرار داشتند، جنبه دیگری از مسئله است که باعث می‌شود موضوع نیاز به تحلیل و بررسی عمیق‌تری داشته باشد. راحت‌ترین مکانیزم دفاعی و راه‌حل ساده در مواجهه با این وقایع یا وقایع مشابه در سطح زندگی عادی، اجتماعی یا سیاسی این است که عامل وقوع یک مشکل یا مسئله را دیگری به معنای اعم آن بدانیم، یعنی مشکلات خود را احاله به فرد یا مراجع دیگری بدهیم. ولی اگر از منظر دانشگاهی، تحلیلی و براساس فکر و تأمل بخواهیم یک مسئله را مورد واکاوی قرار دهیم، باید ریشه‌های آن را بررسی کنیم. درواقع باید دید اساساً در سیاست‌گذاری‌ها و در سیاست‌های کلان کشور، جوانان و نوجوانان چه نقش و جایگاهی دارند؟ باید بررسی شود که آیا اساساً برای آنان آینده‌ای ترسیم شده است؟

اگر آینده‌ای ترسیم شده است و چنین اتفاقاتی روی داده، باید بررسی شود که مشکل در کجاست، مثلاً در خانواده یا جامعه یا ... است یا خیر. ولی اگر آینده‌ای ترسیم نشده باشد، نشان می‌دهد که باید در مورد بنیان‌ها بیندیشیم. این محقق پژوهشگاه سپس با نقل نکته‌ای از زبان قهرمان داستان کتاب صد سال تنهایی، اثر گابریل گارسیا مارکز پرداخت و گفت: در بخشی از این کتاب، هنگامی که قهرمان داستان می‌خواهد از جایی نقل مکان کند، کتاب‌های خود را بسته‌بندی کرده و تحویل مسئول قطار می‌دهد. وقتی وارد محل استقرار خود می‌شود، از مسئول می‌پرسد پس کتاب‌های من کجاست؟ مهماندار پاسخ می‌دهد در قسمت انتهای قطار در بخش مربوط به اسباب و اثاثیه مسافران قرار دارد و آدم‌ها جلو می‌نشینند. قهرمان این داستان می‌گوید: وای به حال آن دنیایی که ادبیات و هنر و موسیقی و کتاب در عقب قطار، در قسمت اسباب و اثاثیه باشد و آدم‌ها جلو نشسته باشند! دیگر چنین دنیایی، جای زیستن نیست. دکتر میری با الهام گرفتن از این نکته ادامه داد: اگر کتاب‌های درسی دانش‌آموزان یا سازوکار مدیریت و فهم مسئولان کشور از کودکان، نوجوانان و جوانان را ملاحظه کنیم و بررسی کنیم که مثلاً در بسته یا سبد تربیتی آنان، چقدر هنر، موسیقی، ادبیات، ورزش و ... گنجانده شده است، دسترسی خانواده‌ها و مردم به این مقوله‌ها چقدر است و این موارد در سیاست‌گذاری‌های مسئولان کشور چقدر لحاظ شده است، متوجه می‌شویم که کشور ما در این حوزه، دچار ضعف است.

این استاد جامعه‌شناسی در تأیید این مهم خاطر نشان کرد: در بین مسئولان و سیاست‌گذاران سطوح بالای نظام شاهد توجه جدی به مسئله فراغت جوانان به‌ویژه با توجه به تحولات مختلف در عرصه جهانی نیستیم. وی افزود: در اواخر دهه ۴۰ یا ۵۰ شهید بهشتی کتابی کوچک درباره تفریح از نگاه اسلام در قطع جیبی و حدود ۳۰ یا ۳۵ صفحه نوشته است. شهید بهشتی در آن زمان متوجه این نکته بود که فراغت و تفریح یک مسئله مهم است و لذا وقتی می‌خواهیم یک نظام اجتماعی و سیاسی را شکل دهیم، باید به تمام اجزاء، ارکان، ساحات و جوانب مختلف نظام و مدیریت آن بیندیشیم. ایشان هم به‌عنوان یک مجتهد و هم به‌عنوان یک سیاست‌مدار و سیاست‌گذار در سطح بالای نظام، چنین دغدغه‌ای داشتند. اما در این ۵۰ سال اخیر و از آن زمان به بعد، با وجود اینکه جهان تحولات بی‌شماری داشته است، چنین دغدغه‌ای در بین مدیران، مسئولان یا سیاست‌گذاران نظام مشاهده نمی‌شود. باید توجه داشت که فضای مجازی، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ... در واقع یک ابزار نیستند بلکه یک امپراطوری هستند که ذهن‌ها را تسخیر و قلب‌ها را به سمت خود می‌کشند. کاملاً فرد را در زیست جهان خود می‌بلعد. اگر کسی امروز بخواهد کتابی درباره تفریح از نگاه دین یا اسلام به‌مثابه یک ایدئولوژی در برابر لیبرالیسم، سوسیالیسم یا سوسیال دموکراسی و ... بنویسد، باید به این امپراطوری وسیعی که ذهن‌ها را به انقیاد خود درآورده، بیندیشد. اما اساساً در بسیاری از ساحات، اتفاقاتی که مشخصاً برای کودکان، نوجوانان و جوانان می‌افتد، نشان از این دارد که سیاست‌گذاران ما التفات جدی و بنیادین به این مهم نداشته‌اند.

جوانی و نوجوانی باید به‌مثابه یک ظرفیت، امکان یا موقعیت دیده شود

دکتر میری با اشاره به ضعف‌های مختلف در حوزه سیاست‌گذاری در کشور در ارتباط با مسائل و موضوعات مرتبط با جوانان و نوجوانان گفت: اگر به تحلیل محتوای سیاست‌گذاری‌ها و گفتمان‌های رایج در کشور بپردازیم شاهد هستیم که گویی اساساً نوجوانی و جوانی در کشور نوعی جرم تلقی می‌شود. گویی اگر جوان باشید، یک جای کار اشتباه است و باید هدایت شوید. در حالی که خود این جوانی باید به‌مثابه یک ظرفیت، امکان یا موقعیت دیده شود، موقعیتی که اگر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به نوعی سامان داشته باشد، این ظرفیت می‌تواند به‌مثابه یک عامل تسریع‌کننده و مهم در جهت پیشرفت و ارتقاء کشور استفاده شود. می‌توان با بهره‌گیری از این ظرفیت، در جهت ارتقاء وضعیت اجتماعی به معنای تمامی مؤلفه‌های آن از جمله مؤلفه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور بهره برد. بدون سهم کردن جوانان و نوجوانان و حتی برنامه‌ریزی لازم در جهت آموزش آنان از زمان کودکی و مهد کودک‌ها، بهره‌گرفتن از این موقعیت، امکان‌پذیر نیست.

وی سپس با اشاره به انکارناپذیری نقش و مداخله عوامل خارجی در وقایع اخیر کشور، بر اهمیت فهم درست از وقایع و پدیده‌ها تأکید کرد و ادامه داد: در مورد اتفاقاتی که در کشور روی داد، می‌توان گفت آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها یا ... مؤثر بودند، هر چند یقیناً همه اینها بوده و اسناد موجود هم مؤید آن است، اما نکته اینجاست که چرا زمینه‌ای در کشور فراهم شد که آنها بتوانند آنگونه که خودشان می‌خواهند و در جهت اهدافشان است عمل کنند و روی جوانان و نوجوانان اثر بگذارند؟ مسئولان و سیاست‌گذاران کشور باید از ابزارها، امکانات و ظرفیت‌های کشور درست استفاده می‌کردند. دست‌ان آنها بسته نیست.

وی ادامه داد: در دهه ۴۰ شهید مطهری گفت اگر حاکمان کشور، دو ساعت رسانه‌ای مثل رادیو را به ما بدهند، معارف اهل بیت (ع) را نه در ایران، بلکه در سراسر جهان نشر خواهیم داد به گونه‌ای که همه به آن اقبال یابند. اما الان نه تنها رادیو، بلکه تلویزیون، ماهواره و... در اختیار داریم ولی چرا نمی‌توانیم کاری کنیم؟ این نشان از ایراد و ضعف‌هایی در مسائلی است. در واقع، از یک سو فهم ما از پدیده‌ها اشکال دارد. از سوی دیگر تعریفی که از جوانی و نوجوانی داریم هم غلط است. می‌گوییم جوانی شاخه‌ای از جهل و جاهلیت است و جوان باید آن‌طور که ما می‌گوییم عمل کند، ولی این‌طور نیست. جوانی یک موقعیت بسیار بزرگ است و اگر جوانان شغل داشته باشند و به آنان امکانات و اعتماد کرد می‌توانند در جهت پیشرفت کشور عمل کنند. چنان‌که مارکس معتقد است کار فقط این نیست که شما بگویید صبح می‌روید کاری انجام می‌دهید و مثلاً کارمند هستید. به‌نظر مارکس کار نوعی بازسازی انسان است. فهم انسان از انسان بودنش زمانی بروز می‌کند و شکوفا می‌شود که فرد بتواند کار کرده و تولید کند. گاهی تولید این است که محصولی تولید می‌کنید و گاهی فکر و اندیشه یا موقعیتی را خلق می‌کنید. یکی از این موقعیت‌ها، تسهیل کردن امور اجرایی کشور است. اگر به جوانان این امکان داده شود که موقعیت خلق کنند و شغل داشته باشند، در شغل خود، خودشکوفای می‌شوند. یکی از چالش‌های مدرنیته این است که اساساً از خودبیگانگی ایجاد می‌کند ولی با کار کردن فرد می‌توان با خلق موقعیت و بازتولید و بازآفرینی خود، خودش را بسازد. این قدرت بازآفرینی در جوان و نوجوان به مراتب بیشتر از سنین بالاتر و پیری است.

دکتر میری در پایان سخنرانی خود یکی از علل مهم در عدم فهم درست از مسائل جوانان و نوجوانان را معدل سنی بالای ۹۰ سال سیاست‌گذاران کشور دانست و گفت: به‌نظر من یک علت اینکه در کشور نمی‌توانیم تغییر و تحولات را در نسبت با جوانان و نوجوانان و نسل آینده خودمان رقم بزنیم، این است که معدل سن سیاست‌گذاران کشور حدود ۹۰ سال است. آنان زمانی پا به عرصه سیاست گذاشته‌اند که دوره قاجار بوده است. اگر ما شرایط جهان و ایران را در اواخر دوره قاجار در نظر بگیریم و آن را با تحولات امروز ایران و جهان مقایسه کنیم، در می‌یابیم که چنین اذهانی نمی‌توانند درک درستی از تغییر و تحولاتی داشته باشند که در آستانه انقلاب ششم صنعتی پدید آمده است، تحولات بسیاری که هوش مصنوعی منجر بر جامعه، مناسبات و تبادلات و حتی شکل و ریخت شهرها داشته است.



دکتر داود مهربانی:

لازمه استفاده اثربخش از هر ابزاری، داشتن اطلاعات اولیه درباره آن است



دکتر مهربانی به‌عنوان سخنران دیگر این نشست، با اشاره به موضوع سخنرانی خود با عنوان «الزامات استفاده اثربخش از رسانه‌های اجتماعی» گفت: لازمه استفاده اثربخش از هر ابزاری، داشتن اطلاعات اولیه درباره آن است تا نتیجه مقبولی حاصل شود. بدین منظور پس از بررسی انواع رسانه‌های اجتماعی و کارکرد آنها، در مرحله بعد به مقایسه استفاده از آنها در جهان و ایران خواهیم پرداخت.

استادیار علوم ارتباطات پژوهشگاه در ادامه با طرح این پرسش که اساساً رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی چه هستند، تعاریف و پیشینه‌ای از مفاهیم کلیدی بحث خود همچون فضای مجازی، رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی ارائه کرد و ادامه داد: اولین بار واژه فضای مجازی توسط دو نفر از اندیشمندان دانمارکی که فضایی با نام «آتلیه فضای مجازی» ایجاد کرده بودند به کار رفت. در زمان فعالیت این آتلیه، اصلاً بحث اینترنت مطرح نبود. برای آنها فضای مجازی صرفاً در مورد مدیریت فضاها بود و هیچ شناخت باطنی یا دیجیتال در مورد آن وجود نداشت. این فضا اساساً یک ابزار و یک فضای بتنی و فیزیکی بود و ارتباطی با بحث دیجیتال نداشت. سپس این واژه در دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات علمی-تخیلی می‌شود و افرادی که در حوزه کامپیوتر بودند، به تدریج استفاده از این واژه را گسترش می‌دهند به گونه‌ای که در دهه ۱۹۹۰ در بین عامه به شکلی گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر چند در تعریف فضای مجازی، به تعریف مشخصی دست نمی‌یابیم اما از جمله تعاریف قابل فهم که درباره فضای مجازی ارائه شده این تعریف است: فضای مجازی به همه فعالیت‌های برخاسته از فضای مجازی می‌شود که در آنها از اینترنت استفاده می‌شود. اینترنت نیز شامل وب جهان‌گستر، رسانه‌های اجتماعی و سایر نرم‌افزارهای کاربردی است.

این پژوهشگر علوم ارتباطات در ادامه به تعریف مفهوم رسانه‌های اجتماعی پرداخت و ادامه داد: تعریف رسانه‌های اجتماعی عبارت است از فناوری مبتنی بر کامپیوتر که تبادل ایده‌ها، اطلاعات و اندیشه‌ها را از طریق جوامع و شبکه‌های مجازی امکان‌پذیر و تسهیل می‌کند. وی مفهوم دیگر را مفهوم شبکه‌های اجتماعی برشمرد و ضمن پرداختن به تاریخچه کاربرد این مفهوم گفت: در سال ۱۹۲۹ یک نویسنده مجارستانی در یک داستان کوتاه با عنوان «زنجیره‌ها» این مسئله را مطرح می‌کند که هر دو فردی که در دنیا وجود دارند و می‌خواهند با یکدیگر رابطه برقرار کنند در نهایت با شش واسطه می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند. این داستان منجر به شکل‌گیری نظریه شش درجه جدایی شد که براساس آن هر دو شخص دلخواه بر روی کره زمین، تنها با شش واسطه یا کمتر به هم می‌رسند. این نظریه مقدمه‌ای برای طرح نظریه دنیای کوچک می‌شود. در سال ۱۹۶۷ یک محقق آمریکایی این نظریه شش درجه جدایی را آزمون می‌کند که آیا اساساً این نظریه درست است یا نه! بدین منظور این محقق نامه‌هایی را در دو شهر مختلف تقسیم می‌کند و از افراد می‌خواهد که این نامه‌ها را به دست فرد معینی برسانند. جالب این است که بعد از رسیدن نامه به دست فرد معین، فرایند بررسی شده و مشاهده می‌شود که هر نامه‌ای با گذر از ۵/۵ نفر به دست آن فرد موردنظر رسیده است. بر این اساس، وی نتیجه می‌گیرد که نظریه شش درجه جدایی واقعاً درست است. بعد از پیدایش اینترنت این نظریه در محیط برخط (آنلاین) هم مورد استفاده قرار گرفته است.

انواع رسانه‌های اجتماعی و بلوک‌های کارکردی آنها

دکتر مهربانی بعد از تعریف مفاهیم و کلیدواژه‌هایی همچون فضای مجازی، رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی، به یکی از دسته‌بندی‌های رایج درباره رسانه‌های اجتماعی پرداخت و گفت: در یک تقسیم‌بندی رسانه‌های اجتماعی بر حسب کارکردشان به شش دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته ناشر هستند مثل ویکی‌پدیا؛ یک دسته کار اشتراک‌گذاری را انجام می‌دهند مثل یوتیوب، ویمنو یا آپارات؛ یکسری پیام‌رسان هستند؛ یکسری برای بحث و گفت‌وگو؛ یک دسته برای مشارکت و یک دسته برای شبکه‌سازی. در تقسیم‌بندی کاپلان و هنلین در سال ۲۰۱۰ از رسانه‌های اجتماعی براساس کارکرد و حضور اجتماعی، بلاگ‌ها ابتدایی‌ترین نوع رسانه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند. مطالب در وبلاگ قرار گرفته و ممکن است بازخوردی از مخاطب داشته باشند و نویسنده نیز شاید پاسخی بدهد. بلاگ‌ها از نظر معرفی به خود یا خودآشنایی سطح بالایی داشته ولی از نظر حضور اجتماعی در سطح پایینی قرار می‌گیرد؛ یعنی فرد در آن بلاگ خودش را خوب معرفی می‌کند و مخاطب می‌داند با چه کسی ارتباط خواهد داشت. مخاطب اطلاعات زیادی درباره فرد دارد ولی حضور اجتماعی و یا به عبارتی غنای رسانه‌های بلاگ‌ها چندان زیاد نیست. دکتر مهربانی با اشاره به چند دسته دیگر همچون پروژه‌های مشارکتی مثل ویکی‌پدیا یا جهان‌های اجتماعی که به دو دسته جهان اجتماعی مجازی و جهان اجتماعی واقعی تقسیم می‌شوند، درخصوص سایت‌ها یا شبکه‌های اجتماعی که برخط هستند گفت: رسانه‌های اجتماعی با هدف‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرند. هدف استفاده از یوتیوب با لینکدین بسیار متفاوت است یا فیس‌بوک تفاوت زیادی با ویمنو دارد. وی در ادامه با توجه به موضوع جلسه، تمرکز خود را بر سایت‌های شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها قرار داد.

کارکرد گفت‌وگویی رسانه‌های اجتماعی بسیار اهمیت دارد

وی که تمرکز پژوهش‌های خود را بر ارتباطات سلامت قرار داده است در ادامه با اشاره به اهمیت آشنایی با کارکرد رسانه‌های اجتماعی مختلف تأکید کرد: اگر قرار است افراد و سازمان‌ها (در هر حوزه‌ای) استفاده اثربخشی از رسانه‌های اجتماعی داشته باشند باید علاوه بر آشنایی با انواع رسانه‌های اجتماعی، با کارکرد این رسانه‌ها هم آشنا باشند. این کارکردها عبارتند از: حضور، گفت‌وگو، اشتراک‌گذاری، هویت، ارتباط، شهرت و گروه‌ها. دکتر مهربانی سپس به توضیح برخی از کارکردهای رسانه‌های اجتماعی پرداخت و ادامه داد: مقصود از حضور، محیط برخط است که باعث می‌شود کاربران از حضور فرد آگاه شوند و می‌تواند به صورت برخط (آنلاین) یا برون‌خط (آفلاین) باشد. به عنوان مثال، می‌توان به اشتیاق افراد برای عکس گرفتن با هنرمندان در یک شهر و در یک مکان مثلاً پارک یا... اشاره کرد که حضور فرد به سرعت به اطلاع سایر افراد می‌رسد و این یکی از کارکردهای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است. رسانه‌هایی که کارکرد حضور در آنها مؤثر است عموماً با هدف قابل رؤیت سریع بودن و اطلاع‌رسانی به مخاطبان، مورد استفاده قرار می‌گیرند. کارکرد بعدی گفت‌وگو است که اهمیت بسیاری دارد. گفت‌وگوهای فردی، وقتی جمع می‌شوند هر کدام قطعه‌هایی از پازلی هستند که مجموعه‌ای را شکل می‌دهند که می‌تواند برای سیاست‌گذاری در هر سطحی مهم باشد. مثلاً فرض کنید در مورد محصولات یا خدمات شرکتی در گفت‌وگوها از سوی افراد اطلاعاتی ارائه می‌شود. بعد از مدتی حجم بزرگی از اطلاعاتی شکل می‌گیرد که می‌تواند برای آن شرکت یا سازمان اهمیت داشته باشد. بنابراین بعد گفت‌وگویی کارکرد رسانه‌های اجتماعی بسیار اهمیت دارد. کارکرد مهم دیگر، اشتراک‌گذاری است که هدف بسیاری از شبکه‌های اجتماعی است. به عنوان مثال، یوتیوب اشتراک‌گذاری ویدئو است که بنا بر اطلاعات مطرح شده، در هر دقیقه، ۱۰ ساعت ویدئو در یوتیوب بارگذاری می‌شود. اگر از محتواهایی که در این شبکه‌های ویدئویی مثل یوتیوب یا آپارات یا تماشا غفلت شود، در واقع غفلت بسیار بزرگی است؛ چراکه کاربران در حال دریافت اطلاعات زیادی از این محتواها هستند؛ مثلاً در یوتیوب هر ۲۴ ساعت حدود ۱۴ هزار و ۴۰۰ ساعت محتوا بارگذاری و به اشتراک گذاشته می‌شود. کارکرد بعدی شهرت است که براساس آن گفته می‌شود فرد می‌تواند با استفاده از جایگاه آنلاینی که دارد، چقدر می‌تواند دیگران را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع، اینفلوئنسرهای می‌توانند روی افراد مخاطب اثر بگذارند. کارکرد دیگر هویت است که بیشتر با معرفی فرد در رسانه‌های اجتماعی ارتباط دارد. برای مثال، در لینکدین، هویت به مراتب مهمتر است از سایر رسانه‌های اجتماعی است. کارکرد دیگر، گروه‌ها هستند که از این بابت اهمیت دارند که افراد در یک محیط برخط، گروه‌هایی را شکل می‌دهند که با هم نقطه اشتراکی از نظر یک موضوع خاص دارند. استفاده از این گروه‌ها با هدف اثرگذاری در هر حوزه‌ای می‌تواند بسیار مهم باشد.

وی که بخشی از تحقیقات خود را با تمرکز بر رسانه‌های اجتماعی و سلامت انجام داده است، سپس به تمایز میان اهمیت کارکردها در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی پرداخت و گفت: اما شبکه‌های اجتماعی صرفاً به یک کارکرد توجه ندارند. برخی از رسانه‌های اجتماعی بر هویت تمرکز دارند، به‌عنوان مثال در لینکدین هویت بسیار مهم است. وقتی وارد لینکدین می‌شوید اطلاعات زیادی از شما می‌خواهد. ولی در فیسبوک شاید این اطلاعات را نخواهد، چراکه چندان روی بحث هویت متمرکز نیست. در یوتیوب اشتراک‌گذاری بسیار اهمیت دارد. در فیسبوک بیشتر به رابطه و ایجاد و حفظ آن اهمیت داده می‌شود و در آنجا برخلاف لینکدین بحث هویت چندان مطرح نیست. هرچند در عین حال سایر کارکردها هم مهم هستند. بنابراین می‌توان مشاهده کرد که هر یک از رسانه‌های اجتماعی از بلوک هفت‌گانه کارکرد رسانه‌ها، بر چند بلوک کارکردی متمرکز هستند.

این پژوهشگر علوم ارتباطات پس از بحث از انواع رسانه‌های اجتماعی و کارکردهای آنها، به استفاده کاربران از رسانه‌های اجتماعی در جهان و سپس در ایران براساس آمارهای موجود پرداخت و گفت: براساس اطلاعات ارائه شده، تا ژانویه ۲۰۲۳ حدود چهارمیلیارد و ۷۶۰ میلیون نفر از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. آمار رشد استفاده از این شبکه‌ها نشان می‌دهد از نظر فصلی، حدود نیم درصد یا ۲۳ میلیون به تعداد کاربران افزوده شده است. از نظر جمعیتی، حدود ۶۰٪ از جمعیت جهان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. اگر جمعیت بالای ۱۸ سال را مورد بررسی قرار دهیم، این آمار نشان می‌دهد که حدود ۷۸٪ از جمعیت بالای ۱۸ سال جهان در حال استفاده از شبکه‌های اجتماعی هستند که میانگین استفاده روزانه آنها از شبکه‌های اجتماعی حدود دو ساعت و ۳۰ دقیقه است. از نظر جنسیت، زنان حدود ۴۶٪ و مردان حدود ۵۴٪ از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند.

شیوع کرونا و تجربه ناشی از آن کارکرد رسانه‌های اجتماعی را متحول کرد

این محقق حوزه ارتباطات سلامت سپس به تغییر و تحولات رخ داده در استفاده از فضای اجتماعی بعد از شیوع کرونا براساس آمارهای موجود اشاره کرد و گفت: اتفاقات بعد از شیوع کرونا نشان می‌دهد که فعالیت‌هایی مانند تماشای فیلم‌ها و خدمات ویدئوهای زنده (Streaming) ۵۴٪ افزایش پیدا کرده است؛ مدت زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی حدود ۴۳٪ از نظر زمانی افزایش داشته است؛ استفاده از خدمات پیام‌رسان‌ها حدود ۴۲٪ رشد داشته است؛ استفاده از نرم‌افزارهای کاربردی موبایل حدود ۳۶٪ افزایش پیدا کرده است؛ تولید و بارگذاری ویدئوها بعد از شیوع کرونا حدود ۱۶٪ افزایش داشته که البته به‌نظر می‌رسد محتوای آموزشی این ویدئوها بسیار بیشتر است. نکته مهم دیگر این است که در جهان از چه پلتفرم‌هایی استفاده می‌شود: فیسبوک، یوتیوب، واتساپ، اینستاگرام و... رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌هایی هستند که براساس آمار تا ژانویه ۲۰۲۳ نسبت بقیه رسانه‌ها پیشرو هستند. دکتر مهرابی با ارائه آماری درخصوص کاربران جهانی در دو گروه سنی بین ۸ تا ۱۱ سال و ۱۲ تا ۱۵ سال و رفتارهای آنان در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی گفت: براساس اطلاعات موجود از نظر رده سنی، داده‌ها نشان می‌دهند که در گروه سنی ۸ تا ۱۱ ساله‌ها حدود ۴۴٪ از سایت‌ها و نرم‌افزارهای رسانه‌های اجتماعی، ۶۴٪ از پیام‌رسان‌ها، ۹۶٪ از پلتفرم‌های اشتراک‌گذاری ویدئو استفاده کرده، و ۳۹٪ نیز ویدئوهای زنده (Streaming) بارگذاری می‌کنند. اگر این آمار را با آمار دسته دوم (۱۲ تا ۱۵ ساله‌ها) مقایسه کنیم، شاهد هستیم که همه این اعداد رشد می‌کنند و در این گروه سنی استفاده از رسانه‌های اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. در گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال ۸۷٪ از سایت‌ها و نرم‌افزارهای رسانه‌های اجتماعی، ۹۱٪ از پیام‌رسان‌ها، ۹۹٪ از پلتفرم‌های اشتراک‌گذاری ویدئو استفاده کرده و ۶۰٪ نیز ویدئوهای زنده (Streaming) بارگذاری می‌کنند.

این پژوهشگر علوم ارتباطات در ادامه مباحث خود به وضعیت استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی در ایران پرداخت و با استناد به اطلاعات ارائه شده در خردادماه سال ۱۴۰۱ از نظرسنجی صورت گرفته توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران از ۱۵۴۱ نفر از افرادی که در سراسر کشور سن بالای ۱۸ سال دارند گفت: از این تعداد ۹۷٪ بین ۱۸ تا ۲۹ سال سن دارند، ۸۶٪ آنها در مراکز استان‌ها زندگی می‌کنند و ۹۵٪ از آنها افراد تحصیل‌کرده هستند. این نظرسنجی نشان می‌دهد ۷۸/۵٪ از ایرانی‌ها از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند.

وی تأکید کرد: این اطلاعات نشان می‌دهد اگر فرد یا سازمانی بخواهد یک اقدام اثرگذار را در بستر رسانه‌های اجتماعی با تمرکز بر این جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال مراکز استان‌ها با تحصیلات دانشگاهی صورت دهد، با احتمال بیشتری به هدف خود دست پیدا خواهد کرد؛ حال آن هدف می‌تواند هر نوع مداخله یا کمپینی باشد.

وی در خصوص تعداد کاربران پیام‌رسانه‌های داخلی نیز بیان کرد که براساس اطلاعات کسب شده تا ۱۵ آذر ۱۴۰۱ کاربران روبیکا ۳۵ میلیون نفر، ایتا ۱۵ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر، بله نه‌میلیون و ۸۰۰ هزار نفر و سروش پلاس هشت میلیون و ۱۰۰ هزار نفر بوده‌اند. اما اساساً اطلاعاتی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آنها مانند سن، جنسیت، مکان زندگی، و یا سطح تحصیلاتشان (به آسانی) در دسترس نیست.

شناخت الگوی مصرف؛ پیش‌نیاز استفاده اثربخش از رسانه‌های اجتماعی

دکتر مهربانی با استناد به نتایج یکی از مطالعات خود که با تمرکز بر شناخت الگوی مصرف رسانه‌های اجتماعی در بین جوانان ۱۸ تا ۲۵ سال انجام شده بود و داده‌های آن در بازه زمانی فروردین تا خرداد ۱۴۰۰ از حدود ۴۲۲ نفر گردآوری شده ادامه داد: از میان این تعداد که حدود ۸٪ آنها دانش‌آموز و حدود ۴۳٪ یعنی نزدیک به ۱۷۵ نفر دانشجو بودند که تقریباً ۴۸٪ اعلام کردند شب‌ها از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند؛ حدود ۷۳٪ از تلفن همراه برای دسترسی به رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند لپ‌تاپ، تبلت و دستکتاب در مرتبه بعدی قرار دارند. میزان استفاده روزانه کاربران بر حسب دقیقه از رسانه‌های اجتماعی در این تحقیق چنین بود: اینستاگرام با میانگین حدود ۵۱ دقیقه در شبانه‌روز اولین رسانه‌ای بود که مورد استفاده قرار می‌گرفت، بعد واتساپ با حدود ۴۰ دقیقه، تلگرام با حدود ۲۳ دقیقه و فیس‌بوک و... در رتبه‌های بعدی قرار می‌گرفتند. براساس اطلاعات به دست آمده انگیزه افراد در استفاده از رسانه‌های اجتماعی چنین بوده است: ۲۳٪ جهت دسترسی به اطلاعات، حدود ۱۷٪ برای استفاده از مطالب سرگرم‌کننده، ۱۴٪ از روی بی‌حوصله‌گی، ۱۳٪ برای ارتباطات شخصی، ۱۰٪ به‌منظور اجتماعی‌شدن و توسعه روابط، ۵٪ به پیشنهاد دیگران و...

وی سپس به مقایسه اطلاعات کاربران ایرانی و کشور انگلیس براساس اطلاعات به دست آمده از کاربران انگلیسی در استفاده از رسانه‌های اجتماعی اشاره کرد و گفت: اساس اطلاعات موجود از دو گروه سنی ۱۶ تا ۲۴ سال و گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سال در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که ۶۵٪ کاربران ۱۶ تا ۲۴ سال با این انگیزه از رسانه‌های اجتماعی استفاده کرده‌اند که بفهمند دوستانشان در حال انجام چه کاری هستند، در گروه سنی دوم این عدد ۵۲٪ بوده است. ۵۳٪ گروه سنی اول و ۴۲٪ گروه سنی دوم برای فرستادن پیام مستقیم به دوستانشان از این رسانه‌ها استفاده کرده‌اند. ارتباط مداوم با اقوام و خویشان، ارسال عکس و ویدئو و اینکه دوستانشان چه مطالبی را مشاهده می‌کنند و... سایر انگیزه‌هایی بوده است که هدف این کاربران در استفاده از رسانه‌های اجتماعی بوده است.

دکتر مهربانی در ادامه به اطلاعات جهانی درباره استفاده از رسانه‌های اجتماعی در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۳ پرداخت و گفت: براساس اطلاعات سال ۲۰۱۸، ۴۱٪ برای برقراری ارتباط با دیگران و اینکه دوستانشان در حال انجام چه کاری در شبکه‌های اجتماعی هستند، ۴۰٪ به‌منظور آگاهی از اخبار و حوادث و... از رسانه‌های اجتماعی استفاده کرده‌اند. اگر اطلاعات سال ۲۰۲۳ را نگاه کنیم، برقراری ارتباط با اقوام و خانواده حدود ۵۰٪ انگیزه استفاده از رسانه‌های اجتماعی توسط کاربران و پر کردن اوقات فراغت ۳۷٪، خواندن اخبار ۳۵٪ و... انگیزه‌های استفاده از شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی بوده است.



تحلیل مستمر رسانه‌های اجتماعی پیش‌نیاز دستیابی به اهداف است

این پژوهشگر علوم ارتباطات در ادامه به الزامات استفاده از رسانه‌های اجتماعی پرداخت و گفت: اساساً حجم زیادی از داده‌ها و محتواها در رسانه‌های اجتماعی هست که روزبه‌روز تغییر می‌کنند. اساساً ما الان نمی‌توانیم بگوییم که در زمان فعلی مردم در فضای مجازی راجع به چه چیزی فکر می‌کنند. با توجه به حجم اطلاعات و فیلم‌هایی که مثلاً در یوتیوب آپلود می‌شوند یا در سایت‌های اشتراک عکس بارگذاری می‌شوند، اگر به این اطلاعات دسترسی نداشته باشیم، قاعدتاً هر اقدامی می‌خواهیم انجام دهیم نمی‌توانیم هیچ چشم‌اندازی برای آن مشخص کنیم. به‌عنوان مثال اگر می‌خواهیم بر قشر ۲۰ تا ۲۵ سال این اثرگذاری را داشته باشیم که بیشتر ورزش کنند، یا کلاه ایمنی هنگام موتورسواری استفاده کنند، یا رفتار سلامت بهتری داشته باشند، این اطلاعات اولیه اگر نباشد قاعدتاً نمی‌توانیم هیچ مداخله و اساساً هیچ رفتار اثرگذاری داشته باشیم. رسانه اجتماعی می‌تواند هم برای شناخت مخاطب مورد استفاده قرار گیرد و هم اینکه اساس برنامه‌ریزی فعالیت‌هایی باشد که می‌خواهیم در آینده انجام دهیم، اما همه این اقدامات نیاز نگاه علمی به جنبه‌های مختلف فضای رسانه‌ای است که امروز به بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی اقبال مختلف از جمله جوانان تبدیل شده است.

دکتر مهرابی در پایان سخنان خود با تأکید بر اهمیت شناخت مخاطب هدف، آگاهی از الگوی مصرف کاربران از قبیل گروه‌های سنی استفاده‌کنندگان از شبکه‌های اجتماعی، زمان و نرم‌افزار مورد استفاده آنها و...؛ تولید محتوای مناسب با مخاطب و بهره‌گیری از رسانه مناسب، و در نهایت تحلیل مستمر را از ارکان مهم برای استفاده اثربخش از رسانه‌های اجتماعی برشمرد و گفت: تحلیل مستمر یک فرایند مداوم است. هنگامی که محتوایی با در نظر گرفتن تمام گام‌های از پیش تعیین‌شده‌ای که گفته شد تولید و منتشر شد و در دست مخاطب قرار گرفت باید پیگیری شده و ارائه بازخورد داشته باشد. همچنین باید یک ارزیابی از بازخورد و رفتار مجدد مخاطب داشت. این چرخه مداوم است و تمام نمی‌شود تا به هدف خود برسیم. حتی پس از دستیابی به هدف، حفظ آن نیز مسئله مهم دیگریست که باید مورد توجه قرار گیرد.

در بخش پایانی این نشست پژوهشگران و اعضای حاضر به طرح دیدگاه‌های خود ناظر به مطالب طرح شده از سوی سخنرانان و موضوع نشست پرداختند.

سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی (نشست هشتم)

تحلیل و بررسی

نقش فضای مجازی بر فعالیت‌های سیاسی اجتماعی جوانان ایران زمین

دکتر محمد مهدی فتورچی
دانشیار علوم ارتباطات و اطلاعات دانشگاه تهران

دکتر سید جواد میری
استاد جامعه‌شناسی تطبیقی پژوهشگاه

دکتر بهاره نصیری
استادیار علوم ارتباطات پژوهشگاه و دبیر علمی نشست

دکتر داود مهرابی
استادیار علوم ارتباطات پژوهشگاه

سه شنبه ۲۳ خرداد ماه ۱۴۰۲ ساعت ۱۰ تا ۱۲ سالن ادبی

دکتر نجفی:

نگاه نقادانه استاد مجتهدی به سیدجمال‌الدین اسدآبادی

همایش علمی «کریم مجتهدی؛ فیلسوف ایرانی» ۲۳ خردادماه در پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی با حضور اندیشمندان و صاحب‌نظران برگزار شد.

در این نشست دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی سخنانی به نحوه آشنایی‌اش با استاد مجتهدی اشاره کرد و گفت: سال ۶۷ استادی در دانشکده حقوق داشتیم، یکبار فلسفه سیاسی کانت را درس دادند و گفتند، منبع من کتاب دکتر مجتهدی است. آنجا من برای اولین بار اسم ایشان را شنیدم و علاقه‌مند شدم ایشان را بینم. یکبار در کلاس درس ایشان حاضر شدم و در آخر کلاس خواستم سؤال پرسم ولی ایشان گفتند، شما حق سؤال نداری! پرسیدم چرا؟ ایشان گفت، کسی باید پرسش کند که به موضوعی مسلط باشد. بعد از کلاس خدمشان رفتم، گفتم این چه برخوردی بود داشتید. ایشان گفتند، باید مطلب را بلد باشی تا سؤال کنی. من گفتم پس من یک ترم سر این کلاس می‌آیم بعد سؤال می‌پرسم. ایشان گفتند، پس اصلاً نیا! پرسیدم چرا؟ گفتند چون بلد نیستی فارسی حرف بزنی. من از روحیه ایشان و تعصبشان به زبان فارسی خیلی خوشم آمد.

موضوع سخن من «سیدجمال‌الدین اسدآبادی؛ روایت دکتر کریم مجتهدی» است. من با دکتر داوری اردکانی تماس گرفتم و از ایشان پرسیدم آیا برداشتی که من از دیدگاه دکتر مجتهدی داشتم درست است یا خیر؟ استاد مطهری، دکتر حمید عنایت و دکتر مجتهدی درباره شخصیت سیدجمال صحبت کردند. من از ایشان پرسیدم آیا این سه نفر زلزله انقلاب اسلامی را حس کرده بودند که به سیدجمال توجه کردند؟ ایشان گفتند بله، خود من هم حس کرده بودم و این حس در من به آگاهی رسید. بعد پرسیدم تفاوت دکتر مجتهدی با شهید مطهری و دکتر عنایت چیست؟ چون شهید مطهری سید را بین تجددگرایی افراطی و سلفیت خشونت‌بار قرار داده است و سید را خط وسط می‌داند. دکتر عنایت هم دنبال خط متعادل در اندیشه عرب است و از نوشته‌های سید استفاده کرده و سید را خیلی تجلیل کرده ولی دیدگاه مجتهدی چیست؟ دکتر داوری گفت نگاه آن دو نفر سیاسی بوده است ولی دکتر مجتهدی چطور به این نقطه رسید؟
چطور باید از سیدجمال عبور کنیم؟



ابتدا این نکته را عرض کنم که سیدجمال را نمی‌شود ندید. کسانی که بخواهند وارد عمق مسائل اجتماعی شوند باید سید را ببینند. همین‌طور نمی‌شود روی شخصیت سیدجمال ایستاد، چون شخصیت سید خیلی شناور است و اگر رویش بایستی ممکن است خودش رکود باشد. پس باید از سید عبور کرد و این خودش رشد است ولی چطور از سید عبور کنیم؟ این کار ساده‌ای نیست چون سیدجمال آدم بزرگی است. پس شناخت سید واجب است ولی روی سید نباید بایستیم. در عین حال سؤال این است که عبور از سید چطور باید صورت بگیرد؟ باید معمای سید حل شود. حل این معما می‌تواند برای سیاست امروز ما و شناخت ما از سیاست مغتنم باشد.

دکتر مجتهدی در کتابش از دو مقاله سید استفاده کرده است. سیدجمال دو بعد دارد یک بعد در مقابل متجددین افراطی مثل آخوندزاده و سپهسالار و...، دکتر مجتهدی در این قسمت از سید تعریف می‌کند ولی نقد ایشان برای من مهم است، نقدی که نه شهید مطهری وارد آن شدند و نه مرحوم عنایت. به‌نظر من این درکی که ایشان دارند فوق‌العاده است. ایشان می‌گویند، در اثر سیدجمال، در میان دانشمندان نام‌های گالیله و کپلر و دیگر متخصصان علوم طبیعی آورده شده ولی صحبتی از دکارت و هگل و کانت و... به میان نیامده است و ایشان چندان به سهم این افراد در بنیاد دادن به تمدن غرب توجه نکرده است یعنی فلسفه‌های عمیق‌تر غرب را نشناخته است.

دکتر نجفی ادامه داد: از نظر دکتر مجتهدی، سیدجمال به علل صرفاً سیاسی مسائل را در حد احتیاج روز و ضرورت آنی مطرح کرده است و کار او از این لحاظ شبیه کار یک روزنامه‌نگار است، نه متفکر واقعی. بعد بحثشان این است که برای امروز قابل قبول نیست که کسی فلسفه را اینطور نگاه کند. از نظر ایشان باوجود اینکه مجتهدی در میدان غرب و غرب‌ستیزی حرکت می‌کند ولی تحت تأثیر فلسفه غرب است. آیا در سیاست امروز هم چنین چیزی می‌بینیم؟ کسانی که خیلی غرب‌ستیزی می‌کنند و شعار ضد غربی می‌دهند ولی در مقطعی به شدت غرب‌زده شدند. علتش همین است، همین فرهنگی که از سیدجمال به ارث بردند. پس در معمای سیدجمال یک طرف غرب‌ستیزی است و یک طرف غرب‌زدگی و جالب اینکه خودش متوجه این پارادوکس نیست.

نکته عالی دیگری که دکتر مجتهدی می‌گوید این است که او عملاً هر وسیله‌ای را برای رسیدن به غایت مورد نظر صلاح و صواب می‌دانسته ولی کسی که همه چیز را به‌عنوان وسیله تلقی می‌کند درباره‌اش این خطر هست که خود نیز وسیله دیگران قرار بگیرد. خبرگزاری ایکن در بخش پایانی گفته‌های دکتر نجفی نوشت: چقدر این حرف عجیب است. کسانی که هر وسیله را مجاز می‌دانند ممکن است خودشان وسیله قرار بگیرند. این حرف درباره خود سیدجمال صدق می‌کند و ایشان هم در برهه‌هایی وسیله افراد دیگر قرار گرفت.



برگزاری نکوداشت یک عمر فعالیت علمی استاد کریم مجتهدی

در همایش علمی «کریم مجتهدی؛ فیلسوف ایرانی» از سوی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم و با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی فارابی، ۲۳ خردادماه با حضور استادان فلسفه و شاگردان ایشان در محل تالار فارابی این پژوهشگاه برگزار شد، حجت‌الاسلام دکتر رضا غلامی، رئیس پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، سخنان خود را با این پرسش آغاز کرد: چرا استاد کریم مجتهدی فیلسوف ایرانی است؟ و چرا شخصیت و اندیشه‌های استاد مجتهدی شایسته توجه خاص است؟ وی توضیح داد: استاد مجتهدی یک متفکر حقیقت‌گراست و در مسیر رسیدن به حقیقت، آزاداندیشی و انصاف را سرلوحه کار خود قرار داده است. او به تاریخ ایران و اثر عمیق آن در تحولات فکری و فرهنگی جامعه ایرانی عنایت دارد. استاد مجتهدی به سرمایه‌ها و مفاخر فکری و علمی ایران و ظرفیت‌های ملی باور واقعی دارد. او به دین مردم ایران و آثار طبیعی آن در حیات فردی و مدنی مردم به دیده احترام می‌نگرد، به زبان و ادب فارسی تعصب دارد و به اسم خردگرایی و مقابله با خرافات، به سنت‌ها و آداب و خرده‌فرهنگ‌های معقول ایرانی پشت نکرده است. او همواره دغدغه رشد و اعتلای سرزمین ایران و سرافرازی ایرانی را داشته و دارد.



این عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی افزود: دکتر مجتهدی با افتخار تمام، خود را ایرانی دانسته و نه تنها بیشتر عمر شریف خود را در ایران سپری کرده، بلکه از هیچ تلاشی برای تربیت فرزندان ایران در دانشگاه‌ها که همچون فرزندان خود او محسوب شده‌اند، دریغ نداشته‌است. برای او قوت‌ها و مزیت‌های تمدن قدرتمند غرب، مانع دیدن نقاط ضعف و کاستی‌های غرب نشده است.

رئیس پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی تأکید کرد: استاد مجتهدی در هیچ یک از آثار خود در برابر غرب احساس وادادگی و حقارت ندارد و از همین جاست که نه تنها برای دانش‌پژوهان تازه نفس و جوان، بلکه برای شمار کثیری از استادان ما در دانشگاه‌ها به‌مثابه چهره ماندنی، عزیز و الهام‌بخش، قابل معرفی است.

دکتر لاریجانی: دکتر مجتهدی، تحفه‌ای در حوزه و قلمرو فلسفه ایران محسوب می‌شود در این مراسم، دکتر علی لاریجانی، رئیس سابق مجلس شورای اسلامی و استاد دانشگاه تهران و از شاگردان دکتر کریم مجتهدی نیز ضمن ارج نهادن به مقام وی، اظهار کرد: من قبل از انقلاب، توفیق آشنایی با ایشان را نداشتم؛ چون در دانشگاه صنعتی شریف تحصیل می‌کردم، اما بعد از انقلاب که به دانشگاه تهران آمدم با ایشان آشنا شدم و درس فلسفه کانت، هگل و دکارت را در محضر ایشان تلمذ کردم. اذعان می‌کنم من شاگرد مورد طبع ایشان نبودم و بعد هم که وارد سیاست شدیم، باز مورد طبع ایشان نبودیم. مجتهدی، تحفه‌ای در حوزه و قلمرو فلسفه ایران محسوب می‌شود؛ زیرا او با فلسفه زندگی می‌کند. هنگامی که تدریس می‌کرد کاملاً مشخص بود که او موضوع فلسفه را جدی گرفته و با همه هستی و وجود خود مطلب را بیان می‌کند. فلسفه برای او طریقی برای امرار معاش نبود، گرچه کسانی هم که چنین هدفی داشتند، چیزی عایدشان نشد؛ زیرا روایتی هست که می‌گوید، فلسفه فقر می‌آورد. فلسفه برای استاد مجتهدی، حتی ابزاری برای تفاخر هم نبود.

لاریجانی درباره شخصیت مجتهدی بیان کرد: معرفت فلسفی برای او فضیلت به ارمغان آورده است. رفتار فرهنگی، آراستگی، تواضع، متانت، انصاف در قضاوت و... برخی دیگر از ویژگی‌های اوست. مجتهدی می‌گوید که فلسفه نشان از صلابت و استحکام فرهنگی یک ملت دارد و راز تحرک و پویایی فرهنگ است. هگل هم می‌گوید، فلسفه فعالیت آزاد است که روح ملت تلاش می‌کند از حالت اولیه خود تعالی یابد.



او ادامه داد: فلسفه در مواجهه با پرسش‌های بنیادین در حوزه‌های مختلف رشد پیدا کرد. اصولاً ما دو نوع مواجهه با زندگی داریم؛ یکی سطحی و اولیه است که جنبه عمومی دارد و تأثیر ملموس بر زندگی می‌گذارد و برای ارباب سیاست و مکاسب، روزی‌رسان است. اما مواجهه دوم بنیادین است و به دنبال این پرسش‌ها که مراد از آزادی چیست؟ و منشأ حقوق طبیعی و فطری چیست؟ این امور پیچیده، فهم عمیق‌تری از زندگی را می‌طلبند و مجتهدی می‌گوید، فلسفه از آسان‌سازی فکر و دست‌رسی به نتایج زودرس امتناع دارد.

رئیس سابق مجلس شورای اسلامی، همچنین به همیشه دانشجوی بودن دکتر مجتهدی اشاره کرد و افزود: یکی از ویژگی‌های مجتهدی این است که احساس می‌کند همیشه در حال پژوهش و کاوش فلسفی است و می‌گوید، من همیشه دانشجوی فلسفه‌ام. از نظر او فلسفه گفت‌وگویی با خود و گفت‌وگویی با دیگران است و شیوه سقراطی دیالکتیکی را برای فلسفه قایل است.

به گفته این استاد دانشگاه تهران، یکی از نکاتی که مجتهدی در عموم درس‌ها به آن اشاره می‌کرد این بود که خاستگاه تفکر فلسفی باید بررسی شود و شناسنامه‌ای برای هر موضوع فلسفی تدوین کرد. در کتاب‌های خود نیز وقتی موضوعی را از کانت نقل می‌کند، به فیلسوفان دیگر اشاره می‌کند که چطور به این موضوع رسیدند.

قرائت پیام استاد مجتهدی

در ادامه برنامه، برادرزاده دکتر کریم مجتهدی، پیامی را که استاد به این همایش مرقوم کرده بود برای حضار قرائت کرد و توضیح داد: استاد به دلیل کهولت سن و بیماری، امکان حضور در این مراسم را نداشت صمیمانه عذر خواست و این پیام را ارسال کرد. در بخشی از پیام آمده است: ضمن تشکر عمیق، به خود اجازه می‌دهم، به عرض شما برسانم: من خود را لایق این همه محبت و دوستی نمی‌دانم و تصور نمی‌کنم که اگر خدمت کوچکی کرده باشم، قابل تقدیر باشد. در هر حال هر آنچه بود، گذشته است و من اکنون ناخوش و پیر هستم و حتی به راحتی نمی‌توانم روی دوپای خودم بایستم و به سهولت و بدون لکنت زبان سخن بگویم.

زندگی علمی من سه مرحله بنیادی داشته است. اول تحصیلاتی که در دانشگاه سوربن پاریس داشته‌ام که حدود ۱۲ سال به طول انجامید. البته حدود یک سال قبل از پایان دوره دکتری به ایران برگشتم. من در این دانشگاه بیشتر زبان فرانسه و اندکی انگلیسی و آلمانی و حتی دستور زبان لاتین را یاد گرفتم. رشته اصلی من فلسفه بود که در دوره کارشناسی شامل ۷ مدرک اصلی می‌شد ولی من به سبب علاقه به کارم، در نهایت ۷ مدرک گرفتم که بعضی از آنها عبارتند از: جامعه‌شناسی، اخلاق، روان‌شناسی و علوم رفتاری، شناخت روش علوم و منطق، مقدمات فلسفه، تاریخ فلسفه، فلسفه عمومی و فلسفه هنر.

استاد مجتهدی در ادامه پیام خود بیان کرد: مرحله دوم زندگی من بعد از بازگشت به ایران است. مدارک، نوشته‌ها و مقالاتی که به زبان فرانسه به چاپ رسانده بودم به حضور مرحوم دکتر یحیی مهدوی در دانشگاه تهران بردم و ایشان بعد از مدتی تحقیق و مطالعه مرا برای گذراندن امتحانی دعوت کرد و بعد از امتحان کتبی، سه نفر از استادان سرشناس وقت دعوت شدند و از من امتحان شفاهی به عمل آوردند. کوتاه سخن اینکه؛ من نزدیک به ۳۵ سال در دانشگاه تهران تدریس کردم و سال‌های متمادی و تقریباً حدود ۴۰ ساعت در هفته در کلاس‌های مختلف دانشگاه اعم از روزانه و کلاس‌های شبانه، مباحث را تکرار می‌کردم و گاهی در مدارس عالییه وقت نیز تدریس داشتم. مرحله سوم زندگی من حضور در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود که بیش از ۱۵ سال طول کشید و در این مدت آثار متعددی را به چاپ رساندم.

دکتر مجتهدی در پایان پیام خود گفت: «روح» در توانایی و پویایی فرهنگ مؤثر است. به نظر ملاصدرا، حرکت جوهری همان کمال‌یابی است و شاید منظور این باشد که، فرهنگ در درجه اول اهمیت قرار دارد. منظور از گفتن این مطالب بیشتر اشاره به این نکته است که ما فرهنگیان، مسئولیت بزرگی به دوش داریم و نباید از آن غافل شویم.

پس از برگزاری مراسم افتتاحیه، شاگردان دکتر مجتهدی و برخی از استادان فلسفه درباره ایشان و آثار دکتر مجتهدی سخنرانی کوتاه کردند. دکتر کلباسی با اشاره به معلمی دکتر مجتهدی، اظهار کرد: پاسداشت عالم، پاسداشت علم است و اهل علم را باید به نسل جوان معرفی کنیم که بدانند و ببینند چه کسانی برای علم در این سرزمین فعالیت کردند. دکتر مجتهدی با معلمی و فلسفه زنده است و وجود ایشان نامکرر است.

همچنین دکتر مصطفی شهرآیینی که در سال ۷۰ شاگرد ایشان بود، بیان کرد: دکتر مجتهدی استثناء بود و نظم، علمی و ادب ایشان برای ما درس‌آموز بوده و است. استاد در اوج مهربانی، شاگردانی را تربیت می‌کرد و خطای فاحش آنها را بدون اینکه مایوس شوند، تذکر می‌داد و معتقد بود: ما نباید دانشجوی را مایوس کنیم؛ زیرا یأس، آدمی را از انسانیت خارج می‌کند.

باشگاه دانش آموزی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی راه اندازی می شود

جلسه نخست تشکیل باشگاه دانش آموزی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوم خردادماه به میزبانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست صمیمی که با حضور رئیس و معاونین آموزش و پرورش منطقه ۱۲ تهران، مدیر دبیرستان دولتی فرهنگ منطقه ۲، مهندس دارویی، بهروز آهنگر بیگ و قرایی مدیران ستادی معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری، دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، دکتر محمود جنیدی، مشاور رئیس پژوهشگاه، دکتر سیدرضا حسینی، معاون کاربردی سازی علوم انسانی و فرهنگی، دکتر زهرا حیاتی، مدیر مرکز نوآوری و توسعه فناوری و دکتر محمد نجاری، معاون مرکز نوآوری و توسعه فناوری برگزار شد، مسایل کلی و ضرورت تشکیل باشگاه دانش آموزی تشریح شد.



در ابتدای نشست، دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، اهداف پژوهشگاه را برای راه اندازی باشگاه دانش آموزی علوم انسانی به اختصار بیان کرد و گفت: راه حل همه مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... فرهنگی است و برای رسیدن به این نقطه به گفت و گو و همفکری نیاز داریم. هدف ما ادراک درست صورت مسئله است. با توجه به اینکه نسل جوان و نوجوان آسیب پذیر است و ریشه بسیاری از مسائل در علوم انسانی واکاوی می شود، باید این حوزه از دانش در سطح دانش آموزی، عمومی سازی شود. علوم انسانی به جامعه عمق می دهد و برای رهایی از سطحی اندیشی نیاز است جامعه مخاطب، توسعه پیدا کند و در حوزه نخبگانی محدود نماییم. یکی از ظرفیت ها و بسترهای این عمومی سازی، مواجهه دانش آموزان مقطع دبیرستان با علوم انسانی است. برای مثال یکی از ایده ها، راه اندازی مجله علوم انسانی برای دانش آموزان است و در این مسیر قصد پژوهشگاه، در وهله نخست، حمایت فکری، و در گام بعد، آموزش راه اندازی و اداره مجله توسط خود دانش آموزان است و برای رسیدن به نتیجه، امکانات مرتبط با انتشار نشریه در اختیار دانش آموزان قرار خواهد گرفت.

در ادامه جلسه، دکتر زهرا حیاتی، مدیر مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه علوم انسانی با اشاره به اقدامات اولیه راه اندازی باشگاه دانش آموزی گفت: برای راه اندازی باشگاه، با اعضای معاونت علمی و فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری، معاونت مراکز و مدارس غیر دولتی، و تعدادی از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه مذاکره شد و بنا به پیشنهاد ایشان مقرر شد، همکاری های اولیه با دو منطقه آموزش و پرورش تهران به عنوان نمونه، آغاز شود. منطقه ۱۲ آموزش و پرورش با جمعی از دانش آموزان برگزیده در همه رشته ها، و مدرسه دولتی فرهنگ، با جمعی از دانش آموزان منتخب رشته علوم انسانی پیش قدم شدند و جلسه حاضر ترکیبی از نهادهای نامبرده است. در جلسات نخستین، هدف اصلی این تعامل، هم سویی پژوهشگاه با سیاست ها و برنامه های معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری مبنی بر «ترویج نگاه مسئله محور در جامعه» و «اهمیت بحث خدمات و رویکردهای فناورانه» اعلام شد و راه اندازی باشگاه دانش آموزی به مثابه یکی از اقدامات عملی این برنامه مطرح شد. از آنجا که یکی از مشکلات اجتماعی، ناتوانی در حل مسئله به سبب فقدان نگاه مسئله محور است،

حیاتی افزود: ضروری است پیش از آنکه گروه اجتماعی دانش‌آموختگان، با مسائلی نظیر اشتغال، امنیت اجتماعی و... مواجه شوند، مهارت ارزیابی مسئله را به‌عنوان گروه اجتماعی دانش‌آموزان فراگیرند و این بینش از آموزه‌های زیرساختی علوم انسانی به دست می‌آید. «شناخت مسائل روز با درک رابطه علی و معلولی پدیده‌ها» هدف اصلی مواجهه دانش‌آموزان با علوم انسانی است؛ چنانکه در دنیای امروز دانشگاه‌های مطرح و موفق، احاطه بر جهان را محصول علوم انسانی می‌دانند. فقدان نقشه راه در کشور، آسیبی است که می‌تواند با این همکاری کاهش یابد. در ادامه احمدرضا اصلانی، رئیس آموزش و پرورش منطقه ۱۲ تهران، ضمن اظهار خرسندی از تشکیل این جلسه گفت: آموزش و پرورش در حال حاضر با پشت سر گذاشتن شیوع بیماری کرونا و فراگیر شدن تولید محتوا در فضای مجازی، وضعیت مطلوبی ندارد. اما با قوی بودن پشتوانه علوم انسانی در کشور، امکان برخاستن و چه‌بسا پیشرفت مضاعف برای دانش‌آموزان فراهم است. بدیهی‌ست آموزش و پرورش به تنهایی از عهده این امر بر نمی‌آید و به کمک پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیاز دارد. آموزش و پرورش منطقه ۱۲ از آنجاکه در قلب تهران واقع شده و افزون بر تراکم جمعیت بالا از بافت سنتی و مذهبی نیز برخوردار است، داوطلب می‌شود تا نقشه راه را با مهندسی و تدبیر اعضای هیأت علمی پژوهشگاه، از نو ترسیم کند و به‌همین سبب از ایده راه اندازی باشگاه دانش‌آموزی استقبال کرده، و دانش‌آموزان خود را به سمت پژوهشگاه علوم انسانی هدایت می‌کند. گروه‌های جهادی مختلف برای استعدادیابی و پرورش دانش‌آموزان در مدارس فعالیت می‌کنند، اما تاکنون خروجی درخور توجهی نداشته‌اند. پرسش‌های ساده و اولیه دانش‌آموزان مبنی بر اینکه، آموزش درس‌های الف، ب، ج و... به چه کار می‌آید، بی‌پاسخ مانده و آثار مخرب آن، عدم اعتماد دانش‌آموزان به محتوای آموزشی و انقطاع از آن است. بنابراین، همکاری پژوهشگاه علوم انسانی با آموزش و پرورش فرصتی مغتنم است. هدایت‌گری جامعه با علوم انسانی نیاز به تجهیز معلمان و دانش‌آموزان دارد. تربیت نیروی متخصص با برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای دبیران علوم انسانی از تقاضاهای آموزش و پرورش است. گذراندن دوره‌های آموزشی با محتوایی که پژوهشگاه ارائه می‌دهد از نیازهای آموزش و پرورش است. ۱۴۰ مدرسه دولتی منطقه ۱۲ آموزش و پرورش، به آموزش‌هایی نیاز دارند که واقع‌نگری را میان آنها ترویج کند. تاکنون دو گروه ۵۰ نفری نخبگانی در این مدارس شناسایی شدند و می‌توانند برای شکل دهی حلقه دانش‌آموزی به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی معرفی شوند. در ادامه، بهروز آهنگری، عضو ستاد فناوری‌های نرم و توسعه صنایع خلاق معاونت علمی ریاست جمهوری، گفت: هدایت دانش‌آموزان به ایده‌های نوآورانه متکی بر علوم انسانی می‌تواند در درازمدت بخشی از نیاز جامعه را به خدمات فناورانه فرهنگی و هنری تأمین کند و در تعامل میان پژوهشگاه و آموزش و پرورش، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری نقش حمایتی خواهد داشت.



همچنین آقای قرایی، نماینده معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در وزارت آموزش و پرورش، تصریح کرد: حدود ۱۷دانه خلاق و نوآوری که به‌طور مستقیم در حوزه علوم انسانی فعالیت می‌کنند، یا ۱۷۰۰ شرکت خلاق که با معاونت در ارتباط هستند و نیز رویدادهای پراکنده که دستاوردهای آنها می‌تواند با دانش رشته‌های مختلف علوم انسانی درک و تبیین شود، همه با میانجی‌گری معاونت علمی در پژوهشگاه علوم انسانی، به‌مثابه یک سرشاخه جمع می‌شوند و به ترویج این رویکرد می‌پردازند تا تولید محتوا برای خدمت فناورانه در هسته فرهنگی و هنری با پشتوانه علوم انسانی تقویت شود.

سپس، دکتر علی تفکری، مدیر دبیرستان پسرانه فرهنگ منطقه ۲، اظهار داشت: مدارس فرهنگ دولتی در سال ۱۳۳۸ با مصوبه ۷۱۴ شورای عالی وزارت آموزش و پرورش، با هدف نخبه‌پروری در علوم انسانی تأسیس شدند و ارتباطی با مدارس غیردولتی همنام خود ندارند. در حال حاضر ۲۳ مدرسه فرهنگ در شهر تهران وجود دارد که خروجی‌های مطلوبی داشته‌اند. دبیرستان فرهنگ منطقه ۲ با قدمت ۲۰ساله و ۳۵۰ دانش‌آموز فعالیت دارد. این دبیرستان به توسعه کمی، کیفی و کارآمد علوم انسانی توجه ویژه دارد و از نمونه فعالیت‌های آن که مورد توجه این نشست است دو اقدام ویژه است: یکی بحث پیوند فناوری با علوم انسانی و دیگری بحث ترویج فرهنگ مدارا و گفت‌وگو به معنای مهارت برقراری ارتباط مؤثر است. پیشنهاد دبیرستان فرهنگ، پرهیز از دیوان سالاری اداری و مرکزیت بخشی به آموزش و پرورش است و اگر در پژوهشگاه به‌طور مستقیم با مدارسی که به علوم انسانی اهمیت می‌دهد، ارتباط برقرار کند، زودتر به نتیجه می‌رسد.

در ادامه دکتر محمد نجاری، معاون مرکز نوآوری و توسعه فناوری، با تشریح عملکرد پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در تولید علوم انسانی، از فعالیت‌های فناورانه پژوهشگاه، همچون پرتال جامع علوم انسانی، سامانه مهارت‌زبانی، پایگاه دادگان زبان فارسی، سامانه تحیل محتوا و... یاد کرد و با اعلام آمادگی برای همکاری گسترده با معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری برای توسعه و ترویج و کاربست مفاهیم نوآورانه در علوم انسانی از طریق کارگاه‌ها و نشست‌های علمی مشترک اعلام آمادگی کرد. وی گفت: هم‌زمان با این نشست‌ها، کارگاه‌های ضمن خدمت معلمان منطقه ۱۲ می‌تواند با اعلام نیاز از سوی منطقه در پژوهشگاه برگزار شود.

در ادامه، دکتر سیدرضا حسینی، معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی، با تأکید بر برگزاری کارگاه‌های ضمن خدمت معلمان منطقه ۱۲ از سوی مرکز نوآوری و توسعه فناوری، مفاهیمی همچون: استعمارستیزی، هویت ایرانی اسلامی، تاریخ ایران و... را از اولویت بین کارگاه‌ها برشمرد که مورد پذیرش اعضاء قرار گرفت.

در پایان این نشست با توجه به اهمیت تشکیل حلقه دانش‌آموزی، مقرر شد کارگروه‌های مشترک پژوهشگاه، آموزش و پرورش منطقه ۱۲، دبیرستان فرهنگ منطقه ۲، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، فعالیت خود را آغاز کنند و برنامه و سیاست‌های تعیین شده از ابتدای مهرماه و برای سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ اجرایی شود.



در سی و ششمین جلسه شورای پژوهشی تأکید شد:

ضرورت تقویت گروه‌های علمی پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی

سی و ششمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه ۸ خردادماه ۱۴۰۲ با حضور اعضای شورا برگزار شد. اعضای شورا ضمن تسلیت درگذشت دکتر احمد صفارمقدم و گرامیداشت نام و یاد ایشان و قدردانی از دست‌اندرکاران برگزاری سمینار بزرگداشت دکتر داوری، بر ضرورت بازبینی در ساختار گروه‌های علمی پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشگاه با توجه به محوریت یافتن آنان در برنامه‌های پژوهشی تأکید کردند. در بخش دیگری از جلسه شورا و در ادامه مسائل مطرح شده در جلسه پیشین، اهداف و برنامه‌های مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.



دکتر نجفی: ابعاد و برکات وجودی امام رضا علیه‌السلام چندان برای مردم ایران آشکار نشده است
در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از درود و صلوات بر پیامبر خاتم صل... علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم‌السلام، ضمن گرامیداشت ایام دهه کرامت و تبریک میلاد با سعادت امام هشتم شیعیان، امام رضا علیه‌السلام گفت: باوجود پیوند، دلیستگی و ارادت ایرانیان به همه امامان علیهم‌السلام، امام رضا علیه‌السلام امامی هستند که مورد عشق و توجه خاص ایرانیان هستند و حتی اقلیت‌های مختلف مذهبی نیز به ایشان علاقه و ارادت دارند. با این وجود، هنوز هم ابعاد و برکات وجودی ایشان چندان برای مردم ایران آشکار نشده است و امید است توجه بیشتری در این زمینه صورت گیرد.

قدردانی از دست‌اندرکاران برگزاری سمینار بزرگداشت دکتر داوری

رئیس پژوهشگاه سپس از دکتر سید جواد میری به جهت برگزاری سمینار بزرگداشت دکتر داوری که در روزهای ششم و هفتم خردادماه با عنوان «داوری در ترازوی داوری» به مناسبت نودمین سالروز تولد دکتر رضا داوری اردکانی، استاد فیلسوف، متفکر و اندیشمند برجسته کشورمان در پژوهشگاه برگزار شد قدردانی کرد و ادامه داد: این سمینار دارای ابعاد عمیقی بود و در سطح ملی و فکری، سرمایه‌های علوم انسانی کشور در این سمینار شرکت و ارائه سخنرانی داشتند. وی باکم‌نظیر بودن شخصیت ایشان گفت: شاید بتوان گفت دکتر داوری پس از استاد شهید مطهری، از تأثیرگذارترین شخصیت‌های فرهنگی کشور در نیم قرن اخیر هستند و احتمالاً تا سال‌ها این تأثیرگذاری تداوم داشته باشد. ایشان شاگردان بسیاری را پرورش داده‌اند که برخی از آنها از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه هستند. دکتر نجفی از اینکه دکتر داوری در پیام خود گفته‌اند که جوهر اندیشه ایشان پس از درگذشتشان خود را نشان خواهد داد ابراز تأسف کرد و ادامه داد: برای پژوهشگاه افتخار بزرگی است که با سبقت گرفتن در بزرگداشت مقام و جایگاه علمی این استاد برجسته، زمینه معرفی، تبیین و ترویج هرچه بهتر و بیشتر افکار و اندیشه‌های ایشان را فراهم کرد چنانکه در پیام خود از پژوهشگاه قدردانی کرده‌اند که برای اولین بار است که آثار و نوشته‌هایی که حاصل ۶۰ سال مطالعه دائم ایشان بوده است، مورد توجه و نقد اهالی علم و فرهنگ قرار گرفته است.

پرهیز از سیاست‌زدگی و جناحی کردن مسائل پژوهشگاه

دکتر نجفی با انتقاد از طرح برخی مسائل مطرح شده در فضای مجازی و سیاسی و جناحی کردن آنها به دلیل تأخیر در پرداخت حقوق کارکنان شرکتی پژوهشگاه گفت: پیگیری‌های مختلف صورت گرفته منجر به افزایش چشمگیر و قابل توجه بودجه پژوهشگاه نسبت به سال قبل شد که البته این افزایش، جبران کمبود ناشی از افزایش ناچیز بودجه سال‌های گذشته و به تعادل رسیدن بودجه فعلی پژوهشگاه را موجب شده است. با وجود این افزایش بودجه، به دلایل مختلف تخصیص بودجه اردیبهشت ماه پژوهشگاه در زمان خود صورت نگرفت و منجر به تأخیر دو روزه در پرداخت حقوق کارکنان شرکتی شد که این موضوع از سوی یکی از اعضای پژوهشگاه جنبه سیاسی و جناحی پیدا کرد. رئیس پژوهشگاه با ابراز تأسف از این موضوع ادامه داد: اعضای پژوهشگاه باید با همدلی و همکاری یکدیگر در جهت رفع مسائل و مشکلات مختلف که برخی از آنها متأثر از شرایط حاکم بر اقتصاد کشور است، گام بردارند و از اظهارنظرهای هیجانی و خلاف واقع و انتساب یک موضوع در حد کوچک به سطحی گسترده و کل کشور دوری کنند.

اصلاح فرایندهای مرتبط با بررسی صلاحیت‌های متقاضیان جذب

وی همچنین با اشاره به انتقاد صورت گرفته درخصوص فرایند جذب اعضای هیأت علمی و اصلاح آن گفت: ضمن قدردانی از تذکر مطرح شده در مورد رویه معمول و رایج در مراحل اولیه و پیش از بررسی صلاحیت‌های مختلف علمی و اداری جذب اعضای هیأت علمی پژوهشگاه، این روند مورد بازبینی قرار گرفت و مقرر شده است رئیس پژوهشگاه‌ها و مراکز متقاضی جذب عضو جدید، از ابتدا در فرایند غربال‌گری و بررسی اولیه صلاحیت‌های متقاضیان حضور داشته باشند.

ضرورت بازبینی در ساختار گروه‌های علمی پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشگاه با توجه به محوریت

یافتن آنان در برنامه‌های پژوهشی

رئیس پژوهشگاه همچنین با اشاره به ابعاد مختلف مباحث صورت گرفته در جلسه شورا در زمینه تعیین اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه گفت: یکی از موضوعات مهم و اساسی مورد بحث قرار گرفته ضمن بحث تعیین اولویت‌های پژوهشی پرداختن به تاریخچه و فرایند شکل‌گیری پژوهشگاه‌ها و گروه‌های مختلف پژوهشگاه بود. براساس مباحث مختلف در جلسات شورا مشخص شد که شکل‌گیری و وضعیت موجود پژوهشگاه‌ها و مراکز مختلف در پژوهشگاه براساس سلیقه شخصی بوده است و نه یک رویه منطقی و علمی. از آنجا که از سوی برخی اعضای پژوهشگاه نقدهایی به ساختار فعلی پژوهشگاه‌ها و مراکز و گروه‌های آنها مطرح شده است و اینکه در برخی پژوهشگاه‌ها و مراکز، گروه‌های علمی به صورت نامتوازن یا اعضای هیأت علمی با تخصص‌های مختلف حضور دارند، این مسئله مبدل به یکی از نقاط مبهم و غیرشفاف در ساختار پژوهشگاه شده است که موجب اختلال در فعالیت‌ها و برنامه‌های مختلف پژوهشی، اداری و آموزشی اعضا از جمله تصویب طرح‌ها یا مسائل آموزشی دانشجویان شده است.



دکتر فوزی: پژوهشگاه در حال حرکت به سمت محوریت پیدا کردن گروه‌های علمی است

دکتر فوزی نیز با طرح مسئله محوریت یافتن گروه‌های علمی در پیشنهاد، برنامه‌ریزی و تصویب برنامه‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی پس از بازطراحی شیوه‌نامه پژوهشی پژوهشگاه گفت: پژوهشگاه در حال حرکت به سمتی است که گروه‌های علمی محوریت می‌یابند. در این مسیر باید ماهیت گروه‌های علمی و شاکله پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی باید مشخص باشد تا بتوان به تدریج و البته با برنامه‌ریزی و سرعت بیشتری در مسیر اولویت‌های پژوهشی مصوب پژوهشگاه گام برداشت.

با توجه به طرح موضوع درمورد یکی از پژوهشکده‌ها، ضمن تشکیل کمیته‌ای برای بررسی مسئله در پژوهشکده مورد نظر، مقرر شده است مطابق سیاست مدیریت پژوهشگاه در جهت طرح شفاف مسائل، این موضوع در جلسه بعدی شورای پژوهشی با حضور اعضای موافق و مخالف آن، مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد. با توجه به اینکه این مشکل از سوی چند پژوهشکده و مرکز مطرح شده است، در صورت نیاز پژوهشکده‌ها و مراکز دیگر نیز می‌توانند با طرح مسائل خود درباره ساختار گروه‌های خود، نسبت به اصلاح نام گروه‌ها و... پیشنهادهای خود در شورا اقدام کنند تا با بهره‌گیری از عقل جمعی و مشارکت و نظر همه اعضا تصمیم‌گیری متناسب صورت گیرد.

تسلیت درگذشت دکتر احمد صفارمقدم و گرامیداشت نام و یاد ایشان

در ادامه جلسه دکتر سیروس نصراله‌زاده، رئیس پژوهشکده زبان‌شناسی با تسلیت درگذشت دکتر احمد صفارمقدم و گرامیداشت نام و یاد ایشان گفت: دکتر صفارمقدم از اولین دانشجویان فارغ‌التحصیل رشته زبان‌شناسی در سال ۴۷ بود که پس از استخدام و فعالیت در فرهنگستان زبان، پس از انقلاب در مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) به خدمت خود ادامه دادند و در سال ۱۳۹۷ بازنشسته شدند. از خدمات مهم دکتر صفارمقدم تهیه کتاب‌هایی مهم در زمینه آموزش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی به غیر فارسی‌زبانان «آزوفا» بود که با توجه به نیازهای روزافزون به توسعه و تدوین آثاری در این زمینه، تدوین چنین کتاب‌هایی از فعالیت‌های مهم استاد و پیشبرد این دانش بود و آثار ایشان سالها در مراکز آموزش زبان فارسی در خارج از ایران تدریس میشد.

دکتر یحیی فوزی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه نیز ضمن تسلیت درگذشت دکتر صفارمقدم با تأکید بر اهمیت فعالیت‌های این استاد فقید در جهت ترویج و آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، کتاب‌های وی را از اولین آثار در این حوزه برشمرد و اظهار امیدواری کرد، پژوهشگاه هرچه بیشتر در جهت احیاء و تقویت موضوع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان گام بردارد. اعضای شورای پژوهشی نیز ضمن تسلیت درگذشت این استاد برجسته پژوهشگاه، بر اهمیت قدردانی از خدمات ارزنده ایشان و برگزاری مراسم بزرگداشت مقام علمی او تأکید کردند و از درگاه خداوند متعال، برای این استاد برجسته طلب مغفرت و آمرزش کردند.



قدردانی از فعالیت‌های صورت گرفته در مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه

دکتر نجفی ضمن قدردانی از دکتر حیاتی به جهت فعالیت‌های صورت گرفته در مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه گفت: با پیگیری‌های صورت گرفته توسط دکتر حیاتی و با ابتکار ایشان، زمینه‌های همکاری با دبیرستان‌های مختلف علوم انسانی و سایر رشته‌های منطقه ۱۲ آموزش و پرورش تهران و همچنین دبیرستان علوم انسانی دولتی فرهنگ فراهم شده است که فرصت بسیار خوبی برای پژوهشگاه است تا در جهت آشناتر ساختن نسل جدید با مباحث مختلف علوم انسانی برنامه‌ریزی کند. وی برقراری ارتباط با نسل نوجوان و جوان را بسیار مهم برشمرد و ادامه داد: نسل نوجوان و جوان امروز بسیار آسیب‌پذیر است و پژوهشگران و اعضای هیأت علمی پژوهشگاه می‌توانند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در جهت رفع ابهام‌ها و پاسخ به پرسش‌های مختلف این نسل فعالیت‌ها و اقدامات مناسبی را صورت دهند تا مانع از مهاجرت نخبگان حاضر در آنها به خارج از کشور شد که بهره‌گیری از توانمندی‌های آنان می‌تواند تأثیرات و نتایج بسیار باارزشی برای کشور داشته باشد. دکتر نجفی بر همکاری هرچه بیشتر گروه‌ها، مراکز و پژوهشکده‌های پژوهشگاه با نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه تأکید کرد و گفت: یکی از زمینه‌های این همکاری می‌تواند در گزارش فعالیت‌های پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی براساس اولویت‌های پژوهشی مصوب مورد بحث و تبادل نظر اعضای شورا قرار گیرد.

سپس دکتر زهرا حیاتی، سرپرست مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه ضمن سپاسگذاری از حمایت‌ها و پشتیبانی مسئولان پژوهشگاه به‌ویژه ریاست پژوهشگاه از فعالیت‌های این مرکز در پاسخ به طرح مباحث و مسائل اعضای شورای پژوهشی در جلسه گذشته در ارتباط با برنامه‌ها و اهداف مورد انتظار از این مرکز نکاتی را مطرح کرد. دکتر حیاتی با بیان تفاوت فعالیت‌های این مرکز از فعالیت‌های مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی و تمرکز آن بر جذب ایده‌های خلاقانه و نوآوری‌های فردی و تبدیل آن به محصول مبتنی بر دانش و پژوهش ادامه داد: فعالیت‌های مرکز نوآوری و توسعه فناوری گسترده بوده و علاوه بر اینکه می‌تواند به استخراج ایده‌های نوآورانه از طرح‌های اعضای هیأت علمی برای تبدیل به صنایع خلاق فرهنگی بهره‌بردار، همچنین می‌تواند از سایر ایده‌ها و ظرفیت‌های موجود در داخل و خارج از پژوهشگاه برای تولید این صنایع نیز استفاده کند. سرپرست مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه تأکید کرد، با تشکیل شورای نوآوری و تولید محتوا و برگزاری جلسات آن، از پیشنهادها و ایده‌های اعضای شورا و سایر اعضای پژوهشگاه در جهت تقویت و گسترده‌تر کردن فعالیت‌های مرکز بهره لازم را برده و با انجام حمایت‌های لازم، پژوهشگاه گام‌هایی هرچه بیشتر و بهتر در این مسیر بردارد.

تصویب کلیات برگزاری همایش «تکنولوژی و فرهنگ»

در بخش پایانی جلسه، با توجه به درخواست پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم، موضوع برگزاری همایش «تکنولوژی و فرهنگ: تأملات انتقادی با رویکردهای فلسفی - تاریخی» مورد بحث و تبادل نظر اعضای شورا قرار گرفت. ابتدا دکتر علیرضا منجمی، رئیس پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم با اعلام برنامه‌ریزی صورت گرفته برای برگزاری این همایش در دی ماه سال جاری گفت: در دهه‌های اخیر در کشور ما گرایش زیادی به تکنولوژی‌های نوین شده است و سیاست‌گذاران به رشد و توسعه آن همت دارند. اما نکته مهم این است که نگاه حاکم بر سیاست‌گذاری‌های این حوزه، فنی-مهندسی است حال آنکه مطالعات فلسفه و تاریخ تکنولوژی نشان می‌دهد ابداع هر تکنولوژی با بسترهای تاریخی-فرهنگی و پیش‌فرض‌ها و انگاره‌های فلسفی زمانه خویش درهم تنیده است. غفلت از این بسترها، پیش‌فرض‌ها و انگاره‌ها منجر به پیامدهایی می‌شود که به آنها اندیشیده نشده و آمادگی و تمهید لازم برای مواجهه با این پیامدها صورت نگرفته است. در این همایش به بررسی انتقادی نسبت تکنولوژی و فرهنگ از منظر تاریخی-فلسفی پرداخته خواهد شد.

دکتر منجمی هوش مصنوعی و آینده انسان؛ سلامت و طبی‌سازی؛ انتقال تکنولوژی؛ زیست‌سیاست و روان‌سیاست؛ زیست دینی؛ سواد تکنولوژی؛ زیست شهری و معماری؛ آفرینش هنری؛ تاریخ تکنولوژی در تمدن اسلامی؛ آموزش مجازی را از جمله محورهای این همایش برشمرد و با اشاره به برنامه‌ریزی صورت گرفته برای برگزاری پیش‌نشست‌های مختلف در این همایش، از انتشار فراخوان آن تا نیمه خردادماه خبر داد.

با توجه به ابعاد و مسائل مطرح شده در مورد برگزاری همایش و... از سوی اعضای شورا، ضمن تصویب کلیات برگزاری آن مقرر شد موضوع در جلسه آتی شورا مورد بحث و بررسی بیشتر قرار گیرد.

در سی و هفتمین جلسه شورای پژوهشی صورت گرفت:

تأیید پیش نویس آئین نامه و ضوابط انتخاب قطب های علمی

و شیوه نامه انتخاب استادان سرآمد پژوهشی پژوهشگاه

سی و هفتمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه ۲۹ خردادماه با حضور اعضای شورا برگزار شد. در این جلسه ضمن تسلیت شهادت امام جواد علیه السلام، پیش نویس پیشنهادی معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی درباره آئین نامه و ضوابط انتخاب قطب های علمی و شیوه نامه انتخاب استادان سرآمد پژوهشی پژوهشگاه مورد تأیید اعضای شورا قرار گرفت و همچنین بر ضرورت هماهنگی های لازم با مرکز همکاری های علمی و بین المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای دعوت از سخنرانان و مهمانان خارج از کشور جهت حضور در سخنرانی ها، نشست ها و سایر برنامه های پژوهشگاه تأکید شد.

دکتر نجفی: قبول مسئولیت اداره یک سازمان با سختی ها و دشواری های متعددی همراه است

در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از درود و صلوات بر پیامبر خاتم صلی ... علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام و ضمن تسلیت شهادت امام نهم شیعیان، امام جواد علیه السلام، گفت: امام جواد علیه السلام جوان ترین امام شهید شیعیان هستند که در سن ۲۸ سالگی به شهادت رسیدند، هرچند وجود تابناک و نورانی معصومین علیهم السلام پیر و جوان ندارد و چه در زمان حیات و چه پس از آن، الی یوم القیامه نورافشانی می کنند.

رئیس پژوهشگاه با اشاره به فرازی از نامه ۶۳ نهج البلاغه که در آن امام علی علیه السلام خطاب به ابوموسی اشعری، فرماندار وقت کوفه فرموده است: «حوادث جاری کشور آن چنان آسان نیست که تو فکر می کنی، بلکه حادثه بسیار بزرگی است که باید بر مرکبش سوار شد، و سختی های آن را هموار کرد، و پیمودن راه های سخت و کوهستانی آن را آسان کرد»؛ به تشریح سختی ها و دشواری های اداره امور و کارها برای مسئولان سازمان ها و نهادها و به طور خاص چالش ها و دشواری های اداره امور پژوهشگاه پرداخت و گفت: قبول مسئولیت اداره یک سازمان همچون پژوهشگاه، با سختی ها و دشواری های متعددی همراه است و این چنین نیست که همه چیز فراهم و آماده بهره برداری باشد. از جمله مشکلات پژوهشگاه در دوره های مختلف و به ویژه در حال حاضر، صرف هزینه و زمان بسیار برای حفظ و تداوم تملک املاک و اموال به امانت سپرده شده به مسئولان پژوهشگاه است که البته پس از الحاق ساختمان بنیاد دانشنامه نگاری؛ در این زمینه مدیریت پژوهشگاه با مشکلات متعددی در کنار مشکلات دیگر روبه رو شده است. وی یکی از وظایف اصلی مسئولان سازمان ها را حفظ اموال بیت المال به بهترین شکل آن برشمرد و اظهار امیدواری کرد با پیگیری های صورت گرفته، بتوان در این راستا گام های مثبتی برداشت و این موضوع در حال حاضر یکی از اولویت های اصلی است که انشاء ... با صبر و بردباری همکاران به نتیجه لازم منتهی شود.



تأیید پیش‌نویس آئین‌نامه و ضوابط انتخاب قطب‌های علمی و شیوه‌نامه انتخاب استادان سرآمد پژوهشی پژوهشگاه

سپس دکتر یحیی فوزی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، با اشاره به ابلاغیه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ضرورت تدوین شیوه‌نامه انتخاب استادان سرآمد پژوهشی، آموزشی و فرهنگی در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی براساس دستورالعمل نحوه اعطای پایه تشویقی به اعضای هیأت علمی گفت: پس از تهیه شیوه‌نامه انتخاب استادان سرآمد آموزشی پژوهشگاه، شیوه‌نامه انتخاب استادان سرآمد پژوهشی پژوهشگاه نیز تهیه و در اختیار اعضای محترم شورا قرار داده شد تا در صورت طرح پیشنهاد یا اصلاح، دیدگاه خود را مطرح کنند. دکتر فوزی همچنین با اشاره به تهیه پیش‌نویس آئین‌نامه و ضوابط انتخاب قطب‌های علمی پژوهشگاه مطابق با اسناد بالادستی، که پیش‌نویس این آئین‌نامه نیز در اختیار اعضای شورا قرار داده شده بود، از آنان خواست در این زمینه نیز نظرات و دیدگاه‌های خود را اعلام نمایند. در ادامه و با توجه به تأیید پیش‌نویس‌های تدوین شده، مقرر شد فرایند بعدی تصویب این موارد در مراجع ذی‌ربط ادامه یابد.

تأکید بر اهمیت ثبت اطلاعات فعالیت‌های علمی اعضاء در پایگاه‌های علمی کشور

ضرورت انجام هماهنگی‌های لازم با مرکز همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای دعوت از سخنرانان و مهمانان خارج از کشور جهت حضور در سخنرانی‌ها، نشست‌ها و سایر برنامه‌های پژوهشگاه از دیگر محورهای مورد تأکید معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه بود. دکتر فوزی در ادامه با اشاره به وضعیت پژوهشگاه در رتبه‌بندی‌های مختلف در کشور گفت: در این گزارش‌ها مؤلفه‌ها و شاخص‌های متعددی جهت رتبه‌بندی مؤسسات و مراکز آموزشی و پژوهشی مورد استناد قرار می‌گیرد. فعال بودن و ثبت فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی به‌ویژه مقالات علمی در گوگل اسکالر؛ ثبت چکیده انگلیسی مقالات در سامانه‌های نشریات و سامانه پژوهشی پژوهشگاه؛ استفاده از ایمیل سازمانی و... از جمله شاخص‌هایی است که با انجام آنها توسط اعضاء، می‌توان به ارتقاء هرچه بیشتر جایگاه پژوهشگاه در رتبه‌بندی‌های مختلف امیدوار بود.

تفئذ و تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

در بخش بعدی جلسه عناوین و مجریان برنامه‌های پژوهشی انفرادی (نوع الف) پیشنهادی اعضای هیأت علمی از پژوهشکده‌های مختلف پژوهشگاه توسط دکتر معین‌زاده قرائت و پس از توضیح و تبیین رئیس پژوهشکده ذی‌ربط درباره برنامه پیشنهادی، با توجه به طرح نکاتی از سوی اعضای شورا، تفئذ برنامه پژوهشی مشروط به انجام اصلاحات و تأیید از سوی معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی شد.

در این بخش از جلسه شورا، یک برنامه پژوهشی ترجمه‌ای پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه ذیل طرح کلان ملی «استعمارشناسی در ایران» نیز به تصویب اعضای شورا رسید.

بررسی پیشنهاد برگزاری همایش ملی در زمینه نقش زبان و ادبیات فارسی در فرهنگ و هویت ایرانی از سوی پژوهشکده زبان و ادبیات پژوهشگاه از دیگر دستورجلسات شورا بود. در این بخش پس از بیان ضرورت و اهمیت برگزاری این همایش، تشریح محورها و مسائل آن از سوی دکتر علیرضا شعبانلو، رئیس پژوهشکده زبان و ادبیات، با توجه به طرح نکاتی از سوی اعضای شورا درباره ابعاد و جوانب مختلف آن، مقرر شد این موضوع مجدداً در جلسه آتی مورد بحث و بررسی بیشتر قرار گیرد.

در خاتمه جلسه شورا کلیات پیشنهاد پژوهشکده اخلاق و تربیت برای تأسیس مجله مطالعات میان‌رشته‌ای در روان‌شناسی مورد تأیید قرار گرفت. پس از تشریح اهمیت این موضوع و فقدان مجلات مشابه در این عرصه از سوی دکتر سیدروح‌آباد... شهابی، رئیس پژوهشکده اخلاق و تربیت، مقرر شد پیگیری‌ها و هماهنگی‌های لازم در این زمینه صورت پذیرد.



استعمارزدایی در جامعه‌شناسی امروز

نشست تخصصی «استعمارزدایی در جامعه‌شناسی امروز» با سخنرانی سید فرید العطاس، از دانشگاه ملی سنگاپور و دکتر سید جواد میری در روز شنبه مورخ ۱۳ خرداد ماه به زبان انگلیسی و به دو صورت حضوری و برخط برگزار شد.

دکتر میری در این نشست گفت: نظریه‌های استعمارزدایی، از جمله مباحثی است که علی‌رغم آنکه در دنیا بسیار بدان پرداخته می‌شود، در ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است. او افزود، یکی از مهم‌ترین مسائل در این سنت آن است که «مرکز عالم»، «اروپا» یا «اروپا - آمریکا» محسوب نمی‌شود. در واقع ما نباید با نگاه‌های یورو سنتریک یا یورو آتلانتیک به مسائل و دغدغه‌های بشریت بیندیشیم.

دکتر میری افزود در نشست‌های تخصصی این حوزه به مکتب ایرانی استعمارزدایی هیچ اشاره ای نمی‌شود، و توجه و تمرکز اساتید در این حوزه، بر مکتب هندی، مکاتب آسیایی، مکاتب آفریقایی و مکتب نظری آمریکای لاتین است. او در این راستا دو سؤال «آیا اساساً ایرانیان در صد سال اخیر در این باره مباحثی مطرح نمودند؟» و «آیا می‌توان این مباحث را متصل بندی کرد و ارائه نمود؟» را طرح نمود. و در پاسخ به این سؤال‌ها گفت: غلامحسین ساعدی، رضا براهنی، سیمین دانشور، جلال آل احمد و علی شریعتی، شاید از پیشگامان مکتب استعمارزدایی در ایران بوده اند ولی نه در ایران و نه در سطح جهانی، با این صورت‌بندی شناخته نشده‌اند. سید فرید العطاس نیز ضمن تأیید این مطلب ادامه داد شاید بهتر آن باشد که همایش بین‌المللی در این باب برگزار گردد و مکتب استعمارزدایی ایران هم در امتداد مکاتب دیگر به جهان معرفی شود. در ادامه، دکتر میری حضار را از برگزاری همایش بین‌المللی در این خصوص، در تهران، در اسفند ماه ۱۴۰۲ و با حضور نظریه‌پردازان «استعمارزدایی» جهان به صورت حضوری و برخط، مطلع نمود.



دولت علم، تحقیق، قدری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده مطالعات اجتماعی برگزار می‌کند:

استعمارزدایی در جامعه‌شناسی امروز:

آخرین دستاوردهای تئوریک در حوزه نظریه‌های جامعه‌شناسی در فضای جهانی

Decolonial Sociology Today: The Latest Developments in sociological Theories at the Global Stage

سخنرانان:

سید فرید العطاس
استاد دانشگاه ملی سنگاپور

سید جواد میری
استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شنبه ۱۳ خرداد ماه ۱۴۰۲ ساعت ۱۰ تا ۱۲
برگزاری جلسه به صورت حضوری و مجازی
حضور: سالن ادب
مجازی: <https://b2n.ir/k06494>

گزارش نشست «منطق و فرهنگ»

نخستین نشست از سلسله نشست‌های «فلسفه و فرهنگ»، با عنوان «منطق و فرهنگ» به همت گروه پژوهشی «مطالعات میان‌فرهنگی معاصر» برگزار شد. در این نشست که ۲۸ خردادماه برگزار شد، دکتر حسین شقاقی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به سخنرانی پرداخت.

دکتر شقاقی گفت: دوگانه منطق و فرهنگ، غریب و نامأنوس به نظر می‌رسد. ریشه این نامأنوسی در چیست؟ به نظر می‌رسد مهمترین وجه تمایز در این است که فرهنگ وابسته به اجتماعات و دوره‌های تاریخی بوده و بر مبنای این عوامل، متغیر است. حال آنکه منطق همچون ریاضیات قرار است از قواعد نامتغیر در هر قلمرو زمانی و مکانی سخن بگوید. اگر چنین است منطق نباید وابسته به فرهنگ باشد و مقتضی است از فرهنگ و زمینه‌های فرهنگی مستقل باشد. اما آیا اساساً چنین استقلالی ممکن است؟ بین این دو چه نسبتی برقرار است؟ پاسخ به این مسئله در زمینه و افق گفت‌وگوی میان‌فرهنگی چه نتایجی دارد؟

وی ادامه داد: در اینجا سعی می‌کنیم ابتدا خصوصیت‌های مبنایی هر کدام از این دو قلمرو را و سپس مسئله همگرایی احتمالی آنها را مورد بررسی قرار دهیم. فرهنگ در برابر قلمرو طبیعت شناخته می‌شود. به بیان دیگر، فرهنگ مختص جامعه انسانی است و مجموعه‌ای از نظام‌های معنابخشی و بایدها و نبایدهاست که شکل زندگی انسان‌ها را به لحاظ اجتماعی سامان می‌دهد. در اینجا فرهنگ در برابر اقتضائات طبیعی زندگی شناخته می‌شود. مسلماً بین قلمرو فرهنگ و طبیعت بشر نسبت و ارتباط‌هایی برقرار می‌شود، ولی مسئله این است که فرهنگ در برابر قلمرو طبیعت به مثابه یک قلمرو اجتماعی، انسانی و تاریخی شناخته می‌شود. با این اوصاف اگر بخواهیم برای فرهنگ، خصلتی را ذکر کنیم، به اصطلاحاتی چون هنجار (norm) و قرارداد (convention) می‌توانیم اشاره کنیم. Convention که به قرارداد، رسم و عرف هم ترجمه می‌شود، دقیقاً در برابر اصطلاح طبیعت مطرح می‌شود. در قلمرو طبیعت با امور تجربی و امکانی سروکار داریم، ولی در قلمرو فرهنگ با هنجارها و قراردادهای اجتماعی نانوشته که به نحو تاریخی در اجتماع مورد نظر قوام گرفته‌اند سروکار داریم. باید و نبایدهای هنجاری را نمی‌توانیم در قلمرو تجربه جست‌وجو کنیم. به تعبیر هیوم نمی‌توانیم از تجربیات، ولو به تعداد بسیار زیاد، یک باید بیرون بکشیم.



در اینجا با اولین وجه شباهت فرهنگ و منطق مواجهیم. چون در باب منطق نیز با خصیلتی مواجهیم که نمی‌توانیم آن را از تجربه بیرون بکشیم: ضرورت. مثلاً می‌گوییم «اجتماع نقیضین ضرورتاً محال است». در باب جملات علمی این قید ضرورت را نمی‌توانیم مطرح کنیم، زیرا جملات علمی، جملات تجربی‌اند و تجربه قلمرو امکان و رویدادهای ممکن است. از این‌رو در فلسفه منطق این مسئله ایجاد می‌شود که این قید «ضرورتاً» از کجا می‌آید.

دکتر شقاقی تأکید کرد: در باب این مسئله در ابتدای قرن بیستم سه پاسخ ارائه شده است. پاسخ اول از موضع روان‌شناسی‌گرایی مطرح شد و بر اساس آن جملات منطق حاکی از شیوه اندیشیدن ما است. پاسخ دوم از موضع افلاطون‌گرایی مطرح شد و امثال فرگه آن را ارائه کردند و بر اساس آن مرجع جملات و صدق‌های منطقی در یک قلمرو افلاطونی است. بر مبنای پاسخ سوم (پاسخی که می‌توان آن را در آثار جان استوارت میل، راسل و کواین ریشه‌یابی کرد)، جملات و صدق‌های منطق نیز همچون جملات علمی، تجربی‌اند، با این تفاوت که به خلاف سایر جملات تجربی که صرفاً در برخی از تجارب مورد تأیید و اثبات یا مورد ابطال قرار می‌گیرند، جملات منطقی در تمامی تجارب ما مورد تأیید و اثبات قرار می‌گیرند. مثلاً، تمامی تجربیات ما موید و اثبات‌کننده اصل امتناع اجتماع نقیضین است.

وی در بخش پایانی سخنانش یادآور شد: در برابر این دیدگاه‌ها، ویتگنشتاین در رساله منطقی فلسفی اظهار کرد که منطق، بر خلاف سه دیدگاه ارائه شده، اساساً علم نیست چرا که اصلاً ابژه‌ای ندارد. بلکه منطق روابط بنیادین بین اجزای زبان را نشان می‌دهد. در عین حال، بر اساس رساله ویتگنشتاین، منطق واقع‌نماست، چون متناظر با روابط بنیادین بین اجزای جهان است. بنابراین منطق اول اینکه، با زبان‌گره می‌خورد و دوم، واقع‌نماست. ویتگنشتاین در دوره متأخر به خصلت اول متمرکز شد افزون بر اینکه زبان‌ها یا بازی‌های زبانی را و به تبع آن منطق‌ها را، کثیر و متنوع دانست. منطق وابسته به هنجارها (norms) و قراردادهای (conventions) زبانی شد.

در اینجا می‌بینیم که منطق نیز همچون فرهنگ به هنجارها و قراردادهای زبانی باز گشت. به عبارت دیگر منطق وابسته به چارچوب فرهنگی و زبانی شد. این نکته مسائلی را در ارتباط با نسبی‌گرایی فرهنگی و زبانی ایجاد می‌کند که در جای خود به شکل تفصیلی شایسته بررسی است.



بررسی تفاسیر قرآنی اردو زبان شبه قاره هند

نشست تخصصی «بررسی تفاسیر قرآنی اردو زبان شبه قاره هند»، ۲۴ خردادماه در پژوهشکده مطالعات قرآنی به صورت غیرحضوری برگزار شد. در آغاز پس از تلاوت آیاتی از قرآن مجید، دکتر فروغ پارسا به عنوان دبیر نشست، درباره اسلام در شبه قاره هند و رویکرد متألهان مسلمان در هند و نیز شخصیت علمی پرفسور عبدالرحیم قداوی (رئیس مرکز مطالعات قرآنی دانشگاه علیگر هند) به اختصار سخنانی ارائه کرد. سپس پرفسور عبدالرحیم قداوی تفاسیرهای اردو زبان را به زبان انگلیسی معرفی و دکتر پارسا نیز مطالب ارائه شده را به اختصار ترجمه کرد.



بر اساس سخنان پرفسور عبدالرحیم قداوی، زبان اردو شباهت زیادی به زبان قرآن دارد و تعداد زیادی واژگان اردو در قرآن شناسایی شده و این زبان در بخش‌های مختلف هند، پاکستان و بنگلادش رایج است. از سده ۱۷ میلادی تاکنون نزدیک به ۱۰۰ ترجمه و تفسیر کامل از قرن کریم برای مخاطبان اردو زبان تدوین شده است.

مهم‌ترین این تفاسیر عبارتند از: تفسیر شاه عبدالقدیر ۱۸۲۹؛ تفسیر سید احمدخان با عنوان تفسیرالقران ۱۸۸۰-۱۸۹۵؛ تفسیر حقانی، اثر عبدالحق حقانی ۱۸۸۷-۱۹۰۰؛ تفسیر ثنایی اثر ثنا الله امریتساری ۱۸۹۵-۱۹۲۸؛ اشرف علی تهانوی بیان القرآن ۱۹۰۵؛ احمدرضا خان کنز الایمان ۱۹۱۰؛ ابوالکلام آزاد ترجمان القرآن ۱۹۳۱-۱۹۳۶؛ عبدالمجید دریابادی تفسیر مجیدی ۱۹۵۲؛ مفتی محمد شفیع معارف القرآن ۱۹۶۵؛ کرم‌شاه ازهری ضیا القرآن؛ تفهیم القرآن اثر ابوالعلی مؤدودی ۱۹۷۲؛ تدبرالقرآن اثر امین احسن اصلاحی ۱۹۸۰؛ تفسیرالقرآن اثرعلی محمد نقوی ۱۹۸۲؛ دعوت القرآن اثر شمس پیرزاده ۱۹۹۴؛ تذکر القرآن اثر وحیدالدین خان ۱۹۹۶؛ تیسیر القرآن اثر محمد لقمان سلفی ۲۰۰۰؛ عرفان القرآن اثر طاهرالقدیر ۲۰۰۵؛ بیان القرآن اثر اسرار احمد ۲۰۰۸؛ که در سال‌های مختلف این تفاسیر را تدوین کرده‌اند.



پرفسور قداوی در بخش بعدی، چند تفسیر مهم از جمله تفسیر سیداحمدخان هندی، تفسیر تهانوی، تفسیر ابوالعلی مؤدودی، تفسیر ابوالکلام آزاد، تفسیر دریابادی و تفسیر نقوی را به‌طور مجزا معرفی و ویژگی‌های آنها را بیان کرد. به اعتقاد قداوی؛ تفسیر سیداحمدخان و ابوالکلام آزاد تا حدود زیادی رویکردی عقل‌گرایانه دارند به نوعی تفسیر به رأی تلقی می‌شوند. در حالی که تفسیر تهانوی و دریابادی در شمار تفاسیر به‌مأثور طبقه‌بندی می‌شوند و از احادیث و اقوال پیامبر و صحابه استفاده زیادی کرده‌اند. از سوی دیگر رویکردی منفی و منتقد نسبت به سبک زندگی غربی و مدرنیته در آنها مشاهده می‌شود. نفسیر نقوی هم نمونه یک تفسیر شیعی است که در محیط شبه قاره پدید آمده است. این تفسیر اگرچه اعتقادات شیعه‌به‌ویژه بحث امامت را در خود جای داده ولی تلاش کرده از مجادلات فرقه‌ای خودداری کند. مفسران قرآن مذکور و معرفی شده تقریباً همگی در شمار فعالان سیاسی و اجتماعی هند بوده‌اند و برای استقلال و رهایی از استعمار از آموزه‌های قرآن به‌نحو شایسته‌ای استفاده کرده‌اند.

روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی: رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو

سومین نشست از سلسله نشست‌های همایش علمی «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی: رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو» با ارائه دکتر سیده زهرا اجاق و دکتر احمد شاکری، ۲۴ خردادماه ۱۴۰۲ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. مدیریت این نشست نیز بر عهده دکتر فاطمه براتلو بود.

دانشوندی و تحقیق به روش مشارکتی



در ابتدای این نشست دکتر اجاق (دانشیار و رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات) سخنانش را با عنوان «دانشوندی و تحقیق به روش مشارکتی» آغاز کرد و گفت: اهمیتی که موضوع روش‌شناسی برای پژوهشگران دارد بر هیچ یک از استادان پوشیده نیست؛ به عبارتی اعتبار فعالیت‌های اعضای هیأت علمی برگرفته از این اقدامات (پژوهش‌ها) خواهد بود. این بحث رویکرد نوینی در رشته‌های علوم اجتماعی است؛ تکنیک دانشوندی از سال ۱۹۹۰ (میلادی) یعنی حدود ۳۰ سال است که در دنیا به‌عنوان یک روش مطالعاتی قدمت دارد. به‌منظور آغاز بحث دانشوندی یک اجتماع (community) به نام علم و از طرفی حوزه کلی دیگری تحت عنوان جامعه در نظر گرفته می‌شود. حوزه کلی جامعه اعم از قانون‌گذاران، سیاست‌گذاران، صنعت، بازار و غیره یکی از موارد کلی جامعه نیز عموم مردم هستند. پژوهشگران به‌عنوان کنشگران اصلی هستند که به کار پژوهش یا آموزش مشغول هستند و داده‌های علمی را تولید و تبدیل به اطلاعات می‌کنند و انتظار دارند که جامعه از خروجی این فعالیت به شکل بهینه بهره‌بردار. روندی در ۳۰ سال اخیر مطرح شده است که البته فرآیند معکوسی است و این است که حوزه علم باید از حوزه عمومی نیز داده‌هایی را دریافت نماید. یعنی علم صرفاً دهنده اطلاعات محسوب نمی‌شود بلکه باید گیرنده آن نیز باشد. در این تعامل است که حوزه علم می‌تواند به رشد برسد. این مسیر چند نقطه عطف دارد: اولین نقطه عطف در بحث سواد علمی مطرح است؛ صاحبان علم در رویکرد سواد علمی به‌طور مشخص به این‌صورت در نظر می‌گیرند که کسانی را که بیرون از حوزه خود هستند را دچار نقص علم می‌دانند یا به عبارتی بی‌سواد می‌دانند، اگر سطح سواد مردم افزایش داده شود این مشکل حل می‌شود. برای این منظور، یکسری ابزارها و تکنیک‌ها از دهه ۴۰ یا ۵۰ (میلادی) به جامعه علمی به‌عنوان راه‌کار معرفی شدند. به‌طور مشخص ملاحظه می‌شود همان‌گونه که در دنیا (غرب) سیر پیشرفت سواد علمی صعودی است در ایران نیز فعالیت‌های در این راستا صورت می‌گیرد تا سواد علمی مردم (کشورمان) ارتقاء یابد. به‌عنوان مثال بنده در زمان دانشجویی هنگام تدوین رساله دکتری مجلاتی که در آن زمان منتشر می‌شدند و در کتابخانه ملی موجود بودند را مورد بررسی قرار دادم و در مجلات می‌دیدم که دولت جهت افزایش سطح سواد بهداشتی مردم ایران فعالیت‌هایی را انجام می‌داد؛ نمونه‌های جالبی دیده می‌شد به‌عنوان مثال خانواده‌ی که یکی از عزیزان خود را به علت بیماری از دست داده بود و این بیماری ممکن بود که واجد انگ باشد برای اینکه موضوع (انگ) بین خانواده باقی بماند دیگر جسد را به قبرستان نمی‌بردند بلکه در خفا دفن می‌کردند (مثلاً جسد را در حیاط خانه خود دفن می‌کردند).

دلایل توسعه دانشوندی: افزایش سواد علمی عموم، یادگیری مادام‌العمر و آموزش غیر رسمی، تحول پژوهش و سیاست به سمت پایداری و نوآوری مشارکتی. در عصر فضا که دهه ۱۹۶۰ محسوب می‌شد در مجلات علمی مشاهده می‌شد که به چه میزان همگام با دنیا پیش می‌روند. یعنی دوره‌ای که موضوع افزایش سواد علمی در ایران نیز مطرح می‌شود (هر چند در فازهای بعدی آن پیشرفتی صورت نمی‌گیرد). سؤال این است با این همه تلاش، در ایران چه اتفاقی افتاد؟ آیا با افزایش سواد علمی در ایران رابطه‌ای بین حوزه علمی و عمومی ایجاد شد؟ عملاً این موضوع اتفاق نیفتاد. (البته این اتفاق در سراسر دنیا به این گونه بود). از این جهت مدل پیشرفته‌تری تحت عنوان افزایش درک عمومی از علم طرح گردید؛ در افزایش درک عمومی بحث تغییر نگرش مردم مطرح می‌شود؛ هنوز نظر بر این اساس است که دانشمندان هستند که نسبت به علوم اشراف دارند و مردم باید (حداقل یکسری از مسائل) از دانشمندان بیاموزند. هدف بر حمایت مردم از حوزه علم بنا شده است. البته یک امر کلی است اما اتفاقی که بعداً در بحث ارتباط علم و جامعه رخ داد، رویکرد تعاملی و مشارکتی است. در این رویکردها سواد علمی از بین نمی‌رود. شما به عنوان یک دانشمند پیشرو، اطلاعات جدید را تولید می‌کنید که مردم از آن بی‌اطلاع هستند و باید به شیوه‌ای به مردم انتقال یابد؛ از این جهت بحث مذکور در دانشوندی به عنوان یک رویکرد جهت توسعه مطرح می‌شود. بحث یادگیری مادام‌العمر معادل افزایش درک عمومی از علم است که مطرح می‌شود که شیوه دیگری جهت افزایش توسعه دانشوندی است. بحث دیگر تحول سیاست به سمت پایداری است. پروژه‌هایی که به رابطه علم و جامعه متمرکز می‌شوند به جای انتقال فرآیند پژوهش بر روی یادگیری مردم متمرکز شوند. تحول سیاست پژوهش به سمت پایداری است و حوزه علم و عمومی به دنبال پایداری بیشتر است. بحث دیگری که موجب توسعه دانشوندی می‌شود، نوآوری مشارکتی است. نوآوری مشارکتی از جمله عواملی که موجب پایداری دانشوندی در جامعه به مرور زمان می‌شود. بحث دیگر، پروژه‌هایی که به علم و جامعه مرتبط هستند به جای اینکه بر انتقال محتوای علمی متمرکز شوند بر درک مردم جهت پذیرش فرآیند پژوهش سعی خواهند داشت.

مشوق‌های ظهور دانشوندی: ۱- مطالعات نشان داده اند که اگر موضوع ارتباط مستقیمی با زندگی و منافع مردم داشته باشد و فرآیند یادگیری تعاملی باشد، دانشوندی پایدار می‌شود و مردم انگیزه بیشتری برای مشارکت و یادگیری خواهند داشت. ۲- پروژه‌های درک عامه از علم کمتر بر کمک به مردم برای تجربه و درک فرآیند پژوهش متمرکز دارند و بیشتر بر تفویض و تحویل محتوای علمی متمرکز هستند. این دو مشوق موجب پایداری دانشوندی می‌شوند.

دکتر اجاق شرح داد: مفهوم دانشوندی عبارت است از پروژه‌هایی که به شرکت کنندگان (عموم) اجازه می‌دهد مردم فرآیند و محتوای علم را بیاموزند و پژوهش را تجربه کنند. به چه صورت‌هایی این مشارکت می‌تواند صورت گیرد و در چه مواردی مردم می‌توانند مشارکت داشته باشند؟ آغاز فرآیند مشارکت با ارائه داده و اطلاعات از مردم به پژوهشگران آغاز می‌شود و تا انتها که نتیجه‌گیری در پژوهش است مردم می‌توانند شرکت داشته باشند با این مقدمه دانشوندی (CITIZEN SCIENCE)، یک ابزار پژوهشی و آموزشی محسوب می‌شود که در آن افراد عادی در فرآیند علم درگیر می‌شوند به گونه‌ای که به شرکت کنندگان اجازه می‌دهند که هم محتوا و فرآیند علمی را یاد بگیرند و هم لذت و هیجان پژوهش را تجربه کنند. دانشوندی ابزاری برای پیشبرد مأموریت‌های مؤسسات علمی و فرهنگی در آموزش عمومی درباره موضوعات علمی، فرهنگی و توسعه، آموزش مردم در مورد فرآیند علم و پیوند مردم به دنیای طبیعی و فرهنگ بومی و جهان پیشرفته است.

دانشوندی به مؤسسات آموزشی و پژوهشی بسیار کمک می‌کند و در آموزش علمی جامعه نیز یک ابزار مفید محسوب می‌شود، تا مردم با فرآیند علم آشنا شوند و با فرهنگ بومی خود پیوند بیشتری داشته باشند. انواع روش‌های مشارکت عمومی در پژوهش‌های علمی: انتخاب یا تعریف سؤال برای پژوهش، گردآوری اطلاعات و منابع، ارائه فرضیه درباره پاسخ‌های احتمالی، گردآوری داده، تحلیل داده‌ها، تفسیر داده‌ها، انتشار داده‌ها، بحث در مورد نتایج و طرح سؤالات جدید.

مختصات روش دانشوندی: حضور شهروندان، پروژه‌های دانشوندی توسط دانشمندان حرفه‌ای نظارت و هدایت می‌شوند، دستیابی به داده‌های مفید و کاربردی برای حل مسائل زندگی روزمره (یا به عبارتی موضوعی که دانشوندی با آن مرتبط است با زندگی روزمره مرتبط باشد و داده‌های مفید و کاربردی برای سطح زندگی از آن استخراج شود)، هدف آن آموزش عموم مردم است و مشارکت پژوهشگر به همراه اهداف آموزشی است. عمده پروژه‌های دانشوندی باید توسط یک دانشمند حرفه‌ای نظارت و مدیریت شود لزوماً به این صورت نیست که پروژه‌ای که مردم خود در حال اجرای آن هستند یک پروژه دانشوندی باشد. هدف اصلی دانشوندی آموزش عموم مردم است.



دو ویژگی منحصر بفرد دانشوندی عبارتند از: مشارکت پژوهشگران و اهداف آموزشی است که این ابزار در پیش دارد. دانشوندی چه حوزه‌های را در برمی‌گیرد: علوم طبیعی، بهداشت و مطالعه کتاب مقدس (انجیل). بیشترین استفاده را از این ابزار برده‌اند.

دکتر اجاق در مورد اینکه دانشوندی چه مدل‌هایی دارد شرح داد: دانشوندی پنج قالب دارد؛ پروژه‌های قراردادی (Contractual): گروه‌های مختلف اجتماعی از پژوهشگران حرفه‌ای می‌خواهند که درباره موضوعی تحقیق کنند و نتایج را ارائه دهند؛ مثلاً آب آشامیدنی موجب یکسری بیماری‌هایی در کودکان می‌شود (به‌عنوان یک سؤال مطرح می‌شود) که بیولوژیست‌ها و پزشکان باید به آن پاسخ دهند و مسئله را حل کنند، حتی مردم نیز در این زمینه از نظر مالی کمک خواهند کرد. طرح سؤال از طرف جامعه و ادامه کار با علم است. پروژه‌های همیاری (Contributory): پروژه تحقیقاتی را دانشمندان طراحی می‌کنند و مردم فقط در گردآوری داده کمک و یاری می‌کنند. پروژه‌های مبتنی بر همکاری (Collaborative): پروژه تحقیقاتی را دانشمندان طراحی می‌کنند و از مردم انتظار می‌رود در گردآوری داده کمک کنند ولی ممکن است طی کار مردم در پالایش طراحی پروژه، تحلیل داده یا انتشار داده‌ها همکاری کنند. پروژه‌های هم‌آفرینی (Co-created): طراحی پروژه توسط دانشمندان و مردم با هم صورت می‌گیرد و عده‌ای از مردم در اغلب یا همه گام‌های پژوهش شرکت دارند. در پروژه‌های مبتنی بر همکاری از مردم انتظار می‌رود که نه تنها در گردآوری داده، بلکه در تحلیل داده نیز همکاری کنند. در پروژه‌های هم‌آفرینی، از ابتدا با مشارکت هر دو طرف پیش می‌رود. مشارکت‌های دانشگاهی (Collegial Contributions): افراد غیردانشگاهی که تا حدی مورد تأیید دانشگاهیان هستند، کار پژوهش را مستقلاً انجام می‌دهند. در مشارکت دانشگاهی افراد غیر دانشگاهی دعوت می‌شود؛ مثلاً دانشجویان دوره کارشناسی را به یک فعالیت پژوهشی دعوت می‌شوند؛ آن‌ها می‌توانند شراکت کنند یا مستقل کار را پیش ببرند.

براین اساس سه نوع دانشوندی تعریف می‌شود: دانشوندان به‌مثابه گردآورندگان داده، دانشوندان به‌مثابه مفسران داده و دانشوندان به‌مثابه شرکاء کامل. دانشوندان به‌مثابه گردآورندگان داده، مثلاً در پروژه‌های مربوط به کیفیت آب و هوا، تنوع گیاهان، زندگی دوزیستان و غیره تعدادی از مردم داوطلب می‌شوند که وقت خود را به این کار اختصاص دهند در کشورهای توسعه یافته، معمولاً داوطلبان به‌صورت رایگان مشارکت می‌کنند؛ ولی در کشورهای در حال توسعه مردم با پرداخت پول این کار را انجام می‌دهند. مهمترین نتیجه این فعالیت برای پژوهشگر این است که حجم زیادی داده به‌دست خواهد آمد، که نیازی به آموزش (چندان به) مردم نیست و فعالیت با حداقل آموزش هم امکان انجام دارد. و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اعتبار یافته‌ها به اندازه اعتبار داده‌هایی که متخصصان اجتماعی و انسانی انجام می‌دهند است. نوع دوم دانشوندی: شهروندان به‌مثابه مفسران داده؛ در این مرحله مردم داده‌ها را تفسیر می‌کنند یکسری عکس از تعدادی سوژه گرفته می‌شود، مردم عکس‌ها را برای پژوهشگران دسته‌بندی و طبقه‌بندی می‌نمایند و حتی تفسیری ارائه می‌دهند؛ مثلاً در مورد اینکه چند دسته عکس می‌توانیم داشته باشیم و این عکس‌ها چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند تفسیر تلقی می‌شود و موارد قابل توجهی در کشورهای در حال توسعه وجود داشته است مزیت این مدل آن است که زمان لازم و برای تفسیر حجم زیاد داده را کاهش می‌دهد و ممکن است پژوهشگر دچار این استرس شود که تفسیر داده شده نادرست باشد ولی به دلیل اینکه شهروندان را به‌جایی (جهت مشارکت) می‌برید که حجم داده زیاد است و تفسیر یافته‌هایی که تاکنون بدست آمده این است که از جهت ارتقاء علمی تضمین می‌شوند (به‌عبارتی مشکلی وجود ندارد). نوع سوم دانشوندی: دانشوندان به‌مثابه شرکاء کامل؛ مردم از طرح سؤال تا انتهای پژوهش را حضور دارند، معمولاً خیلی کم از این قبیل نمونه‌ها در دنیا پیش آمده است و بیشتر فعالیت‌هایی از این قبیل در مناطق استوایی یا قطبی بوده است، مثلاً اسکیموها با آن شرایط (محیطی) عادت کرده‌اند، گاهی لازم است فعالیت به مردم (بومی) سپرده شود و از دور نظارت شود همچنین مواردی وجود داشته است (برای جاهایی که شرکاء کامل یا هم‌آفرینی دیده می‌شود) کمتر همانند آن در دنیا دیده شده است، به هر شکل با محدود مطالعاتی که انجام شده از لحاظ اعتبار علمی باوجود اینکه در مورد آن بحث‌هایی پیش آمده بازهم داده از جایی آمده که به‌طور آسان دسترسی به آن منطقه ممکن نیست یا هزینه خیلی سنگینی را منجر می‌شد از این جهت میزان خطای آن به فایده آن غلبه می‌کند. از طرف دیگر خود مردم هم که در شرکاء کامل حضور دارند صدای خود را می‌توانند به عموم دیگر برسانند و مسیری می‌شود برای اینکه مردم بتوانند صدای خود را به گوش انسان‌های دیگری که در حوزه علم و عمومی هستند، برسانند.

بررسی پروژه‌های دانشوندی در اروپا نشان می‌دهد که بیش از ۸۰ درصد از فعالیت‌های فعلی دانشوندی به علوم زیستی و طبیعی و تنها ۱۱ درصد به علوم اجتماعی و انسانی محدود می‌شود؛ ۹۹ درصد پروژه‌های دانشوندی در کشورهای انگلیسی و آلمانی زبان از نوع کمک کننده بوده‌است. این مطلب به این مفهوم است که در کشورهای در حال توسعه هنوز همچنین فعالیتی در آنها اتفاق نیافتاده است.

به‌وسیله دانشوندی در علوم اجتماعی شهروندان می‌توانند با استفاده از شواهد مبتنی بر علم در تحقیقات مشارکت کنند و به سیاست‌گذاران اطلاع دهند؛ این امر امکان دموکراتیک کردن علم و افزایش مسئولیت آن در قبال جامعه را فراهم می‌کند؛ علوم اجتماعی به‌ویژه در رشته‌های ارتباطات، مدیریت و روان‌شناسی برای پروژه‌های دانشوندی ظرفیت بیشتری نسبت به علوم انسانی دارند.

دکتر اجاق ادامه داد: ترکیب دانشوندی در علوم اجتماعی و انسانی موجب افزایش نقش هر دو در پایداری می‌شود؛ زیرا علوم اجتماعی در درک شاخص‌های فنی-اجتماعی چالش‌هایی مانند تغییرات اقلیمی یا از دست رفتن تنوع زیستی نقش مهمی دارند. مثلاً درک جامع این چالش‌ها نیازمند فهم نظام ارزش‌ها، اقتصاد، نظام حاکمیت و غیره است که تنها از راه علوم اجتماعی و انسانی حاصل می‌شود. روش‌ها و مهارت‌های علوم اجتماعی موجب درک بهتر انگیزه و فرآیندهای یادگیری شرکت‌کنندگان می‌شود که یادگیری آن‌ها توسط مردم موجب افزایش خودکارآمدی مردم و بهبود نتایج و تأثیرات پروژه‌های دانشوندی می‌شوند.

چگونگی اجرای تکنیک دانشوندی: فراخوان دادن و استفاده از شهروندانی که علاقه‌مند هستند، جمع‌آوری هرگونه داده (برای کلان مقیاس شدن داده‌ها و دسترسی به داده‌های مخفی)، استفاده از داده محلی برای اینکه در محله خود کار کنند، از ظرفیت‌های فناوری نوین استفاده شود. به‌عنوان مثال: پروژه Yapes (Young adults political experience sampling) در اتریش انجام می‌شود؛ می‌خواهند متوجه شوند که جوانان و نوجوانان به چه صورت با سیاست آشنا می‌شوند و از خود جوانان و نوجوانان می‌خواهند که با استفاده از تلفن‌های هوشمند خود برای ارسال نظرات و عکس‌هایی درباره نحوه ارتباط با مسائل سیاسی استفاده می‌کنند؛ هدف تحقیق: درک اینکه چگونه، کجا و از طریق کدام منابع جوانان با سیاست مواجه می‌شوند برای علم روزبه‌روز دشوارتر می‌شود. هدف Yapes این است که جوانان خود به این سؤال پاسخ دهند.

چالش‌های دانشوندی: ۱- ارتباطات، بخش اصلی دانشوندی است؛ ارتباطات در حوزه دانشوندی موضوعی فراتر از انتشار نتایج است. اگر انگیزه شرکت‌کنندگان بالقوه کاهش یابد، هیچ پروژه دانشوندی وجود نخواهد داشت. اگر دانشوندی را به‌عنوان راهبردی برای ارتباطات علم درک کنیم، فرصت‌ها و افق‌های جدیدی برای بحث و انتشار گشوده می‌شود. ۲- ارزیابی، روش‌های جدیدی برای ارزیابی رویکردهای مشارکتی لازم است. دو راهی دانشوندی: دانشوندی پاسخی به تمام نیازهای پژوهشی نیست و می‌تواند به اندازه هر کار پژوهشی دیگری زمان‌بر یا پرهزینه باشد. مزایای آن می‌تواند این باشد که مؤلفه آموزشی آن تأمین مالی پروژه‌هایی را که به سختی از آنها حمایت می‌شود را توجیه می‌کند. حضور شهروندان می‌تواند موجب گسترش زمانی و مکانی پروژه‌ها شود.



شهروندی و روش‌مندی ارتباطات شهری



در ادامه نشست دکتر احمد شاکری (عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات) سخنانش را با عنوان «شهروندی و روش‌مندی ارتباطات شهری» آغاز کرد و گفت: در بحث حاضر مهم‌ترین پرسش پیش‌رو این است: زمانی که روش پژوهشی از یک جغرافیا به جغرافیای دیگر منتقل می‌شود دچار چه چالش‌هایی می‌شود و به زبان دیگر اینکه چرا بخش اعظمی از نظریه‌ها زمانی که به واسطه ترجمه یا ابزارهای انتقال از یک جغرافیا به جغرافیای دیگر جابه‌جا می‌شوند چگونه دچار بدفهمی یا خوانش نادرست شده یا حتی کارکرد آن‌ها به «ضد کارکرد» تبدیل می‌شود. برای اینکه این چشم‌انداز در بحث تحقق یابد، مقدماتی باید ارائه شود. در همین راستا زمانی که درباره موضوع شهر، شهروندی و ارتباطات شهری صحبت می‌شود سه پرسش طرح می‌شود: چرا باید در مورد شهر گفت و گو انجام شود؟ چرا در قالب یک روش‌شناسی این موضوع باید طرح شود؟ چرا ژئوکرتیک که در ایران به عنوان نقد جغرافیایی مصطلح شده دچار کژفهمی در دریافت نظریه شده است؟

شهر پدیده‌ای انسانیست و همین موجب می‌شود اغلب مطالبی که در قالب‌های مختلف در خصوص شهر ارائه می‌شوند بحث‌برانگیز و قابل تفسیر شوند. به همین دلیل است که فهرست بلندبالای افراد نشان می‌دهد، نظریه‌پردازان بسیاری مایلند آراء خود را در حوزه شهرپژوهی ارائه کنند. بر همین اساس است که با احتیاط می‌شود گفت، هنوز چالش‌های بسیاری بر برداشت‌های متفاوت از شهرپژوهی می‌تواند وجود داشته باشد. به عبارتی می‌توان گفت شهرپژوهی در شکل *city studies* و *Urban studies* یک تخصص و سواد شهر یک دانش است. ما در شهر به مثابه مجموعه‌ای دربرگیرنده از رخدادها، فضاها و مکان‌ها و اتفاقات مختلف فرهنگی و هنری مواجهیم که زاویه دید هر کدام از ما به منزله یک روایت از آن تلقی می‌شود. وقتی راجع به شهر صحبت می‌شود، قطعاً بحث هویت شهری مهم است و زمانی که بحث در مورد هویت است، موضوع تحلیل فضا با اهمیت می‌شود و بیش از آن تئوری‌های میان‌رشته‌ای نظیر تئوری شکل شهر اهمیت پیدا می‌کند.

اگر بخواهیم تعریفی توافقی در مورد هویت شهری داشته باشیم می‌توان گفت، هویت شهری مجموعه‌ای از مؤلفه‌های طبیعی، انسانی و مصنوعی (ساخته دست بشر) است. وقتی راجع به هویت و شهر صحبت می‌شود مباحث مرتبط با تحلیل فضا را بایستی بررسی کرد؛ هرچند مطالعات مرتبط با فضا در مکاتب فکری مختلف از سال ۱۹۴۰ به بعد شکل‌های متفاوتی داشته است؛ در ایران هم مقالاتی در خصوص تحلیل فضا به مثابه گفتمان نگاشته و ترجمه شده که مقاله دکتر کاشی در سال ۱۳۹۰ از جمله این مقاله‌هاست. بر همین اساس در تحلیل فضا، وقتی پژوهشگر به دنبال واکاوی فضایی باشد، ابتدا باید در مورد سبک مکان آن بحث شود، اینکه ساختار فضا گسسته است یا شکلی پایدار دارد. نکته دوم مفصل‌بندی فضا است و اینکه چگونه کارکردهای مختلف که فضاهای متنوع دارند، می‌توانند به یکدیگر پیوند داده شوند. بحث سوم، بحث روح فضا است. معمولاً گفته می‌شود در یک فضا با معانی کانونی مختلفی مواجه هستیم که با جابه‌جایی روح فضا کارکرد به ضدکارکرد در آن فضا تبدیل می‌شود؛

نکته چهارم، خاطرات مندرج در فضا است، هر چقدر فضا حامل و حاوی خاطرات بیشتری باشد به لحاظ تاریخی فرد می‌تواند حس تعلق بیشتری به آن فضا داشته باشد؛ به عبارتی خاطرات مندرج در یک فضا رفتار و مناسبات کنشگران موجود در آن فضا سامان می‌دهد. موارد دیگری نظیر آرزوهای مجسم و توازن‌های زمانی در فضا نیز مهم هستند که می‌توان دریافت چگونه برخی فضاهای درگیر گذشته و برخی نیز درگیر آینده هستند. ساختار قدرت در فضا نیز مهم است که در مناسبات قدرت سه نوع قلمرو در نظر گرفته می‌شود: فضای اعمال کننده قدرت، فضای اعمال کننده مقاومت و فضای میانه که سعی می‌کند اعتدال دو فضا را حفظ کند. با این نگاه به بحث‌های مرتبط با تحلیل فضا می‌توان در مورد فضاهای شهری گفت‌وگو کرد و از شهر به‌عنوان یک میدان مطالعاتی نام برد. بر همین اساس فضاهای شهری سه ویژگی مشخص دارد: مکان، روابط و انسان‌ها؛ بنابراین پیچیدگی روابط انسانی که در کاربردهای متنوع قرار می‌گیرد و خود انسان‌ها که در بخش‌های مختلف قرار می‌گیرند رفتارهای متکثر، متناقض و متعدد از خود بروز می‌دهند، سبب می‌شوند بررسی روابط در فضاهای شهری نگاه متمایز نسبت به بقیه فضا پیدا کنند.

دکتر شاکری ادامه داد: با چنین نگاهی به شهر به موضوع ارتباطات شهری می‌پردازیم که به لحاظ روش پژوهش جزو رویکردهای نوپدید در مطالعات ارتباطی به‌شمار می‌رود. از سال ۲۰۱۵ بحث ارتباطات شهری به شکل جدی‌تری در محافل دانشگاهی مطرح شده است. از این منظر شهر به‌مثابه مجموعه دربرگیرنده رخ داده‌ها، فضاهای مکان‌ها و اتفاقات مختلف است و به شهر از سه زاویه همچون بافتار، همچون رسانه و همچون محتوا نگریسته می‌شود. بر اساس همین نگاه به شهر است که از منظر ارتباطی می‌توانیم بگوییم، ارتباطات شهری مجموعه‌ای از روش‌هایی است که بر اساس آن تلاش می‌شود تا روابط مردم در شهرها با دیگران و با محیط شهری از طریق ابزارهای نمادین (فناورانه و یا مادی) بررسی شود؛ به عبارت دیگر این که انسان‌ها چگونه ارتباط برقرار می‌کنند یا برعکس ارتباط برقرار نمی‌کنند؛ به همین دلیل است که شهر حامل و حاوی انواع تنش‌های فضایی است. از این رو شاهد ظهور استعاره‌ها و مفاهیم مدرن که به تازگی مفاهیم جدیدی مثل شهرهای هوشمند، شهرهای خیالی یا رسانه‌ای در حوزه ارتباطات شهری تعریف می‌شوند و این اصطلاحات و مفاهیم پژوهشگران را به مفاهیم جدیدی می‌رساند که ضمن توصیف شهر آن را به یک مفهوم تبدیل می‌کنند. از یک طرف شهر را به‌عنوان شبکه پیچیده از پیوندهای شبکه‌های محلی، بومی و جهانی در نظر گرفته می‌شود و روابطی که در شهر وجود دارد به‌عنوان نمادهایی برای تفسیرها و کنش‌گری‌های شهری در نظر گرفته می‌شود. ارتباطات شهری در واقع حوزه نوظهور و میان‌رشته‌ایست که تلاش می‌کند ترکیب فناوری و تعامل اجتماعی و برهم‌کنش‌های موجود در فضاهای مختلف را نمایش دهد.

بر اساس نگاه به حوزه «محتوا محور» می‌توان به بررسی یک روش‌شناسی در حوزه مطالعات فرهنگی و چالش‌های



آن در انتقال به حوزه‌های مطالعاتی در ایران پردازیم. ژئوکریتیک یک روش یا روش‌شناسی در ادبیات تطبیقی و مطالعات فرهنگی است که پس از ورود آن در سال ۲۰۰۷ در ایران به نقد جغرافیایی ترجمه شد. ژئوکریتیک در مرحله نخست ارائه خود مطالعه بازنمایی فضاهای شهری و انسانی در شرایط مختلف است. بنیان‌گذار آن‌چه در ایران به‌عنوان نقد جغرافیایی شناخته می‌شود «برتراند وستفال»، استاد دانشگاه لیموژ فرانسه است. پس از توافق صورت گرفته میان نظریه‌پردازان این حوزه، در سال ۲۰۰۰ توافقی صورت گرفت که یک نفر مجموعه تمامی نظریات ارائه شده از سال ۱۹۴۰ (بعد از میخائیل باختین) را جمع‌بندی و به‌عنوان یک صورت‌بندی جدید ارائه کند. وقتی راجع به نقد جغرافیایی صحبت می‌شود در واقع تاریخچه‌ای پشت آن قرار دارد که از زمان باختین و نظریه فضازمان شروع می‌شود؛ سپس نظریات مختلفی تا سال ۲۰۰۰ مطرح می‌شود. آن‌چه برتراند وستفال در حوزه نقد جغرافیایی مطرح می‌کند در مرحله نخست طرح این رویکرد در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ در واقع تکمیل نظریه‌های پیشینان خود بود. او به خوانشی متفاوت از تعاملات انسان با فضاهای پیرامونش پرداخته و با پیشنهاد نگاه ویژه‌ای به فضا و جغرافیا «دیگری» را بخشی از هستی تعاملی و ارتباطی «من» به‌شمار می‌آورد؛ امری که خود از تأثیر عواملی نظیر پیچیدگی و درهم‌آمیختگی روابط انسانی و جغرافیا و فرهنگ بی‌بهره نیست. وستفال در نخستین مرحله ارائه نظریه خود، از برآیند میان خود و دیگری به اهمیت جامعه اشاره می‌کند. این روش‌شناسی با رویکردهای خود بر پایه میان فرهنگی و گفت‌وگوهای شکل‌یافته میان من و دیگری در انواع فضاها شکل گرفته است و به تازگی مباحث مرتبط با «بی‌نهایت فرهنگی» را مطرح کرده است.

دکتر شاکری در بخش پایانی سخنانش شرح داد: وستفال با ارائه سه مفهوم نظری و چهار اصل پایه‌ای نظرات معتقد است با سه مفهوم فضازمانیت، ترامرزی یا مرزشکنی و ارجاعیت به بررسی تعامل فضاها با یکدیگر و جابه‌جایی مرزهای فضا پردازد و معتقد است که تعاملات فرهنگی در درون سیستم‌های انسانی صورت می‌پذیرد تا در متن‌های ادبی و هر متن به منزله تلاشی برای نقشه‌برداری ادبی از یک فرهنگ است. بر همین دیدگاه است که او چهار اصل چند دیدی، چند حسی، لایه‌نگاری و بینامتنیت را مطرح می‌کند و معتقد است مکان بستری از لایه‌های متفاوت است که هر کدام به زمان‌های متفاوت تعلق دارند؛ به‌گونه‌ای که لایه پیشین در ارتباط با لایه پسین است و مرور زمان بر این لایه‌ها دو نوع زمان را به‌وجود آورده است: تک زمانی و چند زمانی. در چنین فضایی طبق نظر وستفال دو نوع رابطه میان واقعیت و بازنمایی آن می‌تواند وجود داشته باشد که قابل تعمیم به فرهنگ نیز هست؛ بر همین اساس می‌توان گفت، به‌نظر می‌رسد هر چند ما با بازنمایی‌های بسیار گوناگونی از فرهنگ روبه‌رو هستیم که می‌تواند اعتبار هر کدام از آن‌ها دچار تردید باشد اما وقتی با کثرت قابل توجهی از بازنمایی‌های فرهنگی در یک فضای مشخص روبه‌رو هستیم، ظاهراً جهت‌سنجش اعتبار آن به مؤلفه‌ای به نام «هویت فرهنگی» نیاز است تا تصویری نزدیک به حقیقت را بتوان ترسیم کرد. وستفال در نگاه متأخر خود خوانش یک فرهنگ از مسیر به رسمیت شناختن مؤلفه‌های هویت‌های فرهنگی را به بی‌نهایت فرهنگی تعبیر می‌کند.

در پایان آن‌چه مهم است مسیر مسیری طی شده این نظریه‌ها و دریافت آن‌ها از جغرافیای مبدأ به جغرافیای مقصد است. به‌عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌رو در رویکردهای نوظهور، احتمال تغییر دریافت یک مفهوم و تبدیل آن نظریه به‌نظریه‌ای دورتر از مفهوم اصلیت. ژئوکریتیک یکی از نمونه‌های موجود در این حوزه است. به‌نظر می‌رسد در برگردان مفاهیم روش شناختی با لحاظ وسواس و پرهیز از شتاب‌زدگی می‌توان از کوفهمی این روند انتقال از مبدأ به مقصد، کاست و در کاربرد آن دقت نظر بیشتری داشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گروه پژوهشی مدیریت
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

نشست سوم

سلسله نشست‌های همایش

روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی:

رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو

سخنرانان:

دکتر سیده زهرا اجاق
دانشوندی و تحقیق به روش مشارکتی

دکتر احمد شاکری
شهروندی و روش‌مندی ارتباطات شهری

مدیر جلسه:

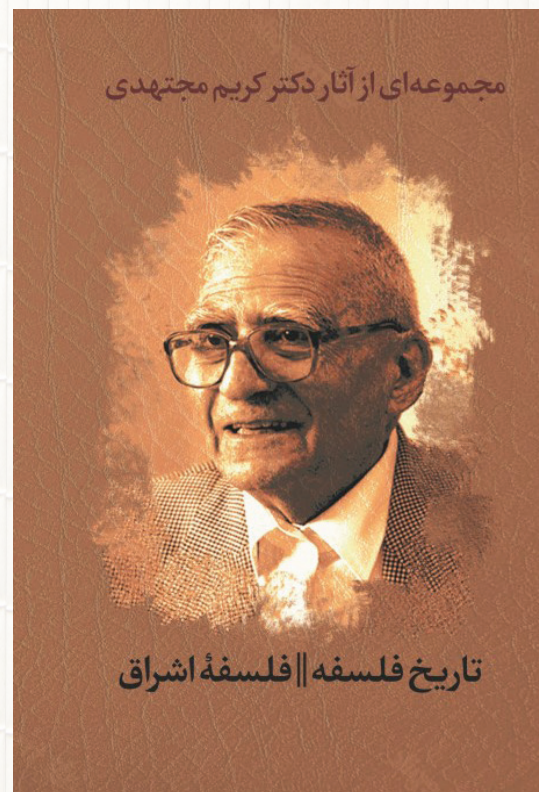
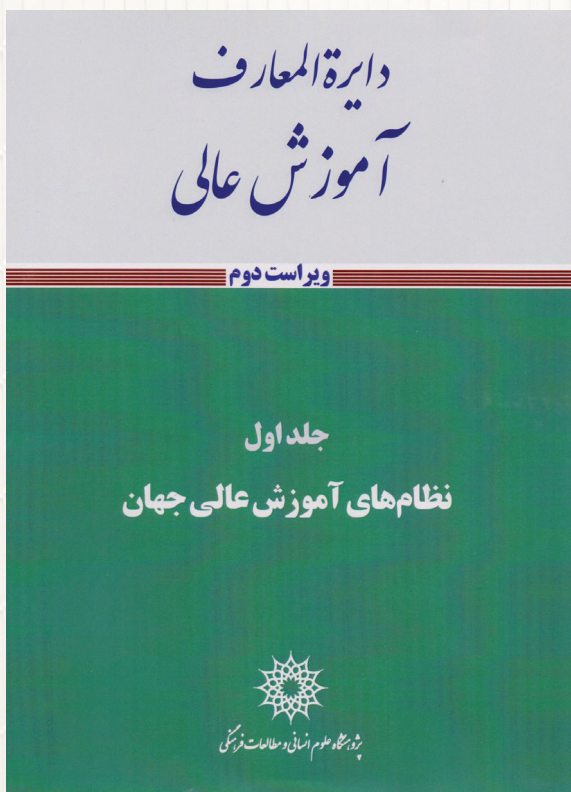
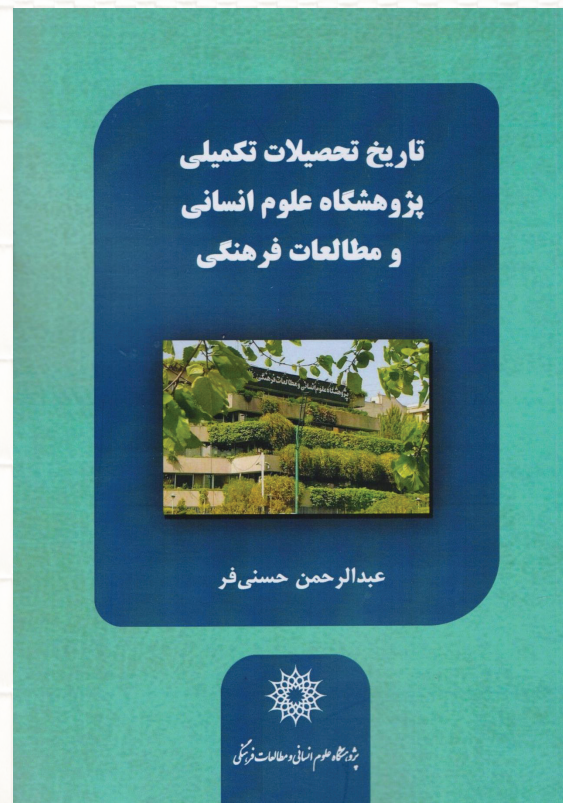
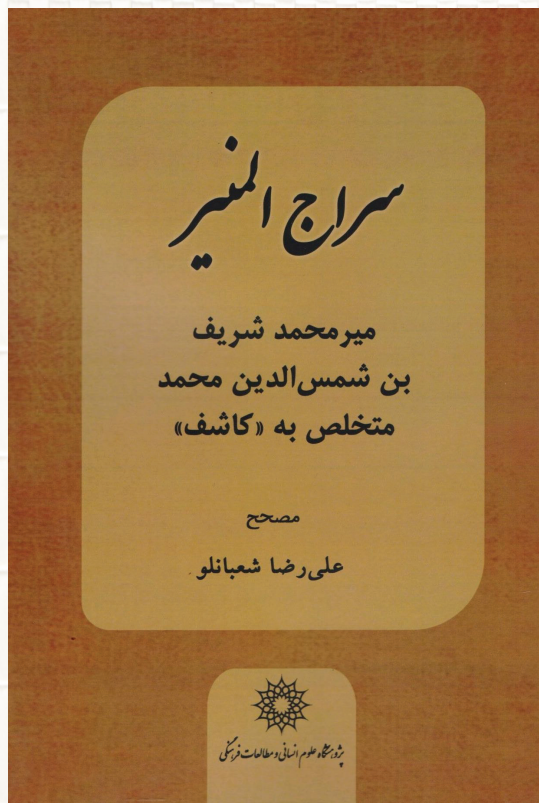
دکتر فاطمه براتلو

چهارشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۲ ساعت: ۱۳ تا ۱۵

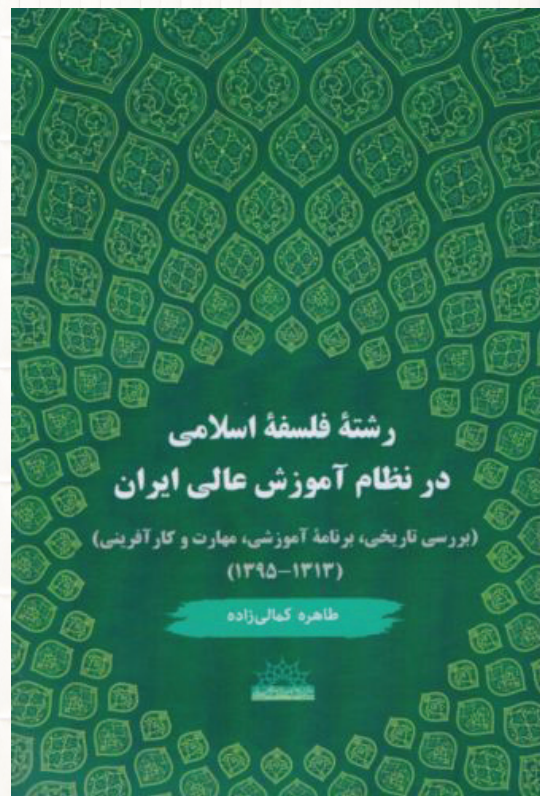
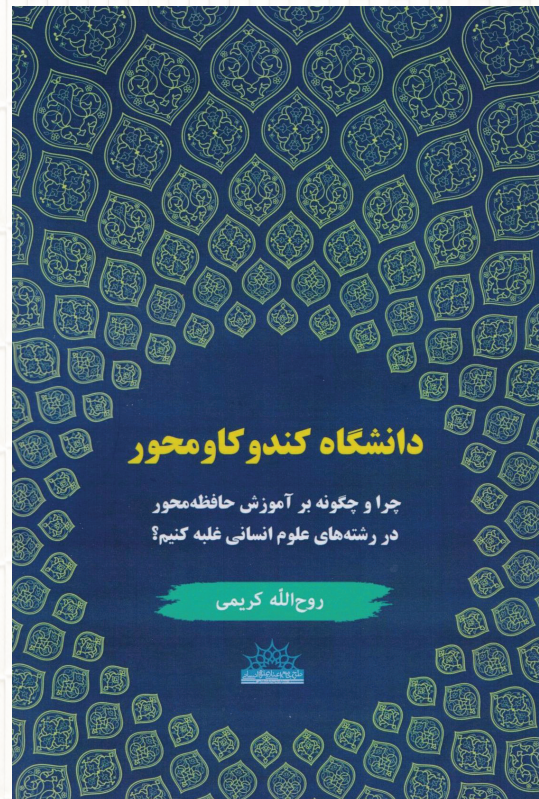
حضور: سالن ادب

مجازی: <https://b2n.ir/n26623>

کتاب‌های جدید منتشر شده در انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



کتاب‌های جدید منتشر شده در انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

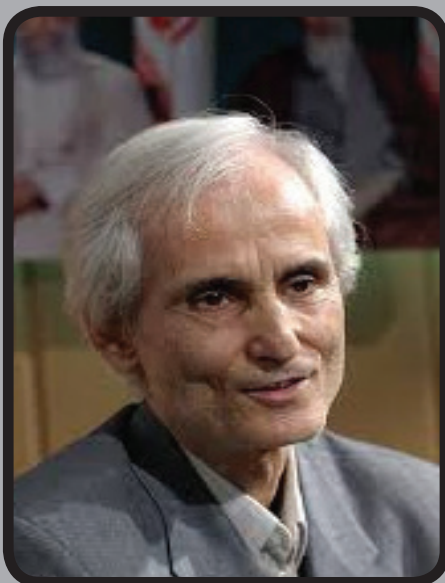


پیام تسلیت رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی درگذشت دکتر احمد صفارمقدم

دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی پیامی درگذشت دکتر احمد صفارمقدم، استاد پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه را تسلیت گفت.

متن پیام به شرح ذیل می‌باشد:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»



درگذشت دکتر احمد صفارمقدم، استاد پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه را به خانواده، دوستان، دانشجویان آن مرحوم و به‌ویژه همکاران ایشان در پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه تسلیت عرض می‌کنم.

از درگاه خداوند متعال برای روح آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر در این مصیبت را مسألت دارم.

موسی نجفی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



ثڤو، شكاھ علوم انسانى ومطالعات فرهنجى



آرشیو خبرنامه در وبگاه پژوهشگاه



فراخوان مقاله همایش ملی

زمان برگزاری:
سه شنبه ۲۱ آذر ۱۴۰۲ ساعت ۸ تا ۱۸

مهلت ارسال چکیده مقالات: ۱ شهریور ۱۴۰۲

اعلام نتایج چکیده‌های منتخب: ۱ مهر ۱۴۰۲

مهلت ارسال اصل مقالات: ۱ آبان ۱۴۰۲

دبیر علمی: دکتر سیده زهرا اجاقی

دبیر اجرایی: دکتر احمد شاکری

مکان برگزاری:
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تالار تمنن و سالن ادب

آدرس دبیرخانه همایش:
تهران، بزرگراه کردستان، خ دکتر آیینوند (۶۴ غربی)،
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات

شماره تماس دبیرخانه: ۸۸۰۵۳۲۱۸

فرهنگ، رسانه و تحولات نسلی در ایران: روندها، چالش‌ها و راهکارها

محورهای همایش

- **فرهنگ، رسانه و سیاست‌گذاری**
در این محور به موضوع سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی در باب رابطه کودک و رسانه‌ها با تمرکز بر موضوعاتی نظیر خانواده، والدگری، گروه‌های خاص اجتماعی، فروپاشی اجتماعی، سرگردمی و فراموشی، قانون‌گذاری، امنیت، تنظیم‌گری، مشروعیت‌سازی و مشروعیت‌زدایی، اعتماد بردندسازی و - پرداخته می‌شود.
- **فرهنگ، رسانه و دانش و فناوری**
تحولات نوین در فناوری‌های رسانه‌ای و تأثیر و تأثر رسانه‌ها با حوزه‌ها و اشکال مختلف دانش و فناوری موضوع این محور است که با تمرکز بر موضوعاتی نظیر مخاطرات سلامت، روانشناسی رسانه‌ها، اثرات شناختی رسانه‌ها، مشاوران اینترنت استیجاء، کنش‌گرهای علمی نوین، هوش مصنوعی، شبه‌علم، ابلاغیات جعلی، شکوفایی خلاقیت و - مورد بحث قرار می‌گیرد این مباحث با محور قرار دادن کودک و نوجوان به عنوان مصرف‌کننده تولیدکننده و عاملیت کنش‌گر این گروه سامان می‌یابد.
- **فرهنگ، رسانه و زیست‌جهان ایرانی**
جامعه ما از تحولات رسانه‌ای و فرهنگی تأثیرهای بلزری پذیرفته است که موضوعات آن در قالب‌هایی چون سپهرهای عمومی، نوسان ارتباطات شهری، شهر هوشمند، شهر مجازی، زندگی روزمره، تبلیغات شهری، حافظه جمعی، منظر محلی، روایت شهری، فضاهای شهری، محیط‌زیست و اکوسیستم شهری و پوستایی متأثر از تعامل رسانه‌ها و فرهنگ برای نسل‌های مختلف با تأکید بر کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار می‌گیرند.



ایمیل همایش: Ming2023@ihcs.ac.ir
وبگاه همایش: <https://www.ihcs.ac.ir/ming2023/fa>
لینک حضور در همایش: <https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-n7k-rz2-lxq>

سردبیر: خوریه احدی
دبیر تحریریه: شهرام اصغری
هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا
ravabet1@ihcs.ac.ir
www.ihcs.ac.ir
پیام‌رسان‌ها: @ihcss, @pajoheshgah